

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان...
ابوالقاسم قاسم زاده

«گزارش جدید» یا «سیاست جدید»؟

وقتی آقای «آمانو» با حمایت آمریکا و ترکی آروایی به مدیر کلی آژانس بین المللی انرژی اتمی انتخاب شد، بسیاری گفتند و نوشتند که از این پس تعریف آژانس بعنوان سازمانی حقوقی به نهادی سیاسی چرخش پیدا خواهد کرد تا آمریکا با مدیریت جدید از این سازمان هر گاه که بخواهد بهره گیری سیاسی کند. سابقه مدیریتی آقای آمانو که لسانس حقوق را از دانشگاه توکیو گرفت و سالها در بررسی به کار گیری سلاحهای غیر متعارف و تولید بمبهای اتمی کار و تحقیق کرد در حضور سیاسی او و واشنگتن و همکاری نزدیک با دولت آمریکا شکل گرفت بسیار راجع است. آقای «آمانو» اگر نویسم عاشق آمریکا است حداقل این ساور را دارد که بدین آمریکا هرگز او، در مصاحبه‌ای که گفته است از زاین آمده است و بعنوان یکی از زاپی که قاجاه استفاده از بمب اتمی را تجربه و مشاهده کرده است، برای ممانعت از گسترش سلاحهای غیر متعارف (شیمیایی-میکروبی) و تولید بمب اتمی تلاش خواهد کرد. اما همین آقای آمانو که چند سالی است مدیر کلی آژانس اطلاعات انرژی هسته‌ای ایران بوده گفته است، تاکنون یک بار اعتراضی به رژیم صهیونیستی (اسرائیل) برای تولید سلاحهای غیر متعارف و داشتن بیش از دویست کلاهک اتمی بر روی موشک‌های خود، نداشته است. بهانه او این است که اسرائیل در آژانس بین المللی انرژی هسته‌ای عضویت ندارد و معاده آن بی.تی. را هم اضافه نکرده است.

درحالی که هنوز چند روزی از جنگ روانی آمریکا و شرکای اروپایی او با همراهی رژیم صهیونیستی درباره گزارش آینده آمانو درباره پرونده انرژی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نگذشته است، «شیمون پروز» رئیس جمهور فعلی اسرائیل در مصاحبه با شبکه‌های تلویزیونی آمریکایی و اروپایی از شجاعت آقای آمانو قدردانی و از مدیر کلی او آژانس ستایش می کند!

این مقدمه را آورد تا واقعیت و ماهیت امروزی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را بشناسیم که با مدیریت آقای آمانو، ژاپنی شیفته آمریکا، از دایره تعریف حقوقی خود خارج شده است و به ابزاری سیاسی برای مقاصد دولت آمریکا و شرکای اروپایی درآمده است. برای دیپلماسی جدید در تنظیم روابط با آژانس در مدیریت آقای آمانو که جز اهداف سیاسی غرب است، فکری نو نباید کرد. بسیاری از اهل نظر، خواهان تغییر سبب دست‌ باز و همکاری بدون قید و شرط با آژانس هستند. عضویت ما در این آژانس و همچنان تهدید به انضاف آن بی.تی. نیازمند تجدیدنظر است. اگر ما شعار خاروبانه عاری از سلاحهای غیر متعارف و اتمی را می‌دهیم و خواهان آن هستیم، معنی ندارد که اسرائیل همچنان از عضویت در آژانس و انضاف معاهده آن بی.تی. با قلداری و حمایت همه‌جانبه آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی سر باز زند و ما در منطقه تنها کشوری باشیم که در کنار عضویت در آژانس به انضاف خود بر معاهده آن بی.تی. متعهد باشیم.

آقای آمانسو چند هفته قبل به آمریکا رفت و با اوایما ملاقات کرد. حاصل خبری و تبلیغی این ملاقات سوزه جدید در تداوم جنگ روانی – تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران گردید با انتشار خبری که در گزارش آینده دیر کل آژانس، انحراف ایران از تعهدهای انرژی هسته‌ای و گرایش به تولید سلاحهای غیر متعارف و کلاهک‌های هسته‌ای خواهد آمد. شیوه جدیدی که هنوز گزارش بطور رسمی در آژانس خوانده نشده است و انتشار یافته است اما موج وسیعی از جنگ روانی – تبلیغاتی درباره آن ایجاد کرده‌اند و در حالی که آقای آمانو را تشویق به این کار می‌کنند، حمایت از این گزارش و جالب‌تر از آن، مجازات‌هایی که آمریکا، اسرائیل و شرک آنها از دولت‌های انگلیس، فرانسه و آلمان می‌خواهند انجام دهند را برای شعار تدارک رژیم صهیونیستی در حاله که در بدترین شرایط اقتصادی و اجتماعی در درون اسرائیل بسر می‌برد و تانیاهو دولتی اتلافی و شکننده دارد و در محنت بین المللی با طرح رسیمیت دولت مستقل فلسطینی در انزوی سیاسی قرار گرفته است، طری‌حی را بر خود امر یکای‌ها داده است که برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران او دو محور تروریسم و موضوع پرسوند انرژی هسته‌ای هر حرکت کند. درباره تروریسم، سناریو ترور سفیر عربستان در واشنگتن و انتقار سفارت اسرائیل را پیش کشیده و برای چرخش جدید درباره پرونده هسته‌ای ایران، گزارش سیاسی جدید آمانو را قبل از انتشار رسمی خبری کرده‌اند که از دهها منبع عسک‌هایی به‌دست آورده‌اند که کامپیوتر‌های برخی از کارشناسان در ایران اثر یکی کلاهک هسته‌ای را بر روی سر کرده‌اند و در آن اطلاعاتی که مورد آوری کرده‌اند. دوم، جمهوری اسلامی ایران در مکانی به آزمایش قدرت انفجار هسته‌ای می‌پردازد و ماهواره‌ها این مکان را رصد کرده‌اند و به آقای آمانو گزارش داده‌اند با این سناریوی دو وجهی از جنگ روانی – خبری، جمهوری اسلامی ایران را در مدار تبلیغی تروریسم (با سناریو ترور سفیر عربستان) و گزارش جدید با سیاست جدید از آژانس سوق می‌دهند.

در حاشیه آن اخبار گوناگون از ملاقات نمایان انگلیسی با اسرائیلی‌ها و مسئولین نظامی رژیم صهیونیستی با مدیران ناتوگانو، وزارت جنگ آمریکا برای ترسیم حملات موشکی به ایران را می‌دهند. «ایما» در سفر به فرانسه برای شرکت در اجلاس گروه ۲۰ که دستور کار آن بحران مالی اروپا بود، همراه سارکوزی رئیس جمهور فرانسه در محنته تلویزیونی ظاهر شد و گفت: من و آقای سارکوزی به توافق رسیده‌ایم طرح نظریه جمهوری اسلامی ایران را داشت پیشتر بدیم. مطبوعات اروپایی نوشته‌اند، واقعیت این است که نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل به دولتمردان آمریکا و اروپایی هشدار داده است که برنده قیام‌داد منطقه خاروبانه، جمهوری اسلامی ایران است. خاروبانه دگرگون شده است و در این دگرگونی ایران پیروزی اصلی و عمده را به‌دست آورده است. در این «زنگ خطر» از نتانیاهو پیش سران کشورهای غربی به صدا درآمده است تا آنها را به اقدام وارداد. اما اروپا در بحران اقتصادی – اجتماعی غوطه‌ور شده است و در آمریکا مردم شمار مرگ بر دولت یک در صدی می‌دهند و خانواده‌های آمریکایی یک‌سخت گرفتار یکباری همراه با تورم رکودی شده‌اند. با غرب تحمل جنگ دیگری را نخواهند داشت که در آن قلب انرژی جهان، خلیج فارس از پیش باز ایستاد؟ نویسندگان سیاسی و مستقل اروپایی با این نگاه تفسیری و تحلیلی به دولتمردان خود هشدار می‌دهند که در دامن که دولت اسرائیل باز کرده است، گرفتار نشوند. این دیروز برای سیاستمداران فرانسوی از جمله وزیر خارجه دولت سارکوزی به تعدیل مواضع سیاسی تند رژیم جمهور فرانسه علیه ایران پرداخته‌اند. وزیر خارجه فرانسه هشدار داده است که جهت گیری به سوی جنگ، موجب انفجار بزرگی در خاروبانه خواهد شد و همه چیز را به هم خواهد ریخت. در انگلیس نیز برخی از تحلیل‌گران سیاسی خطاب به دولت این کشور نوشته‌اند که از سیاست‌های غلط گذشته دوران «ایران» در دنباله‌روی چشم‌پسته از آمریکا اجتناب کنند، خاروبانه میدان آزمایش و خطا نیست و با ایران نمی‌توان با این تهدید شگفتی.

ایماها خود را در پایان دوره ریاست جمهوری برای دوره دیگری نامزد انتخابات کرده‌است. در میان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری کلیل‌خورده است. هر حزب، دمکرات و جمهوریخواه چندان حرفی و راهکاری برای حل مشکلات اقتصادی و بحران اجتماعی در داخل آمریکا ندارد. چشم به سیاست خارجی دو چهره‌ان اقتصادی در دوران انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا استن که با هم مورد سیاست خارجی قدرت‌نمایی کنند. گزارش جدید، آقای «آمانو» را تبدیل به «سیاست جدید» کرده‌اند تا قدرت ترسناکی خود را به نمایش بگذارند. طراحی رژیم صهیونیستی با دو محور تروریسم و پرونده انرژی هسته‌ای درباره جمهوری اسلامی ایران، مقبول ایماها و شرکای اروپایی او شده است. دامنه این جنگ روانی – تبلیغاتی در جهان و روزه‌ها و ماهیهای آید گسترده تر خواهد شد. اما هنوز همه می‌داند که جنگ روانی، ریسک‌پذیر است. آنگاه که از کنترل خارج شود و شدت التهاب آن فرسنگ و منحنی بحران تبلیغی – خبری به نقطه جوش برسد، آتش آن را از ریگ برمی‌آید که سر اسرار خاروبانه و خلیج فارس قلب انرژی دنیا را در محله‌های خود برافروخته‌اند. در منطقه برخی از دولت‌های عربی همسایه ما در چنینر سطحه این طراحی قرار گرفته‌اند. رسانه‌های عربی بصورت دائمی پژواک جنگ روانی آمریکا و اسرائیل و شرکاء اروپایی آن را می‌نوازند. در حالی که افکار عمومی در اغلب کشورهای عربی در صیحوه قیام‌های ملی – دینی خود از آمریکا – اسرائیل از جا و نرفت دارند. ما هنوز در دیپلماسی بر پایه سیاست‌های دوستانه در منطقه چندان اثری و مستمر عمل نمی‌کنیم. تحرک و تسبیع تروری از نقاط دو جه‌جانبه با کشورهای منطقه نیاز روز دیپلماسی ما است. راهی که با صبر و برنامه باید در دست داشته باشیم. در این مسیر فرسادی و جدت ملی، هر حرکت برای ختنی سازنده رژیم صهیونیست‌ها که برای خنثی‌سازی هزین‌ها ضرر خواهد بود نیازمند حرکتی متحد بر اساس وحدت ملی و دینی است. همان وحدتی که امروز در سراسر خاروبانه مسلمانان را به قیام علیه سلطه استکباری غرب و نژادپرستی صهیونیست‌ها دعوت کرده است.

آزسوی دیگر، به نظر می‌رسد دولت‌های روسیه، چین و تا حدودی ژاپن از این دیدگاه خطرناک گسترش جنگ روانی آمریکا و شرکاء اروپایی او علیه جمهوری اسلامی ایران نگران و واقفند. روسیه و چین شرایط کنونی بین المللی را در کشورها و کارخانکات ارزیابی می‌کنند. فعالان تشکیلی دیپلماسی ما با این تهدید و مسیر قلدری را یکای‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد. این همه نیازمند تدبیر در مدیریت حساس سیاسی امروز ما است.

رئیس جمهوری: آمریکا از دوستی ایران و عربستان وحشت دارد

برای اهداف صلح آمیز بر اساس معاهده کم گسترش سلاح‌های هسته‌ای است که آن را امضا کرد. احمدی‌نژاد در پاسخ به این سوال که برخی گزینه نظامی علیه ایران را چه توسط آمریکا یا اسرائیل رد می‌نمی‌دانند، گفت: قدرت ایران روز به روز در حال افزایش است و به همین سبب نتوانسته است وارد رقابت در عرصه جهانی شود، رژیم صهیونیستی و غرب به ویژه آمریکا به قدرت ایران و نقش آن وحشت دارند و به همین سبب تلاش می‌کنند جهان را برای عملیات نظامی علیه ایران با هدف متوقف کردن نقش آن با خود همراه کنند، ما می‌توانیم با برقرار آرامی در منطقه، قطع نشده است، مذاکراتی میان ما وجود دارد و به لطف الهی، آمریکایی‌ها نتواند کاری کند.

وی درباره تهدیدهای نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران گفت: این تهدیدها تا یکی نندارد، ایران هیچ بمب هسته‌ای ندارد، در حالی که اسرائیل با داشتن ۳۰۰ کلاهک هسته‌ای شری است که تمامی منطقه را تهدید می‌کند. ایران فقط به دنبال فناوری هسته‌ای

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: عملکرد ده‌ها و سیاست‌ها را باید شجاعانه در بوبه نقد متصفانه قرار داد

بقیه از صفحه اول
مانند متناقض و فداپناش خلق، عملکرد خود آنان را موجب حذف و برخورد نظام با آنان دانست و گفت: تا زمانی که گروه‌ها دست بر سلاح و جنگ مسلحانه نبرده بودند، در نظام محتمل می‌شدند، ولی زمانی که امنیت مردم و جامعه را با خطر جدی مواجه کرده‌اند، نظام ناچار شد با آنان برخورد کند و از آنجایی که در میان مردم هم جایگاهی نداشتند، منجر به حذف آنان از صحنه سیاسی کشور شد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام یکی از نقاط عطف و انقلاب اسلامی ایران را دوران افراط مقدس و پیروزی در جنگ تحمیلی دانست و با اشاره به تحمل این جنگ توسط رژیم بعث صدام با حمایت قدرت‌های استکباری، تأکید کرد: حقیقتاً به‌رغم محاصره اقتصادی و تنها بودن در دفاع مقدس، پیروزی ایران نسبت به نتیجه لطف الهی، تدبیر و درایت حضرت امام(ره) و مدیران و فرماندهان قدس بسود. به گونه‌ای که با پذیرش قطعنامه رژیم صدام در سازمان ملل شروع‌کننده جنگ شناخته و ملزم به پرداخت خسارت به جمهوری اسلامی ایران شد و این دستاورد عظیم این نظام نوپای اسلامی بود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با تقدیر از برگزاری اولین اجلاس مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت‌های دفاع مقدس، سازندگی و توسعه سیاسی کشور را حرکت در مسیر صحیح و در خط امام و انقلاب اسلامی خواند و با اشاره به لزوم

ایران طرح آمریکا را برای ترور فرمانده سپاه قدس پیگیری قضایی می‌کند

«جمهوری اسلامی ایران به‌طور یقین علیه درخواست نمایندگان کشور آمریکا برای ترور فرمانده سپاه قدس پیگیری قضایی می‌کند» علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه در گفت‌وگو با ایرنا با اعلام این مطلب گفت: «ما آمریکا را تهدید گستاخ هستند که موضوع ترور مقامات نظامی ایران را به طور رسمی در مجلس نمایندگان و اسطراح می‌کنند که این موضوع پیگیری حقوقی دارد. به گفته صالحی موضوع ترور فرماندهان نظامی ایران توسط آمریکا در حالی مطرح می‌شود که آنها بر اساس یک سناریوی بی‌پایه و اساس جمهوری اسلامی ایران با منتهی به ترور می‌شود.

وی افزود: آنها این اسناد اعدا مطرح کردند که ایران با استفاده از فردی که ۳۰ سال است در آمریکا زندگی می‌کند و معلوم نیست چه کسی است و آن کجا آمده، تلاش دارد سفیر عربستان سعودی در آمریکا را ترور کند و با استفاده از این سناریو هم جاز و جنجال جهانی به راه انداخته است.

وزیر امور خارجه از این که شماری از نمایندگان مجلس آمریکا این گونه وقحانه اعلام و تصریح می‌کنند که فرمانده سپاه قدس ایران را ترور کنند اما هیچ کسی علیه این سناریو موضع گیری نمی‌کند و صدايش در می‌آید ابراز تأسف کرد.

صالحی همچنین تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران از مسیرهای قانونی و دیپلماتیک، پیگیری قضایی خود را در درون پرونده‌های آمریکا

وزیر امور خارجه ایران با اشاره به روی آوردن مقام‌های آمریکایی به دروغ پردازی‌های سیاسی و رسانه‌ای به منظور انحراف افکار عمومی مردم این کشور و جهان از محور بحران اقتصادی گفت: جهانپایان باید مراقب دروغ پردازی‌های سران واشنگتن باشد.وی دیروز در حاشیه اجلاس نخست‌وزیران و رؤسای کشورهای منطقه در سن پترزبورگ در گفت‌وگو با خبرنگاران ایران افزود: سران کاخ سفید در قطع‌کنونی که ناکارآمدی آنان در نقاط اقتصادی و سیاسی به قطع خود رسیده است، برای فرافکنی معضلات مبتلایه این کشور به دروغ پردازی و ایجاد ترغیب میان کشورهای مختلف سعی می‌کنند. وی با بیان این مطلب که در طئه‌ها و اتهام زنی آمریکا علیه ایران نود افکار عمومی جهان نغ نمانده است، اظهار داشت: مقام‌ها و دولتمردان ایران در سطح عالی اعلام از جناح خود در تروریسم و در نقاط مختلف جهان بارها کرده‌اند و امروز همه بر این واقعیت که ایران اسلامی خود از بزرگترین قربانیان تروریسم در جهان بوده است، اشرفا

وزیر خارجه اتهام اخیر آمریکایی‌ها به کشورهای رمان را مبنی بر دست‌درازی‌های متعدد کاذبی و موهوم ترور در این کشور، گامی در راستای توطئه‌های سی ساله کشید و به‌جراحی استقلال و عزت ایران اسلامی در منطقه و ایجاد ترغیر در میان کشورهای اسلامی دانست و اضافه کرد: کس پس از این که مشخص شد اظهارات مقام‌های آمریکایی در این باره ادعایی بیش نبوده است و آنان سندی در دست ندارند، میری انجام نمی‌دهد.

لکھیان دلاکھی

رئیس جمهوری: آمریکا از دوستی ایران و عربستان وحشت دارد

خبرنگار الانخبار پرسید: درباره روابط مصر و ایران، برخی از امکان ایجاد ائتلاف دفاعی مشترک میان دو کشور سخن می‌گویند که می‌تواند در صورت تحقق، سبب کاهش دفعه‌های مقام معظم رهبری در خصوص سبطره آمریکا بر منطقه شود، نظر شما چیست؟

احمدی نژاد پاسخ داد: از این مساله استقبال می‌کنیم، اما این مساله دفاعی نیست و به منظور رفع دفعه‌های مقام معظم رهبری در خصوص سبطره آمریکا گران آرزوی ضربه زدن به مقاومت را در سر می‌پروراند. به مقاومت و حتی در خط مقدم آن به مشارکت می‌توانیم با هم همکاری و همسویی میان ایران و مصر می‌تواند بین کاهش سبطره آمریکا شود و هیچ زمینه‌ای برای مداخلت آمریکا در منطقه باقی نماند.

خبرنگار الانخبار پرسید: شما چه زمانی به مصر می‌آید؟ احمدی نژاد گفت: هر وقت من برای مصر دعوت رسمی به عمل آید، بلافاصله خواهم آمد. من خوشبین هستم که زمان آن فرا خواهد رسید، من مصری‌ها را از صمیم قلبم دوست دارم و برای مصر آرزوی رفاه و پیشرفت و شکوفایی دارم.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: عملکرد ده‌ها و سیاست‌ها را باید شجاعانه در بوبه نقد متصفانه قرار داد

بقیه از صفحه اول
مانند متناقض و فداپناش خلق، عملکرد خود آنان را موجب حذف و برخورد نظام با آنان دانست و گفت: تا زمانی که گروه‌ها دست بر سلاح و جنگ مسلحانه نبرده بودند، در نظام محتمل می‌شدند، ولی زمانی که امنیت مردم و جامعه را با خطر جدی مواجه کرده‌اند، نظام ناچار شد با آنان برخورد کند و از آنجایی که در میان مردم هم جایگاهی نداشتند، منجر به حذف آنان از صحنه سیاسی کشور شد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام یکی از نقاط عطف و انقلاب اسلامی ایران را دوران افراط مقدس و پیروزی در جنگ تحمیلی دانست و با اشاره به تحمل این جنگ توسط رژیم بعث صدام با حمایت قدرت‌های استکباری، تأکید کرد: حقیقتاً به‌رغم محاصره اقتصادی و تنها بودن در دفاع مقدس، پیروزی ایران نسبت به نتیجه لطف الهی، تدبیر و درایت حضرت امام(ره) و مدیران و فرماندهان قدس با نام یا گمنامی بود که اکنون اکثرشان گوشه‌نشین و از گود خارج شده‌اند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت‌های دفاع مقدس، سازندگی و توسعه سیاسی کشور را حرکت در مسیر صحیح و در خط امام و انقلاب اسلامی خواند و با اشاره به لزوم

مخالفت فرانسه با هر گونه تهدید نظامی ایران

وزیر امور خارجه فرانسه هشدار داد که اقدام نظامی احتمالی علیه برنامه هسته‌ای ایران می‌تواند به وضعی آکلاماژر تبدیل‌کننده در منطقه منجر شود. به گزارش ایسا، آنژ ژویه در گفت‌وگو با رادیو یو.ا.ر اظهاراتی خصمانه گفت: ما ترجیح می‌دهیم با اعلام اعمال تهدید که همچنان گسترده می‌شود و می‌تواند به راه تشدید کنیم تا به ایران فشار بیاوریم و افزود: ما همچنان به این مسیر ادامه خواهیم داد، زیرا یک درگیری نظامی می‌تواند شرایطی را به‌وجود آورد که منطقه را آکلامای شات کند.وزیر امور خارجه فرانسه با تکرار اتهامات غربی مرتب نظامی بودن برنامه هسته‌ای ایران مدعی شد که انتظار دارد گزارش آژانس بین‌المللی انرژی درباره برنامه هسته‌ای ایران در روزهای آینده منتشر می‌شود، تأکید کرد که تهران سلاح هسته‌ای بوده است و ژویه مدعی شد: این برای ما قابل قبول نیست و نقض معاهدات بین‌المللی به شمار می‌آید و تهدیدی است که می‌تواند کل منطقه و فراتر از آن را تهدید کند.

هشدار لااروف به صهیونیستها

در پی اظهارات اخیر مقامات رژیم صهیونیستی در مورد اقدام نظامی علیه ایران، وزیر امور خارجه روسیه به شاغلان‌گران قدس درباره پیامدهای خطرناک دست‌زدن به چنین ماجراجویی هشدار داد. به گزارش هم‌پول از خبرگزاری فرانسه، «سرگی لااروف» وزیر امور خارجه روسیه با اشاره به گزارش در دست انتشار مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی، رژیم صهیونیستی را از هر گونه اقدام خورسره‌انه ایران برادر حذر داشت. وی «اشباحه‌خوانده‌های خنثی‌سازی» را محکوم کرد و اظهار داشت: ما این ضمن هشدار درباره پیامدهای خطرناک آن، فراتر از بیان این اقدام گفت: هیچ راه‌حلی نظامی برای مسئله ایران وجود ندارد. لااروف همچنین تأکید کرد: در هیچ‌امروز ما در حال نظامی به حل مشکلات کمک نمی‌کنند، بلکه با افزودن شمار قربانیان و آسیب‌دیدگان بر دامنه مشکلات می‌افزاید. وزیر امور خارجه روسیه یادآور شد که در گذشته نظر رسمی در ایران می‌تواند اقدامات جامعه جهانی در چارچوب قوانین سازمان ملل لطمه وارد کند. این اظهارات در واکنش به صاحبه‌های شیمونیوز پرز رئیس رژیم صهیونیستی که در آنها مدعی لزوم اقدام نظامی در برابر ایران شده است، بیان شد.

مسئول ارله گزارش امنی
رئیس‌دیگر خبرگزاری فرانسه به نقل از دیپلمات‌ها گزارش داد که گزارش جدید آژانس بین‌المللی انرژی درباره برنامه هسته‌ای ایران امروز با فراتر منتشر می‌شود. این خبر گزاریه به نقل از دیپلمات‌ها مدعی شد که گزارش جدید آژانس بین‌المللی انرژی امنی در میان اعضای آژانس به گردش درگشت در محصلار روز شنبه از شای‌های ایران برای تولید مواد رادیواکتیو برای یک کلاهک و تولید موشک متمرکز خواهد بود.

در این میان، یک دیپلمات غربی مدعی شد که گزارش حاوی شواهدی خواهد بود که ایران می‌تواند مانند گذشته آن را ساختگی بخواند. وی کرد. همچنین مقامات ایران در جریان اظهارات قرار از آن گرفته‌اند. به گزارش ایسا، کارشناس به رسانه‌ای شدن گزارش آژانس قبل از آن که با اختیار اعضا قرار بگیرد و اتفاقی می‌کنند او رفتار آمانو را خارج شدن از چارچوب فنی آژانس می‌خوانند. مقامات غربی ایپاورند که گزارش جدید آژانس سایر کشورهای معتقد کند که گزارش پیشتر را علیه ایران اعمال کنند. اما دیپلمات‌ها گفتند که روسیه و چین نسبت به لزوم این کار معاند نشده‌اند و مسکو حتی به طور علنی از آژانس خواسته است که این گزارش را منتشر نکند و تاکیاد کرد که انتشار این گزارش می‌تواند مانع آغاز مذاکرات جاری شد. «ایلیو ژارتز» تحلیلگر موسسه آمانو امریتینی و بین‌المللی اشاره به گروه ۵+۱ گفت: «ایران در این منطقه یک کشوری محکم و ۵+۱ بار دیگر در زمینه این مساله اختلاف پیدا کند» به نظر من این منطقه نیست، یک راه‌حلی وجود دارد. آژانس باید از آژانس سکوت در روزنامه نگارستان بستم که به نقل از دیپلمات‌های غربی که نامی از آن برده نشده مدعی شد که دولت ایران پس از دریافت کمک از دانشمندان خارجی، بر کاهلی لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای سلطه داشت.

این روزنامه دیگر یکبار به نقل از دیپلمات‌های غربی و کارشناسان هسته‌ای انتشار گزارش جدید آژانس مدعی شد که یک دانشمند تسلیحاتی شوروی ایران را در زمینه ساخت چاشنی‌های دقیق از نوعی که برای ایجاد وودن زنجیره هسته‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، تهدید کرده است. این در حالی است که مقامات ایرانی بارها بر صلب می‌بودن برنامه هسته‌ای تأکید کرده و اتهامات غرب در این زمینه را سیاسی و در راستای فشار بر کشورمان خوانده‌اند.

وزارت اقتصاد مکلف به پرداخت سود به سهامداران عدالت شد

شاهد تحکیم بیش از پیش پیوندهای دوستی و برادری میان امت اسلام باشیم.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری در این پیام آمده است: با کمال مسرت، فرارسیدن عید سعید قربان،عیدایثار و اخودگذشگی و بر برابر ذات اقدس احدیت را به شما، دولت و ملت دوست آن کشور تبریک می‌گویم. امیدوارم در آستانه این عید بزرگ و فرخنده، با مشارکت جمعی و همدلی مضاعف و بخشندگی و ملت‌های اسلامی، گسترش صلح، محبت، آرامش، عدالت و رفاه، رفع ظلم، تبعیض و مسئولیت‌های گوناگون و همچنین تحکیم پیوندهای دوستی و برادری میان امت اسلامی را بیش از پیش شاهد باشیم.

رئیس جمهور هم در این جلسه با تبریک عید قربان به مسلمانان جهان و تبریک عید قربان به قربان به عنوان یکی از بزرگترین اعیاد به معنای بریدن کامل انسان از خود و پیوستن به خدای متعال است.

احمدی نژاد عرفات را نقطه اتصال به هر عفتی دانست و گفت: اگر حضور امام در عرفات نباشد، عرفات معنی ندارد.

رئیس جمهوری همچنین فرارسیدن عید سعید قربان به سران کشورهای اسلامی، اظهار امیدواری کرد که با مشارکت جمعی و همدلی مضاعف کشورهای اسلامی

آیت‌الله العظمی جوادی آملی: سرشماری، اولین گام برای توسعه کشور است

زمینه‌ها حرف اول را در پیشرفت و آبادانی کشور می‌زند. به گزارش دفتر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، این مرجع تقلید پیروز در دیدار معاون استاندار کشور و توسعه و برنامه‌ریزی در گفت‌وگو با مسئولین آمار و سرشماری، اعلام کرد: سرشماری را برنامه لایمی برشمردن و افزود: اگر آمار کشوری معلوم نباشد، تصمیماتی که گرفته می‌شود، ممکن است به نتیجه‌ای نرسد.

ایشان اعلام کرد که آگاهی می‌گیرند تسابه وسیله‌ان بیماری و امراض بیماران خود را تشخیص دهند و نسخه‌های عالجی برای درمان بیماری بنویسند.

اگر چنین مشکلی احساس می‌شود که برای این مشکل باید با عجله و برای یکی دو سال آینده فکری کرد و با اینکه نگاهمان رفع مشکل کشور را به‌دیده باشد؟

نکته دیگر اینکه به چه جمعیتی و چه مناطقی و در چه جغرافیا و فرهنگ و اعتقادات نیازمندیم؟ مساله مهم دیگری که حتما باید مورد توجه قرار گیرد این است که به ریشه‌یابی علت و ملل ترور گریزی خانواده‌ها و بویژه خانواده‌های شهری و روستایی نسبتا برخورد را توجه کنیم و بی‌جهت سنگ بر سندان نکریم و با اعلام مشو‌ق‌های ساده‌انگاره

و بی‌نیجه و حتی بالاتر از آن، بی‌نیجه و با تصمیمات شتابزده و احساسی و بدون پشتوانه کارشناسی، مشکل را مضاعف نکنیم. به اعتقاد نگارنده ابتدا باید دید چه شرایطی را از نظر اقتصادی، اعتقادی، فرهنگی، امنیتی و آموزشی و تربیتی بر جامعه و شهروندان حاکم کرده‌ایم که مشکلات تحمل آنان را از حد و مرز پائین آورده است؟ چگونه می‌توان بخشی از دفعه‌های اجتماعی را کم کنیم و بر امید به زندگی و آینده بیشتر، این آستانه بالاتر برد و در نتیجه هم خانواده‌های مستحکم‌تری شکل بگیرد و هم با میل و اختیار به این نتیجه برسند که می‌توانند اداره دو فرزند و یا حتی بیشتر را نیز برعهده بگیرند؟ در این باره شهنشاهی بسیار پیشتر می‌هست که فی‌الحال در این مجال به همین مقال بسنده می‌کنم.

رئیس جمهوری یابان این کار را از پیروندی در خصوص مسائل جهانی دیدگاه مشترک دارند، گفت: گسترش روابط و مناسبات در کشور نیاز به همکاری مختلف می‌تواند پیشرفت و اعتدالی در وجه پیشتر و ملت را فراهم کند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، محمود احمدی‌نژاد در دیدار فرستاده وزیر رئیس جمهوری رونی با مقامات ایران در حمایت این کشور از جمهوری اسلامی ایران در دیدگاه جهانی را تأیید دانست. ایران و پیروندی را دارا بودن دیگام مشترک می‌تواند در مسرت گسترش همسایه‌ها روابط گام‌های مستحکمی به نفع دو ملت و منطقه برآورد.

برگزاری مراسم دعای عرفه در حرم مطهر امام رضا(ع) و بادهان شهدای شلمچه

سروس شهنشاهی‌همزمان با نهم ذی‌الحجه، حرم مطهر الشج حضرت علی(ع) در شهر شلمچه (ساز،ع) شاهد حضور گسترده پرشور هزاران زائر و مجاورتی بود که دعای بر فیض عرفه را در فضایی سرشار از معنویت زمزمه کرد. به گزارش ایرنا، در جلسه عزیزیات وزیران که به ریاست کرد محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری ایران، درحضور مسئولان و نمایندگان ایران در پیروندی در افغانستان و ایران در دیدگاه جهانی را تأیید دانست. ایران و پیروندی را دارا بودن دیگام مشترک می‌تواند در مسرت گسترش همسایه‌ها روابط گام‌های مستحکمی به نفع دو ملت و منطقه برآورد.

رئیس جمهور در عرانی دعای عرفه امام حسین(ع) و فضایی سرشار از معنویت و تضرع به درگاه احدیت در مشهد شهدای گمنام شلمچه در نقطه صفر عرفه، شاهد نشست استانبول شرکت کرد.

در این مراسم معنوی که بیش از ۵۰ هزار نفر از اعضای کاروان‌های راهیان نور و سراسر کشور حضور داشتند، شرکت‌کنندگان با زمزمه دعای نوحی عرفه، جوی‌های دعا و محبت و اخلاص به ذات براتعلی را به نمایش گذاشتند.

سفری می‌کند

سروس شهنشاهی: استاندار چهارمحال و بختیاری

برنامه‌های دور چهارم سفر رئیس جمهوری و هیأت دولت به

ایران اسنان اعلام کرد.

علی صفر عباسستانی در گفت و گو با اپرنا افزود: آیین

استقبال از رئیس جمهوری، فردا از میدان کوهرنگ آغاز

می‌شود.

شنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۰ - ۱۱ خالصه ۱۴۳۲ - ۲۰۱۱ نوامبر - ۲ شماره ۲۵۱۷۲

کاهش نرخ باروری کل فرصت یا تهدید؟

فتح... آملی

در گزارش اخیر سازمان ثبت احوال آمده است که آمار زاد و ولد در ۶ ماهه نخست سال جاری، در ۱۹ استان کاهش یافته است. این امر چرخش مثبتی نشان می‌دهد که در استان تهران این کاهش به مراتب چشمگیرتر است. اصطلاحی در جمعیت‌شناسی و در فرهنگ و ادبیات جمعیتی وجود دارد که به آن نرخ باروری کل گفته می‌شود. یعنی اگر میزان زاد و ولد به گونه‌ای باشد که در قبال هر ازدواج حداقل دو تولد اتفاق بیفتند، نرخ جمعیتی در بلندمدت صفر می‌شود. یعنی از یک زن و شوهر در طول دوران ازدواجشان دو فرزند که متولد شود حداقل تعداد جمعیت در آینده دچار کاهش نمی‌شود. البته با توجه به اینکه عده‌ای ازدواج نمی‌کنند. اگر بخواهیم تناسب جمعیتی در کشور حفظ شود باید میزان زاد و ولد و یا نرخ باروری کل اندکی بیش از عدد ۲ باشد. (همانطور که می‌دانیم این شاخص با نرخ رشد جمعیت تفاوت دارد.) در حال حاضر نرخ جمعیت کشور کاهش نشان نمی‌دهد بلکه حتی رشد جمعیت نسبتا بالا هم هست و جمعیت کشور در سالهای پیش از این فقط کاهش نیلکه باید افزایش می‌جاءد داشت چرا که جمعیت متولد شده در دهه ۶۰ (که بالاترین نرخ رشد را در آن سال‌ها داشته‌ایم) حال به سن ازدواج و زاد و ولد رسیده‌اند اما آنچه که محل بحث است زمانه باروری و با متوسط باروری است که تعداد باید اندکی بیش از عدد ۲ باشد، چرا که در غیر این صورت وقتی متوسط محصول ازدواج یک زوج (نر و شوهر) کمتر از عدد ۲ باشد همین نقصان در آینده جمعیت مشکلاتی را از جمله بی‌فری جمعیت به دنبال می‌آورد. اما وقتی به توزیع جغرافیایی میزان زاد و ولد نگاهی می‌اندازیم با حقایق تأمل برانگیز دیگری روبرو می‌شویم.

در پیام احمدی‌نژاد به پرسوس «اکمل‌الدین احسان اولوغ» آمده‌است: «ما در سطح چاشنیستی و امنیت و رفاه مثال در تهران ۱/۴ درصد متوسط آن در کل کشور به ۱/۸ می‌رسد، بیشترین تعداد موالید هم در استانهای سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و خوزستان و این استانهای مرزی اتفاق افتاده است که پایپاهای روستایی را ما منتقل می‌کنند که محل بحث و تحلیل آن در این مقال نیست اما بی‌توجهی به آن نیز از جمله غفلت‌های غیرقابل بخشش مسؤولان ما خواهد بود.

حالا با توجه به آنچه که گفته شد چاره کار چیست؟

آیا باید مشو‌ق‌های جمعیتی خاصی را طراحی کرد؟ آیا طر‌ح‌هایی

نظیر افتتاح حساب یک میلیون تومانی برای هر نوزاد (که تا همین حال هم به یک طرح شکست‌خورده و تعطیل شده تبدیل شده است) در اراحل مناسی است؟

آیا اختصاص خودرو و قرعه‌کشی خودروی گران‌قیمت برای کسانیکه بچه‌های بیشتری به دنیا بیاورند (نظیر قرعه‌کشی حسابهای قرض الحسنه) ما را در نتیجه مطلوب خواهد رساند؟! متأسفانه در این رابطه مسؤولان امر تا به حال هر چه که کرده‌اند غیر علمی و غیر کارشناسی بوده و نتیجه عکس داده است. حتی پرداخت یارانه به هر نوزاد در این میان چارسماز نیست. اقدامات شتابزده و طرح‌های کارشناسی نشده نیز تنها رف مشکلی نخواهد بود که هرگز بر حجم و گستره مشکلات خواهد افزود و کشور را با مصائب دیگری روبرو خواهد نمود.

به گمان بنده کارشناسان و متخصصان باید بنشینند و بدون عجله و شتاب و با نگاهی جامع‌الاطراف، علمی و همه‌جانبه، برای اسالهای آینده کشور در این مورد برنامه‌ریزی کنند.

نخست آنکه باید دید، ایمان بیاوریم که هر افزایش جمعیتی برای کشور سودمند نیست. ابتدا باید بررسی کنیم که در چه جغرافیایی و در چه محیط‌هایی تربیتی دچار کمبود جمعیت موثر شده‌ایم.

به طور مثال اگر برنامه‌های ما منجر به تشویق زاد و ولد در محیط‌ها و خانواده‌هایی شود که همین حال هم با افزایش جمعیت روبرویند و توان اداره خانواده شلوغ خود را هم ندارند و مسؤولیت‌های جنایی هم در اداره و تربیت و پرورش آنها در خود احساس نمی‌کنند، قطعاً دچار نقص عرفی شده و در دامنه مشکلات خواهیم افزود. پس نخست باید به بررسی اسباب مشکلاتی مساله‌ها بپردازیم که با واقعاً مشکلی به نام کمبود جمعیت داریم؟

اگر چنین مشکلی احساس می‌شود که برای این مشکل باید با عجله و برای یکی دو سال آینده فکری کرد و با اینکه نگاهمان رفع مشکل کشور را به‌دیده باشد؟

نکته دیگر اینکه به چه جمعیتی و چه مناطقی و در چه جغرافیا و فرهنگ و اعتقادات نیازمندیم؟ مساله مهم دیگری که حتما باید مورد توجه قرار گیرد این است که به ریشه‌یابی علت و ملل ترور گریزی خانواده‌ها و بویژه خانواده‌های شهری و روستایی نسبتا برخورد را توجه کنیم و بی‌جهت سنگ بر سندان نکریم و با اعلام مشو‌ق‌های ساده‌انگاره و بی‌نیجه و حتی بالاتر از آن، بی‌نیجه و با تصمیمات شتابزده و احساسی و بدون پشتوانه کارشناسی، مشکل را مضاعف نکنیم. به اعتقاد نگارنده ابتدا باید دید چه شرایطی را از نظر اقتصادی، اعتقادی، فرهنگی، امنیتی و آموزشی و تربیتی بر جامعه و شهروندان حاکم کرده‌ایم که مشکلات تحمل آنان را از حد و مرز پائین آورده است؟ چگونه می‌توان بخشی از دفعه‌های اجتماعی را کم کنیم و بر امید به زندگی و آینده بیشتر، این آستانه بالاتر برد و در نتیجه هم خانواده‌های مستحکم‌تری شکل بگیرد و هم با میل و اختیار به این نتیجه برسند که می‌توانند اداره دو فرزند و یا حتی بیشتر را نیز برعهده بگیرند؟ در این باره شهنشاهی بسیار پیشتر می‌هست که فی‌الحال در این مجال به همین مقال بسنده می‌کنم.

وی گفت: دکتر احمدی نژاد ساعت ۱۰ افراد در ورزشگاه انقلاب شهر کرد در جمع مردم سخنرانی می‌کند. استاندار چهارمحال و بختیاری با اشاره به سفر سخنرانی رئیس جمهوری در شهرهای هفتگانه استان، اضافه کرد: دکتر احمدی نژاد در روز نخست این سفر علاوه بر شهرکرد مرکز استان، در جمع مردم و لاتمدار بروجن و لردگان سخنرانی خواهد کرد.

عباسستانی، حضور در جمع مردم کوهرنگ، اردل، کبار و فارس‌ران را از برنامه‌های روز دوم سفر رئیس جمهوری و هیأت دولت به چهارمحال و بختیاری اعلام کرد و افزود: نشست تشکیل نشود این اشغال کردن جلسه هیات دولت به ریاست رئیس جمهوری برای رونق اشتغال و بررسی مصوبات سه دوره گذشته سفر از دیگر برنامه‌های هیأت دولت به چهارمحال و بختیاری در دور چهارم سفر است.

علی محمد آزاد استاندار قزوین شد

سروس شهنشاهی: استاندار با تصویب هیأت دولت، علی محمد آزاد به عنوان استاندار قزوین تعیین شد.

به گزارش ایرنا، در جلسه عزیزیات وزیران که به ریاست کرد محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری برگزار

شد، همچنین از دیدگاه جهانی را تأیید دانست. ایران و پیروندی را دارا



امام‌علی علیه‌السلام:

الشُّكْرُ عَظِيمٌ قَدْرًا مِنَ الْمَعْرُوفِ لِأَنَّ الشُّكْرَ يَبْقَى وَ الْمَعْرُوفُ يَفْنَى

سپاسگزاری را پایه بر تو از نیکی است زیرا سپاس می ماند و نیکی نمی ماند

هیئتگاه

تجلی مفاهیم منشور برادری

استاد سیدهادی خسرو شاهی

در صفحه ۱۴ روزنامه «اطلاعات» مورخ روز پنجشنبه ۹۰/۸/۱۲ متن سخنرانی اراددم دعایی حفظخانه را که در همایش منشور برادری در حوزه علمیه قم ابرام شده بود، خواندم و بسیار مسرور شدم. و واقع کمی به حال و هوای اوایل انقلاب و سنّای قدیمی و روح معنوی پیشین، بازگشتم! و آرزو کردم که یکبارش این روحه معن و انفعاض و برادری و مبدلی از نو بر جامعه ما حکومت کند. و دعواهای و هواهای نفسانی، تحت عنوان بموهو، «برای اسلام»، «برای خدای» و در راه «دفاع از ارزش‌ها و برای: «انقلاب» بر ما حاکم شود، چرا که تمام خمینی در یک سخنرانی می فرماید: «... دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد. همهٔ ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است، ما برای مصالح اسلامی دعوا می کنیم... دعوای من و شما و همهٔ کسانی که دعوا می کنند، همه دعوی خودشان است.

(متن کامل بیانات امام خمینی(ره) در جلد چهاردهم «صحیفه امام» صفحه ۴۷۹ و بعد آمده است، علاقتان در مراجعه کنید).

برحسال اسلام‌وام که در عینات حق تعالی، از ائین دعواها و عناوین تفرقه‌انگیز، چپ و راست، اصولگر و محافظه‌کار، اصلاح‌طلب و لیبرال‌ا و امثال اینها، دست برداریم به برادری و صدق، صفا و مهرورزی واقعی اوایل انقلاب بر گردیم!..

آقای داعی به چند نمونه از ارزش‌های واقعی انقلاب، در گذشت و انفعاض و برخورد اسلامی در استانی در اوایل انقلاب اشاره کرده بود و یکی دو نمونه دیگر را که خاطراتی از آن دعوی اخلاقی قدس سره و تجلی مفاهیم منشور برادری در عملکرد ایشان می‌باشد -اشاره کرده می‌کنم.

... پس از ماجرای عزل بنی صدر و قرار وی به خارج، جناب اندیشه بزرگ‌قرن(آرور در ایران «ابرمدی آزادی‌بخش‌ناید و هرروز در گفتگوهای خود با رسانه‌های غربی، نظام اسلامی ایران را تحت عنوان «حکومت ملا تاربا» مورد اتهام و مجسمه قرار می‌داد... در آن ایام، اعلام همبستگی با فرقه نفاق و باصطلاح شورای ملی مقاومت امر را بیعی شده بود و هر کسی که

می‌خواست در غرب بماند، به بهانه‌ای به آن ملحق می‌شد. در این میان، یکی از برادران دانشجو که در شهر بجناب تحصیل می‌کرد و عضو انجمن اسلامی دانشجویان در اتلیا بود، نزد من آمد و اطلاع داد که می‌خواهد به پاریس برود و به «مقاومت» ملحق شود و پس از اطلاع اعتماد سران آن بنی صدر را «نوروز» کند!.. البته او از ضمن آن من به عنوان یک روحانی، «مجوز شرعی» می‌خواست! و بدنبال موقعی‌رمز مرکز نه‌یاد دیگری نبود... اما من به او گفته که بنده نه قاضی شرع هستم و نه حاکم داد‌گاه انقلاب و نه اهل حکم و نفوی در این قبیل امور، و اگر فکر بود در این زمینه‌ها مسئولیتی را پذیرم، در ایران دعوت بشو! البته قدوسی برای برابری سرپرسی یکی از داد‌گاه‌های انقلاب را قبول می‌کرد اما من نپذیرفتم، چون هر کسی را دخادان برای کاری ساخته است و کار من، کار فرهنگی است و در امور دیگر، دخالتی نداشته‌ام و قصد هم ندارم که دخالت کنم...

انصار ضرر دادم که در عملی ساختن تصمیم خود باعث شد که من به او بگویم: برای شرکت کرد در سمینار سفسرای ایران در خارج، که هفته آینده در تهران منعقد خواهد شد، عازم ایران هستم و «حکم شرعی» این امر را فقط از امام «خمینی» که شما مقلد ایشان هستید، خواهم پرسید و پاسخ را برای شما خواهم اوراد!رادر دانشجو که در خلوص ازو شکی نبود و بعدا هم جز کادر رسمی وزارت امور خارجه شد، خیلی خوشحال گشت و قرار شد که منتظر پاسخ و نظری به امام خمینی باشد!..

چشمه قدس که به ایران آمد و در دیدار با امام، موضوع را بعنوان یک سوال شرعی مطرح کرد، امام فرمود:نپذیرم! چنی این کار را می‌خواهد انجام دهد؟ گفته آقای بنی صدر در خارج، مصاحبه‌های زیادی علیه‌حضر تعالی و نظام اسلامی انجام می‌دهد و مقالاتی نیز در روزنامه «انقلاب اسلامی» خود، علیه ولایت فقیه می‌نویسد...

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

همه امام عرض کردم که بنده اغلب آثار آقای بنی صدر را در گذشته‌ها خوانده‌ام. تا‌میرده در آن آثاری که من خوانده‌ام، منکر هیچ یک از ضروریات دین نشده و بلکه در مورد مثلا ضرورت حفظ حجاب، کتاب هم نوشته است!..

امام فرمود اگر اینطور است، پس شما آن فرد را از طرف من نهی کنید و اجازه ندهید که این کار را انجام دهد... برافزودند: من در روزهای آخر که در مغرور شده بود و در سراسیمه سقوط قرار داشت برای نجات او خواستم که نزد من بیاید و قصدم آن بود که در همینجا بنشیند کتاب مقاله بنویسد و اگر نظری منطقی داره، بطور معقول عرضه کند تا نظام آن را بررسی کند، ولی او نیامد و به مناتقین پناه برد و برای ادخ بود را ضایع کرد و من یقین دارم دیو با زود مناتقین هم او را تنها خواهد گذاشت...

این نمونه‌ای از روش و منش علوی امام خمینی درباره کسی بود که زشت‌ترین و ناجوانمردانه‌ترین اهانت‌ها را علیه نظام و رهبری در رسانه‌های خارجی، مطرح ساخت. ولی روش و منش علوی امام به او اجازه نمی‌داد که حکمی بر مهلوم‌الدم بودن وی صادر کند و حتی در مرحله پایانی هم در فکر نجات او از سقوط بود و می‌خواست که نزد ایشان برود و در ایران بماند و در حوزهٔ فرهنگی کار کند و اگر نظری داشت، در بارهٔ بطور منطقی بیان سازد... و می‌دانیم که امام همین نظریه را در مورد یکی از آقایان قم هم بطور مکتوب ابراز نمود و خواستار آن شد که ایشان بدون دخالت در امور، به کار تدریس و نظر به‌پردازی علمی بپردازد و حوزه را گرمی دهد که همگان از چگونگی آن آگاه هستند.

خاطره دوم: نمونهٔ دیگری در همین زمینه هست که نقل آن بی‌مناسبت نخواهد بود... در سفری به الجزایر، برای شرکت در کنفرانس اندیشه اسلامی، همراه ایشان تفسخیری دبیر کل مجمع تقریب مذاهب اسلامی و ججت‌الاسلام جناب آقای عبدالحسن معزی که اکنون رئیس مرکز اسلامی لندن است، به الجزائر رفتم جلسات کنفرانس اندیشه اسلامی طبق معمول با حضور شخصیت‌های برجسته جهان اسلام و عرب و شرکت بیش از هزار نفر از دانشجویان دختر و پسر، به مدت هفت روز برقرار بود... هم به ایشان تفسخیری و هم بنده در آن سال سخنرانی داشتم، روزی پس از سخنرانی اینجانب که با توجه به شرایط روز، حال و هوای انقلابی داشت و مورد استقبال جوانان و حضار قرار گرفت، در موقع خروج از سالن کنفرانس و در میان ازدحام جمعیت اسابند و دانشجویان، یک جوان از من خواست در گو‌شهای به سخن او گوش فرادهم... به گوشه‌ای رفتم و او به عنوان یک امر محرمانه و امانت شرعی، مطلبی را با من در میان گذاشت و خواستار پاسخ «شرعی» آن شد. او «ابوالعلا» نام‌داشت از اعضاء رهبری یکی از سازمانهای جهادی جوانان مصری بود و گویا برای دیدار با یکی از جوانان الجزائر، به آن کشور آمده بود. او گفت: همسر شما فرح دبیله که در قاهره اقامت دارد و به‌همان انورسادات است. همراه جبه‌هایش هر شب جمعه به «مسجدالرقاعی» می‌آید که تازه شده و در آنجا قدم شده است و مأمورین پلیس و امنیتی در مقابل درب ورودی مسجد، مراقب بوده و مسئول حفاظت هستند و امکان اینکه ما وارد مسجد بشویم و یا او را در موقع خروج «تور» کنیم، وجود ندارد، ولی فقط به راحتی می‌توانیم سوار بر موتور، به هنگام عبور از جلو مسجد که درب آن همیشه باز است کنار نیچکی بسوی او بر پات کنیم که در این عملیات علاوه بر خود، ای بچه‌ها هم کشته خواهند شد!.. البته من آشنایی قبلی با ابوالعلا بعنوان یک جوان مصری اسلام‌گرا داشتم و طرح او را جدی تلقی کردم ولی از علت اصلی دعایت جابجاعت اسلامی را گزارش نکرد، بلکه به «مجوز شرعی» او قبول و «حکم» یا «فتوا» می‌خواست... اما من آن‌را برادر گفتم که بنده اmentی نیستم و در مسائلی از این قبیل نه دخیل می‌کنم و نه نظر می‌دهم... گفت: از کسی خلخال می‌پرسید و جواب او را به ما می‌گوید!.. اما من خلخالهای همه جان‌ها عن حاضر یک حاکم شرع داد‌گاه انقلاب شده بود!..» به برادر مصری گفتم که من این مسئله را در امثال آقای خلخال نمی‌پرسم و با کارهای او هم موافق نیستم ولی اگر سفری به ایران بروم، با شخص امام خمینی مسئله شما را به عنوان یک مسئله شرعی و فقهی، می‌پرسم و پاسخ ایشان را به شما اطلاع می‌دهم.

بقیه در صفحه ۱۴

وزیر ارشاد به جشنواره حقیقت پیام دادبه گزارش ایسنا، بخشی از پیام دکتر سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به پنجمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت به این شرح است:

«در نشسته حقیقت خواب خلود بیندسی هم آنچه خواهد آمد... هم آنچه بود بینی ایسن دیده مجسمای در روز هم ضعیف است با چشم دل به شیشها صبح صعود بین حقیقت در همه حال با بسوت واقتیت بر ما قابل درک است؛ پس حقیقت همیشه جامه واقتیت می‌پوشد و حال آنکه واقتیت به نلدتر تن‌پوش حقیقت بر تن دارد؛

بنده یز خراباتم که لطفش دائم است! فیلم مستند به شمار، بسیار بیش از دیگر گونه‌ها در عیار، از زو زتاب حقیقت برخوردار است، اما در عین حال باید اذعان داشت که حقیقت، امری متغنه است. در این شکار گاه، آهوان رمنده، کمتر آماج تیر فرار می‌گردد: گاه باشد که تیر صیادان گیرد از تیک تیک غزالی، چانا! مگر به سهمان نخچیر گران حرفی که سهم مستندان، در این نخچیر به پشتوانه تجربه و تدبیر بیش از دگران است.

مستند از تشیده سینما و ترو کاژهای چشم‌نواز تهی است اما در عوض، سحر حلال «سینما کردن» را بلاخر هم رد لن نشیده، رادر کیسه دارد که این خود سرمایهی خلل ناپذیر است و ثروتی تزیاد بدیاز!

اینکه هر فرانه عزیزمان فرود: سینما یکیشتر گفت‌وواست- در مستند به مفتاح المصالح باید تعبیر شود، مداونت سینمایی، می‌خورد را بیش از پیش بر این امر معطوف نماید.

در محاسبه هزینه بنایفاده، تردید نداشته‌باشید که اختلافی فاحش با سایر سرمایه‌گذاری‌ها خواهد داشت و بدری خواهد کاشت که در برداشت، هر انباری را سرشار خواهد کرد.

آگاهم که مرکز گسترش سینمایی مستند و تجربی، صیغه‌ای چشم‌نواز بر بوم سینماحقیقت، رقم زده است که الحق بسیار بیشتر از گذشته، این تابلو به چشم می‌آید».

بنابر این گزارش، دومین روز از جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت، ۸۹ فیلم مستند ایرانی و خارجی در سینما فلسطین و سینما سپیده به نمایش عمومی درخواهد آمد.

برنامه کامل روز دوم پنجمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» به این شرح است: سینما فلسطین یک: زغال سوزان (پیوتر زرتورویچ)، که سرمایه‌زندگانیست (محمدجعفر باقری‌نیا)، همای ادب (پیژن شکرریز)، ایواری وی (ایلا یاران) (مریم طالبی انارکی - عفت آبپارکی)، پارس‌ساید (حمید کلبجی‌ا)، از قناع دید (کیوان محمدی)، جبه سپاه (محمد رضا اسلمو)، بهزاد بدون مجوز (محمدصادق اساعلی،) از شوش تا لاورور پاریس (پژمان مظاهری‌پور)، تهران شمال غربی (مصطفی شیری)، بلندگوها برای چه کسی به صدا در می‌آیند؟ (حمید عسگری)، ... پس از ماجرای عزل بنی صدر و قرار وی به خارج، جناب اندیشه بزرگ‌قرن(آرور در ایران «ابرمدی آزادی‌بخش‌ناید و هرروز در گفتگوهای خود با رسانه‌های غربی، نظام اسلامی ایران را تحت عنوان «حکومت ملا تاربا» مورد اتهام و مجسمه قرار می‌داد... در آن ایام، اعلام همبستگی با فرقه نفاق و باصطلاح شورای ملی مقاومت امر را بیعی شده بود و هر کسی که می‌خواست در غرب بماند، به بهانه‌ای به آن ملحق می‌شد. در این میان، یکی از برادران دانشجو که در شهر بجناب تحصیل می‌کرد و عضو انجمن اسلامی دانشجویان در اتلیا بود، نزد من آمد و اطلاع داد که می‌خواهد به پاریس برود و به «مقاومت» ملحق شود و پس از اطلاع اعتماد سران آن بنی صدر را «نوروز» کند!.. البته او از ضمن آن من به عنوان یک روحانی، «مجوز شرعی» می‌خواست! و بدنبال موقعی‌رمز مرکز نه‌یاد دیگری نبود... اما من به او گفته که بنده نه قاضی شرع هستم و نه حاکم داد‌گاه انقلاب و نه اهل حکم و نفوی در این قبیل امور، و اگر فکر بود در این زمینه‌ها مسئولیتی را پذیرم، در ایران دعوت بشو! البته قدوسی برای برابری سرپرسی یکی از داد‌گاه‌های انقلاب را قبول می‌کرد اما من نپذیرفتم، چون هر کسی را دخادان برای کاری ساخته است و کار من، کار فرهنگی است و در امور دیگر، دخالتی نداشته‌ام و قصد هم ندارم که دخالت کنم...

انصار ضرر دادم که در عملی ساختن تصمیم خود باعث شد که من به او بگویم: برای شرکت کرد در سمینار سفسرای ایران در خارج، که هفته آینده در تهران منعقد خواهد شد، عازم ایران هستم و «حکم شرعی» این امر را فقط از امام «خمینی» که شما مقلد ایشان هستید، خواهم پرسید و پاسخ را برای شما خواهم اوراد!رادر دانشجو که در خلوص ازو شکی نبود و بعدا هم جز کادر رسمی وزارت امور خارجه شد، خیلی خوشحال گشت و قرار شد که منتظر پاسخ و نظری به امام خمینی باشد!..

چشمه قدس که به ایران آمد و در دیدار با امام، موضوع را بعنوان یک سوال شرعی مطرح کرد، امام فرمود:نپذیرم! چنی این کار را می‌خواهد انجام دهد؟ گفته آقای بنی صدر در خارج، مصاحبه‌های زیادی علیه‌حضر تعالی و نظام اسلامی انجام می‌دهد و مقالاتی نیز در روزنامه «انقلاب اسلامی» خود، علیه ولایت فقیه می‌نویسد...

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

همه امام عرض کردم که بنده اغلب آثار آقای بنی صدر را در گذشته‌ها خوانده‌ام. تا‌میرده در آن آثاری که من خوانده‌ام، منکر هیچ یک از ضروریات دین نشده و بلکه در مورد مثلا ضرورت حفظ حجاب، کتاب هم نوشته است!..

امام فرمود اگر اینطور است، پس شما آن فرد را از طرف من نهی کنید و اجازه ندهید که این کار را انجام دهد... برافزودند: من در روزهای آخر که در مغرور شده بود و در سراسیمه سقوط قرار داشت برای نجات او خواستم که نزد من بیاید و قصدم آن بود که در همینجا بنشیند کتاب مقاله بنویسد و اگر نظری منطقی داره، بطور معقول عرضه کند تا نظام آن را بررسی کند، ولی او نیامد و به مناتقین پناه برد و برای ادخ بود را ضایع کرد و من یقین دارم دیو با زود مناتقین هم او را تنها خواهد گذاشت...

این نمونه‌ای از روش و منش علوی امام خمینی درباره کسی بود که زشت‌ترین و ناجوانمردانه‌ترین اهانت‌ها را علیه نظام و رهبری در رسانه‌های خارجی، مطرح ساخت. ولی روش و منش علوی امام به او اجازه نمی‌داد که حکمی بر مهلوم‌الدم بودن وی صادر کند و حتی در مرحله پایانی هم در فکر نجات او از سقوط بود و می‌خواست که نزد ایشان برود و در ایران بماند و در حوزهٔ فرهنگی کار کند و اگر نظری داشت، در بارهٔ بطور منطقی بیان سازد... و می‌دانیم که امام همین نظریه را در مورد یکی از آقایان قم هم بطور مکتوب ابراز نمود و خواستار آن شد که ایشان بدون دخالت در امور، به کار تدریس و نظر به‌پردازی علمی بپردازد و حوزه را گرمی دهد که همگان از چگونگی آن آگاه هستند.

خاطره دوم: نمونهٔ دیگری در همین زمینه هست که نقل آن بی‌مناسبت نخواهد بود... در سفری به الجزائر، برای شرکت در کنفرانس اندیشه اسلامی، همراه ایشان تفسخیری دبیر کل مجمع تقریب مذاهب اسلامی و ججت‌الاسلام جناب آقای عبدالحسن معزی که اکنون رئیس مرکز اسلامی لندن است، به الجزائر رفتم جلسات کنفرانس اندیشه اسلامی طبق معمول با حضور شخصیت‌های برجسته جهان اسلام و عرب و شرکت بیش از هزار نفر از دانشجویان دختر و پسر، به مدت هفت روز برقرار بود... هم به ایشان تفسخیری و هم بنده در آن سال سخنرانی داشتم، روزی پس از سخنرانی اینجانب که با توجه به شرایط روز، حال و هوای انقلابی داشت و مورد استقبال جوانان و حضار قرار گرفت، در موقع خروج از سالن کنفرانس و در میان ازدحام جمعیت اسابند و دانشجویان، یک جوان از من خواست در گو‌شهای به سخن او گوش فرادهم... به گوشه‌ای رفتم و او به عنوان یک امر محرمانه و امانت شرعی، مطلبی را با من در میان گذاشت و خواستار پاسخ «شرعی» آن شد. او «ابوالعلا» نام‌داشت از اعضاء رهبری یکی از سازمانهای جهادی جوانان مصری بود و گویا برای دیدار با یکی از جوانان الجزائر، به آن کشور آمده بود. او گفت: همسر شما فرح دبیله که در قاهره اقامت دارد و به‌همان انورسادات است. همراه جبه‌هایش هر شب جمعه به «مسجدالرقاعی» می‌آید که تازه شده و در آنجا قدم شده است و مأمورین پلیس و امنیتی در مقابل درب ورودی مسجد، مراقب بوده و مسئول حفاظت هستند و امکان اینکه ما وارد مسجد بشویم و یا او را در موقع خروج «تور» کنیم، وجود ندارد، ولی فقط به راحتی می‌توانیم سوار بر موتور، به هنگام عبور از جلو مسجد که درب آن همیشه باز است کنار نیچکی بسوی او بر پات کنیم که در این عملیات علاوه بر خود، ای بچه‌ها هم کشته خواهند شد!.. البته من آشنایی قبلی با ابوالعلا بعنوان یک جوان مصری اسلام‌گرا داشتم و طرح او را جدی تلقی کردم ولی از علت اصلی دعایت جابجاعت اسلامی را گزارش نکرد، بلکه به «مجوز شرعی» او قبول و «حکم» یا «فتوا» می‌خواست... اما من آن‌را برادر گفتم که بنده اmentی نیستم و در مسائلی از این قبیل نه دخیل می‌کنم و نه نظر می‌دهم... گفت: از کسی خلخال می‌پرسید و جواب او را به ما می‌گوید!.. اما من خلخالهای همه جان‌ها عن حاضر یک حاکم شرع داد‌گاه انقلاب شده بود!..» به برادر مصری گفتم که من این مسئله را در امثال آقای خلخال نمی‌پرسم و با کارهای او هم موافق نیستم ولی اگر سفری به ایران بروم، با شخص امام خمینی مسئله شما را به عنوان یک مسئله شرعی و فقهی، می‌پرسم و پاسخ ایشان را به شما اطلاع می‌دهم.

چشمه قدس که به ایران آمد و در دیدار با امام، موضوع را بعنوان یک سوال شرعی مطرح کرد، امام فرمود:نپذیرم! چنی این کار را می‌خواهد انجام دهد؟ گفته آقای بنی صدر در خارج، مصاحبه‌های زیادی علیه‌حضر تعالی و نظام اسلامی انجام می‌دهد و مقالاتی نیز در روزنامه «انقلاب اسلامی» خود، علیه ولایت فقیه می‌نویسد...

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

همه امام عرض کردم که بنده اغلب آثار آقای بنی صدر را در گذشته‌ها خوانده‌ام. تا‌میرده در آن آثاری که من خوانده‌ام، منکر هیچ یک از ضروریات دین نشده و بلکه در مورد مثلا ضرورت حفظ حجاب، کتاب هم نوشته است!..

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

همه امام عرض کردم که بنده اغلب آثار آقای بنی صدر را در گذشته‌ها خوانده‌ام. تا‌میرده در آن آثاری که من خوانده‌ام، منکر هیچ یک از ضروریات دین نشده و بلکه در مورد مثلا ضرورت حفظ حجاب، کتاب هم نوشته است!..

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته من وقت نداشته‌م همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم، اگر جنابهای مطالعه کرده‌اید، با مطالعه در آنها داره که منکر ضروریات دین، مثلا حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع دسار که یک حکم الهی است‌ شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع دس سارق نباشد، این یعنی انکاری یکی از احکام قرآنی... یا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظراتی ابراز کرده است؟

امام فرمود: «نکدر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن من در مقالات خود که جنابهایم برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و با کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح، طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رسانند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی اگر افزودند: البته

در ایران آن است. «فرهنگ» مفهوم پرکاربردیی است که تقریباً تمامی افراد در گفتگو‌ها و تحلیل‌های روزانه خود به کار می‌برند و از دیدگاه‌های مختلف معنا می‌کنند. «فرهنگ عمومی» نیز اصطلاح نام آشنایی است، اما به راستی منظور از آن چیست؟ چرا به هر که بگویند آن را معنا کنند، اندکی مکث می‌کنند و برای به زبان آوردن منظور خود کمی در می‌مانند؟ حتی تحصیلکردگان آکادمیک نیز از این کنه نتوانند آن را دقیق‌تر توضیح دهند. بیمنتانند، چنانکه وقتی از ۵۰ تن از دانشجویان مهندسی یکی از دانشگاه‌ها خواست‌فی الیاده‌ها کاغذی بردارند و بر آنها طرح «فرهنگ» و «فرهنگ عمومی» را معنا کنند، همگی اعتراض کردند که در کلاس خود در این باره چیزی نتوانده‌اند و چنین بحثی در جزوه‌هایشان نیست؛ یا راستی همین عکس العمل از مصداقِ سنسجش آگاهی عمومی و فرهنگ عمومی نیست؟

آبیایرانیان که خود را از پیشروان تمدن در دنیامی دانند، در زندگی

مردوزبان‌نشانی از میراث کهن دیروز

دارند و رفتارها و ارزش‌های فرهنگی خود را پاسداری یا متعالی کرده‌اند؟ یا

در این همه‌ی بی‌امان جهانی‌ شدن و

بارش بی‌وقفه تبلیغات و اطلاعات، از

چیزهایی غفلت کرده‌اند که در ده‌های

فرهنگی و ناهنجاری‌های گوناگون

اجتماعی را بر دووشش‌نامه‌هاست؟

آیا از نگاه یک داورِ مصلح و بی‌غرض،

جامعه امروز ایران به لحاظ فرهنگ

عمومی، جامعه‌ای در هیخته و اصل

است یا از آن همه طعم‌طراق تاریخی

و ادعای فرهنگ، تنها در اساطیر و

داستان‌ها، باقی‌مانده‌ای با شکوه و پر

افتخار می‌یابد؟

روز «فرهنگ عمومی»

بهانه‌ایست تا از نشانگان فرهنگ عامه

در جامعه امروز و عملکرد شورای

فرهنگ عمومی، نمونه‌هایی را با توجه

به آرای کارشناسان بررسی کنیم.

تاریخچه

بر اساس فرمان حضرت امام خمینی(ره) در سال ۱۳۳۲، شورای عالی انقلاب فرهنگی شکل گرفت که وظیفه ساماندهی به وضعیت دانشگاه‌ها رایسه عهده داشت. پس از آن، موضوع رسیدگی به وضعیت فرهنگی جامعه در آن شورا مطرح شد و بر اساس نظر حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای ریاست‌وقت‌شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبنی بر توجه به فرهنگ عمومی مردم، تشکیل «شورای فرهنگ عمومی» پیشنهاد شد و سرانجام در سال ۱۳۳۴، به منظور تعیین اهداف، سیاست‌گذاری و هدایت فرهنگ عمومی کشور، شورای فرهنگ عمومی با وظایف مشخص شکل گرفت و به صورت رسمی از سال ۱۳۳۵ آغاز به کار کرد. شورای فرهنگ عمومی به ریاست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در

مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت دارد.

فعالیت‌های این شورا از سال ۱۳۳۴ تا اسفند ۱۳۸۸ به استناد دوره خدمت وزرای فرهنگ و ارشاد اسلامی به هفت دوره مشخص تقسیم می‌شود که انتخاب (۱۴۰۵ «آبان» به عنوان روز «فرهنگ عمومی» در ایران، از مصوبات دوره ششم آن است.

کار ده‌های شورای فرهنگ عمومی

جلال ربیع، نویسنده و روزنامه

نگار معاصر که از ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۰ در

دوره اول شورای فرهنگ عمومی و

همه زمان با ریاست حجه‌الاسلام سید

محمد خاتمی، دبیر شورای فرهنگ

عمومی بوده است از برخی اهداف

و به زبان با ریاست حجه‌الاسلام سید

شورای عالی انقلاب فرهنگی در ابتدا

تمامی انرژی خود را صرف مسائل

حاشیه‌ای دانشگاه مانند مثل اختلاف

استاد و دانشجو و روابط دانشگاه با

جهد دانشگاهی کرده و نوانست به

مسائل فرهنگ عمومی بپردازد. لذا

تصویب اساسنامه‌ای در شورای عالی

انقلاب فرهنگی، شورای فرهنگ

عمومی تشکیل شد. هر چند وصف

عمومی در خود کلمه «فرهنگ»

هست اما منظور از فرهنگ عمومی،

مسائلی بود اعم از دانشگاه‌ها و مربوط

به جامعه‌ای این شورا با شورای عالی

و انقلاب فرهنگ فقر می‌کرد و حتی

به لحاظ مکانی نیز در جایی دیگر و

در خود وزارت ارشاد و ر اتاق وزیر

فرهنگ این جنبه می‌آید، به آن جاکه

فقط یک کمیسیون بود، مصوباتش به

تهای و بدون تصویب نهایی شورای

عالی انقلاب فرهنگی، ضمانت ابلاغ

و اجرا نداشت و بیشتر محفل بحث

و گفتگو علمی – اجتماعی بود. از

جمله طرح‌هایی که شورای فرهنگ

عمومی وقت در قالب ده‌ها جلسه

بحث و گفت‌وگو به سامان رساند،

تدوین اصول سیاست فرهنگی کشور

بود که در زمان امام خمینی(ره) مورد

بحث واقع شد و در دوره پس از ایشان

با تغییراتی به تصویب شورای عالی

انقلاب فرهنگی رسید، ولی متأسفانه

تحت تأثیر مجموعه حوادث کشور

هرگز به طور رسمی مورد توجه و

اجرای هیچ دستگاهی قرار نگرفت؛ یا

به جای آن سیاست‌های دیگری به

کار گرفته شد. طرح درباره رسیدگی

به مشکلات و نیازهای نسل جوان

کشور در شورای فرهنگ عمومی

مورد بحث قرار گرفت که تحت عنوان

«شورای عالی جوانان» تصویب شد،

ولی در شورای عالی انقلاب فرهنگی

با تغییراتی به نام «سازمان ملی جوانان»

مورد تصویب قرار گرفت. همچنین

طرحی در مورد نظم‌بخشیدن و سامان

دادن به شیوه‌های تبلیغات شهری

(تبلیغات در دیوارها، پلاکاردها،

بنرها، پلپلوردها، اتوبوس‌ها و…) در

شورای فرهنگ عمومی با مسئولیت‌ها

گزارش‌های مستقیم و عکس‌ای از

گرفته شده از اطراف شهر تهران

تصویب شد، اما به تصویب شورای

عالی انقلاب فرهنگی نرسید. در

شورای فرهنگ عمومی درباره

چگونگی تشویق و قراردادن امکانات

لازم در اختیار محققان، نویسندگان،

هنرمندان و صاحبان استعدادهای

در خشان گفت‌وگو شد ولی در

شورای عالی انقلاب فرهنگی به

تصویب نرسید.

البته این سخنان مربوط به دوره

شگفتی (سختی)، نگهبان و اندر آستانه (مصیبت)، دستگیر و اندر تنگی، پشه است.» (به نقل از دکتر محمود روح‌الامینی در کتاب مبانی انسان‌شناسی) در شاهنامه فردوسی در خشان گفت‌وگو شد ولی در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب نرسید.

البته این سخنان مربوط به دوره

- » بر اساس نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ریاست وقت شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبنی بر توجه به فرهنگ عمومی مردم، تشکیل «شورای فرهنگ عمومی» در سال ۱۳۶۳، پیشنهاد شد**

- «فرهنگ» همان عرف یا رفتار مرسوم در جامعه است که بر تمامی کنش‌های افراد خواه ناخواه اثر می‌گذارد**

- «فرهنگ سازی یا فرهنگ زدایی یک شبه اتفاق نمی‌افتد و تولد یا مرگ مؤلفه‌های فرهنگی، فرایندی زمان بر و آرام است**

- «فرهنگ عمومی» حوز‌های از نظام فرهنگی جامعه است که پشتوانه آن اجبار قانونی نیست و دوام آن در گرو پذیرش اجتماعی و حمایت افراد جامعه و تشکل‌ها و سازمان‌های غیر دولتی (غیر رسمی) است**

- میر سلیم: ظاهر آحاکم‌ترین قانون و مصوبه، همین فرهنگ عمومی است که یک قانون نانوشته و یک تصو بینامه مطرح در متن جامعه می‌باشد**

- «در قانون اساسی ایران، قاعده اصلی همان آزادی مطبوعات و کتاب‌هاست و موارد ممنوعه باید اندک و جنبه استثنایی داشته باشد و قانون چنان نوشته نشود که معنای عکس بدهد**

فرهنگ آ‌بارتمان‌نشینی، فرهنگ راندگی و… می‌توان فهمید که عامه مرم‌د یک برداشت اخلاقی و غیر مادی از مقوله فرهنگ دارند. اما باید توجه داشت که «فرهنگ» اعم این اموراست و تمامی این مفاهیم در مفهوم جامعه‌شناسانه «فرهنگ»، جزئی از آن حساب می‌شود.

«آی. بی. تالبور» در کتاب

- » بر اساس نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ریاست وقت شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبنی بر توجه به فرهنگ عمومی مردم، تشکیل «شورای فرهنگ عمومی» در سال ۱۳۶۳، پیشنهاد شد**

- «فرهنگ» همان عرف یا رفتار مرسوم در جامعه است که بر تمامی کنش‌های افراد خواه ناخواه زمان بر و آرام است**

- «فرهنگ عمومی» حوز‌های از نظام فرهنگی جامعه است که پشتوانه آن اجبار قانونی نیست و دوام آن در گرو پذیرش اجتماعی و حمایت افراد جامعه و تشکل‌ها و سازمان‌های غیر دولتی (غیر رسمی) است**

- میر سلیم: ظاهر آحاکم‌ترین قانون و مصوبه، همین فرهنگ عمومی است که یک قانون نانوشته و یک تصو بینامه مطرح در متن جامعه می‌باشد**

فرهنگ‌سازی یا فرهنگ زدایی یک شبه اتفاق نمی‌افتد و تولد یا مرگ مؤلفه‌های فرهنگی، فرایندی زمان بر و آرام است

فرهنگ عمومی

اول فعالیت شورای فرهنگ عمومی

است که بنده دبیر شورا و عضو شورا

بودم و ممکن است که در دوره‌های

معد، مصوباتی در این زمینه‌ها وجود

داشته باشد و شورای عالی انقلاب

فرهنگی مجدداً به این مو ضوعات

پرداخته باشد.

شاید یکی از دلایلی که در زبان

عامه به معلم، «فرهنگی» و به کارکنان

آموزش و پرورش، «فرهنگیان» گفته

می‌شود این است که فرهنگ نزد

مردم، معنای علم و دانش می‌دهد و

وزارت آموزش و پرورش نیز «وزارت

فرهنگ نامیده می‌شده است. مردم،

امور هنری و سینمایی و نویسندگی

«فرهنگ» به معنای «دانش و دانایی»

است، «به خواستاری فرهنگ کوشا

باشید. چه فرهنگ تخم دانش است

و بر آن خرد است و خرد آرایش دو

جهان است و درباره آن گفته‌اند که

فرهنگ اندر فراخی پیرایه و اندر

فرهنگ‌های ابتدایی» که در سال

۱۸۷۱ منتشر شد، برای اولین بار واژه

فرهنگ را در انگلستان مطرح کرد و

تعریفی ارائه داد که پس از او بارها

نقل شد: «فرهنگ یا تمدن به مفهوم

عام خود، مجموعه پیچیده‌ای است.

از معاصر، اعتقادات، هنر، حقوق،

اخلاق، رسوم و تمامی توانایی‌ها و

عاداتی که بشر به عنوان عضوی از

جامعه اخذ می‌کند.» به عبارت دیگر

«فرهنگ» همان عرف یا رفتار مرسوم

در جامعه است که بر تمامی کنش‌های

مردم، معنای علم و دانش می‌دهد و

وزارت آموزش و پرورش نیز «وزارت

فرهنگ نامیده می‌شده است. مردم،

امور هنری و سینمایی و نویسندگی

«فرهنگ» به معنای «دانش و دانایی»

است، «به خواستاری فرهنگ کوشا

باشید. چه فرهنگ تخم دانش است

و بر آن خرد است و خرد آرایش دو

جهان است و درباره آن گفته‌اند که

فرهنگ اندر فراخی پیرایه و اندر

فرهنگ‌های ابتدایی» که در سال

۱۸۷۱ منتشر شد، برای اولین بار واژه

فرهنگ را در انگلستان مطرح کرد و

تعریفی ارائه داد که پس از او بارها

نقل شد: «فرهنگ یا تمدن به مفهوم

عام خود، مجموعه پیچیده‌ای است.

از معاصر، اعتقادات، هنر، حقوق،

اخلاق، رسوم و تمامی توانایی‌ها و

عاداتی که بشر به عنوان عضوی از

جامعه اخذ می‌کند.» به عبارت دیگر

«فرهنگ» همان عرف یا رفتار مرسوم

در جامعه است که بر تمامی کنش‌های

مردم، معنای علم و دانش می‌دهد و

وزارت آموزش و پرورش نیز «وزارت

فرهنگ نامیده می‌شده است. مردم،

امور هنری و سینمایی و نویسندگی

«فرهنگ» به معنای «دانش و دانایی»

است، «به خواستاری فرهنگ کوشا

باشید. چه فرهنگ تخم دانش است

و بر آن خرد است و خرد آرایش دو

جهان است و درباره آن گفته‌اند که

فرهنگ اندر فراخی پیرایه و اندر

فرهنگ‌های ابتدایی» که در سال

۱۸۷۱ منتشر شد، برای اولین بار واژه

فرهنگ را در انگلستان مطرح کرد و

تعریفی ارائه داد که پس از او بارها

نقل شد: «فرهنگ یا تمدن به مفهوم

عام خود، مجموعه پیچیده‌ای است.

از معاصر، اعتقادات، هنر، حقوق،

اخلاق، رسوم و تمامی توانایی‌ها و

عاداتی که بشر به عنوان عضوی از

جامعه اخذ می‌کند.» به عبارت دیگر

«فرهنگ» همان عرف یا رفتار مرسوم

در جامعه است که بر تمامی کنش‌های

مردم، معنای علم و دانش می‌دهد و

وزارت آموزش و پرورش نیز «وزارت

فرهنگ نامیده می‌شده است. مردم،

امور هنری و سینمایی و نویسندگی

«فرهنگ» به معنای «دانش و دانایی»

است، «به خواستاری فرهنگ کوشا

باشید. چه فرهنگ تخم دانش است

و بر آن خرد است و خرد آرایش دو

جهان است و درباره آن گفته‌اند که

فرهنگ اندر فراخی پیرایه و اندر

فرهنگ‌های ابتدایی» که در سال

۱۸۷۱ منتشر شد، برای اولین بار واژه

فرهنگ را در انگلستان مطرح کرد و

تعریفی ارائه داد که پس از او بارها

نقل شد: «فرهنگ یا تمدن به مفهوم

عام خود، مجموعه پیچیده‌ای است.

از معاصر، اعتقادات، هنر، حقوق،

اخلاق، رسوم و تمامی توانایی‌ها و

عاداتی که بشر به عنوان عضوی از

جامعه اخذ می‌کند.» به عبارت دیگر

«فرهنگ» همان عرف یا رفتار مرسوم

در جامعه است که بر تمامی کنش‌های

مردم، معنای علم و دانش می‌دهد و

وزارت آموزش و پرورش نیز «وزارت

فرهنگ نامیده می‌شده است. مردم،

امور هنری و سینمایی و نویسندگی

«فرهنگ» به معنای «دانش و دانایی»

است، «به خواستاری فرهنگ کوشا

باشید. چه فرهنگ تخم دانش است

و بر آن خرد است و خرد آرایش دو

جهان است و درباره آن گفته‌اند که

فرهنگ اندر فراخی پیرایه و اندر

فرهنگ‌های ابتدایی» که در سال

۱۸۷۱ منتشر شد، برای اولین بار واژه

فرهنگ را در انگلستان مطرح کرد و

تعریفی ارائه داد که پس از او بارها

نقل شد: «فرهنگ یا تمدن به مفهوم

عام خود، مجموعه پیچیده‌ای است.

از معاصر، اعتقادات، هنر، حقوق،

اخلاق، رسوم و تمامی توانایی‌ها و

عاداتی که بشر به عنوان عضوی از

جامعه اخذ می‌کند.» به عبارت دیگر

«فرهنگ» همان عرف یا رفتار مرسوم

در جامعه است که بر تمامی کنش‌های

مردم، معنای علم و دانش می‌دهد و

وزارت آموزش و پرورش نیز «وزارت

فرهنگ نامیده می‌شده است. مردم،

امور هنری و سینمایی و نویسندگی

«فرهنگ» به معنای «دانش و دانایی»

است، «به خواستاری فرهنگ کوشا

باشید. چه فرهنگ تخم دانش است

و بر آن خرد است و خرد آرایش دو

جهان است و درباره آن گفته‌اند که

درنگی در دعای عرفه

حجت‌الاسلاموالمسلمین دکتر سیدمحمدباقر حجتی **بخش سوم**

امام حسین علیه‌السلام نمی‌خواست از این پایگاه دُرگ باید و در این جایگاه اقامت اختیار کند، بلکه هدف او گذر از این مرحله بود و اگر هم در چنین موضعی اقامت گزید، از آن رو بود که می‌خواست فرمان خدا را در مطالعه آثار گردن نهد و چون توقف در آثار و رجوع به آنها هدف نبود، بلکه دارای جنبهٔ ای و ابزاری بود، عرصهٔ می‌کند: **«کارجمعی الیک بکس الوان:»** خدایا مرا به وسیله پوششی از انوار به سوی خود باز گردان، آنگونه که نفوس مطمئنه در حالی که شادمان و مورد رضایت می‌باشند، در میان بلدگان استین توب، به تو بازی می‌گردند»

آنگاه حضرت **«کسوه انوار:»** جامه نورانی «(غیر آن) را از خدا درخواست می‌کند، و کسوه دیگری را که مستلزم حفظوظ نفسایی، قبیل زخارف متاع فانی و باقی است، از او مطالبه نمی‌نماید. سپس بر درخواست قبلی، یعنی «کسوه الانوار»، هدایه‌الاستیصار» را می‌افزاید و این خدا می‌خواهد که او را از اندیشهٔ آمیخته با بصیرت برخوردار سازد؛ زیرا کسی که خدای تعال را و را بصیرت بهره مند کند و هدایتش نماید، در دریای رضای او غوطه می‌خورد. آنگاه حضرت می‌خواهد کیفیت حال خود را به هنگام پشت سر نهادن آثار و رجوع به حق گزارش کند، لذا می‌گوید: **«حَتّی ارجع الیک منها، کما دخلْتُ الیک منها مَصُونُ السرْعن النظر لیهَا، وَمَرُفُو العَهْمَةُ عَنِ الاعتماد علیهَا؛ انک علی کل شیء قَدیر:** خدایا، مرا با بصیرت به خود باز گردان تا باز گشتم به تو از رهگذر آثار، به سان وارد شدن بر تو از طریق هدایت باشد؛ به گونه‌ای که در و دروم از نظر و الفتات به تو این آثار، مصون باشد، و همتم از اعتماد و اتکای بر این آثار فراتر رود، که تو بر هر چیزی توانا هستی»

سیدالشهدا می‌خواهد حال رجوع و بازگشت خودبه حضرت حق را به‌حال ورودش بر او تشبیه کند؛ زیرا او به هنگام ورود بر حضرت احدیت، از هر گونه علایق، مجرد و از هر نوع عواطف و موانعی، منز و پاکیزه بود است؛ لذا از خدا درخواست کرد که به هنگام رجوع از آثار به حق تعالی، سر و درونش مصون و محفوظ ماند، به طوری که دامن همتش با پایداری الفتات به حفظ و دو چنانی افتاد نگردد.

تجسد تدریس: امام حسین علیه‌السلام از خدا صیانت و تجرید از مطامع دنیوی و اخروی را درخواست کرد؛ تجریدی که از مهمترین احوال به شمار است؛ زیرا مقدمه آن، تجرد و رهایی از هر گونه علایق می‌باشد که خود از همه مقامات است. تجرد یعنی گسستن علایق و طرد موانع و عواطف، و حفظ سر و درون از راه مداومت بر خلوت و انس با حق، و استیجاش از خلق، و مداومت فکر و ملازمت ذکر. اما تجرید که مرز نهاییات در حوزه احوال می‌باشد، عبارت از متخلع شدن از شهود شواهد و آثار است که با از طریق معاینه حق صورت می‌گیرد یا از طریقی برتر که باید آن را «حضرت جمع و توحید» دانست. آن که دارای چنین حالی باشد، حائش همانند حال کسی است که فرمان **«فاخلع ثعلبک انک ابوالاد المقدس طوی»**^{۱۰} به او رسید. تجرید دارای درجات و مراحل است که اولین مرحله آن، تجرید دیدگان کشف از جامه سبغ یقین و استکساب آن می‌باشد. مرحله دوم، تجرید مقام «جمع» از درک علم است که مقام جمع از مرتبه علم منزّه می‌گردد و از آن پس، هیچ اثری از علم در این مرحله مشاهده نمی‌شود. مرحله سوم، تجرد، خلاص و رهایی از خود تجرید است که در این مرحله، نه تجریدی مشهود است و نه مجردی. این مرحله را باید رفیع‌ترین مراحل تجرید شمرد، و همان مرحله‌ای است که سیدالشهدا علیه‌السلام با تعبیر زیر، آن را از خدا درخواست نمود: **«... مَصُونُ السرْعن النظر لیهَا و مَرُفُو العَهْمَةُ عَنِ الاعتماد علیهَا.»**

بخش نخست این عبارت، دارای مبالغه فوثرتری از بخش دوم می‌باشد؛ چرا که گسستن نظر و الفتات درونی که به طور مطلق مطرح است، رستار از اعتماد می‌باشد؛ زیرا گاهی نظر بدون فراهم آمدن اعتماد امکان پذیر است؛ اما ممکن آن، یعنی به هر رسیدن اعتماد منهای نظر امکان ندارد، بنابراین بخش دوم این سخن اگر چه مندرج در مقام «توکل» می‌باشد، لکن هدف از آن، این است که دیگران بدان تأسی کرده و از آن رهنمود برگزینند. اینجا همه از خدا خواست که اهتمامش فراتر از اعتماد به خود باشد و فقط به خود اکتفا نکند، مگر در اواخر و روایات خاصه نظر می‌کند؛ مانند: **«وَبْ لا تکلنی الی نفسی طرْفَ عین اَبداً و لا الی اَحَد من خلقتک»** پروردگار هر کز مرا حتی به اندازه یک لحظه چشم به هم زدن به خود و احدی از خلق خود مگذار!

واقع این است که تنگی به آثار و اشکال آن و اعتماد بر موجودات منهای اعتماد به حق، موجب نقصان و زمینه‌ای برای خسران و زیان است. به همین جهت، حضرت از خدا درخواست کرد که اعتماد و الفتات و توجه هر نوع اعتماد بر آثار و تنگی و اتکال بر آنها فراتر برد و اعتماد و وی را از هر اثری گسسته سازد و صرفاً به خود بپوشد. چون خداست که می‌تواند اعتماد و اتکالها را والا سازد و انسان را بر توکل و اعتماد به خود تقویت کند.

و همت: همت یکی از احوالی است که باید آن را از لوازم عرفان برشمرد و آنگاه دارای قدر و منزلتی والا در عرفان می‌باشد، خود نیز دارای مراحل و درجاتی است. در تعریف همت می‌توان گفت که همت عبارت است از انگیزشه شدن عزم در جهت مقصود، به گونه‌ای که به ماسوی مقصود التفات شود. همت دارای مراحل و درجات متفاوتی است که فروترین درجه آن، همت مریدان طالب است. در چنین مرحله‌ای برای مرید، رغبت و علاقه‌ای به خداوندی مانع و زخارف آن باقی نمی‌ماند، بلکه توجه و التفتش منحصر به سرائی فانی و آخرت و نعمت‌های آن است. معطوف می‌گردد و همین رغبت به دار بقا، او را بر سر نشاط می‌آورد که از آن پس به خاطر کسالت، رفتن فراموش گونه حالات ناخوش نمی‌گردد یا به علت غفلت، به نسیج دچار نشود.

همت بالاتر از همت مذکور، همتی است که صاحبش نفس خود را بر هیچ چیزی، جز مقصود و معبود وابسته نسازد و حتی به نسیج آخرت نیز چشم ندوخته باشد. چنان فردی هیچ حلا چار ضعیف و نعمتی نیست اگر گردد و اصولاً ارباب اهتمام، گرفتار ملال نمی‌شوند و در اشاره به همین همت اخیر است که خداوند متعال درباره پیامبرش می‌فرماید: **«ما راع البصر و ما طعی.»** و چون ارتقاء از اعتماد بر آثار و فرارفتن از این پایگاه از طریق همت، جز به مدد الهی و توان آفرینی او امکان پذیر نمی‌باشد، حضرت به دنبال این درخواست، به خدا عرض می‌کند: **«انک علی کل شیء قَدیر: تو بر هر چیزی قُدّری است؛»** با چنین تعبیری که از روشن می‌شود تجرد الهی، شامل هر مقدوری می‌گردد؛ زیرا هر مقدور، عبارت از «شیء» است.

آنگاه عرض می‌کند: **«الهی هذا ذلّی ظاهر ظنّ یدیک، و هذا حالی لا یُخفی علیک، امّطلب الوصول الیک؟»** خدایا! این خورای و تواضع من است که آشکارا در برابر تو نمایان می‌باشد، و این حال من است که بر تو پوشیده نیست. از خود تو جویای وصول به تو هستم، و به وسیله تو بر وجو تو استدلال می‌کنم و از ناحیه تو، به خود توار می‌برم»

هدف امام این است که دُلّ و تواضع او از طریق تذلل و دعا و تبتّل و متعاضد خضوع و خاکساری خود را در پیشگاه خداوند ارائه کرد. سپس عرض می‌کند: **«و هذا حالی:»** بنابراین ظاهر حال من است که بر تو مخفی نیست» آنگاه از «و وصول به وی را درخواست می‌کند و می‌گوید: **«امّطلب الوصول الیک.»** این درخواست نشان می‌دهد که امر از مقام وصول به وصول به حق تعالی، جز به مدد توفیق و هدایت و ارشاد خدا امکان پذیر نباشد؛ زیرا صرف کوشش و استکساب نمی‌تواند در سوی این هدف، کارساز باشد و برای کوییدن این در، تنها دامن همت به سر کردن رست نیست؛ چون مسافت میان انسان تا سر منزل وصول، بسیار دور و دراز است، و آفات و پیغامهای مخل فراوان و موانعی سپی ظلم، سر راه وجود درم که در پیشگاه این راه با تمام آفات و موانعش جز به یاری عنایت ایزد می‌گردد نیست.

اما اینکه عرض کرد: **«ای خداوند علّیک،»** اشاره به این نکته و حقیقت است که دلیلی بیرون از وجود حق وجود ندارد که بتوان از رهگذر این به حق تعالی راه برد. دلیل وجود حق، از دیدگاه اهل عرفان، خود حق تعالی است؛ چنان که برای اثبات روشیایی و برقر آفتاب در روشن‌ترین لحظات روز به خود آفتاب استدلال می‌شو: «آفتاب آمد دلیل آفتاب»، **مَنْ دَلّ علی ذاته بآیه،»** چون حق تعالی نیز همچون خود علّیک، با مظاهر و پیداست و هیچ شهودی غیر از او نمی‌تواند وجود او را اثبات کند. ادامه دارد

اشاره: هم‌سخنی با استاد کاتوزیان، همچون کلاس درسی شیرین و بی‌مانند است که هیچ‌گاه از خاطر نخواهد رفت. باقر متین و استوار، ادب و فروتنی، دانش و وسع، اعتدال در گفتار و کردار، تقید به نظم و پاکیزگی، رعایت احوال مخاطب، طنز ظریف و عالمانه در کلام، و سربانجام وقار و اطمینانی که بر مجلس‌الشاا حاضر دارد، در زمینه‌های خرسندی و آموزشی عمیق را برای هر مخاطبی هم‌ای سازد. جامعه‌علمی و فرهنگی ایران به وجود حقوق‌دان دانشوری چون ایشان به خود می‌بالد. در اینجا یزایی نیست به زندگی و مقام علمی ایشان، خاصه در علم حقوق، اشاره کنم. این مسائل بر همهٔ علاقه‌مندان آشکار است؛ اما اگر کسی می‌خواهد بیشتر بداند، می‌تواند به کتاب خطرات استاد کاتوزیان به نام «از کجا آمدم امدنم بهر چه بود» رجوع کند که به‌قلمی دلنشین تحریر شده و بسیار خواندنی و آموزنده است. در این گفتگو که پیشتر در ماهنامه **«اطلاعات حکمت و معرفت»** به چاپ رسیده، استاد برخی مسائل کلی و عمومی مرتبط با فلسفه حقوق، محتاط و متخلف در این رشته، مسألهٔ عدالت، رابطه میان حقوق و اخلاق و نکاتی دربارهٔ شباهت و تفاوت میان فلسفهٔ احکام در فقه و فلسفهٔ حقوق را مطرح کرده‌اند و سپس متن گفتگو را نیز مورد بازبینی و ویرایش دقیق قرار داده‌اند. از دکتر کارمان قره‌گلی نیز که هم‌ال فلسفه و هم آشنای مسائل علم حقوق‌الد و در این گفتگو همراهی و همکاری داشته‌اند، سپاسگزارم.

♦♦♦
♦ ذهن حقوق‌دان را خیالپردازی و آرمانهای درونی قانع نمی‌سازد. او می‌خواهد درباره حقوقی که وجود خارجی دارد، به بحث فلسفی بپردازد و پایه‌های کاوش خود را در زمینه راه حل برای مسائل زندگی استوار سازد. فلسفه حقوق مکمل کار حقوق‌دان و راهنمای او در اجرای قانون و استدلال براساس قواعد است ♦♦♦

استاد کاتوزیان، ابتدا می‌خواهیم از شما که به قول بسیاری از برجستگان علم حقوق و فرهنگ، مرجع علی‌الاطلاع در مسائل علم حقوق هستید، دربارهٔ چیستی و تعریف فلسفه حقوق بپرسیم.

از شما متشکرم. ولی آن قید «علی‌الاطلاق» کار مرا دشوار می‌کنند. من با این نوع چیستانها موافق نیستم. لطفاً مرا معاف کنید.

متشخصر هستید که ما فلسفه‌ها مضاف داریم: فلسفه: علم، فلسفه تاریخ، فلسفه جامعه‌شناسی و فلسفه فلسفه منطق و فلسفه فلسفه، فلسفه حقوق هم یکی از این فلسفه‌هاست. برای ما که مخاطبان عام شما در این بحث هستیم، ماهیت و حدود این حیطة از دانش را چگونه بیان می‌فرمایید.

هر بار که انسان به مسئله‌ای فکر می‌کند، به جستجو می‌پردازد و دربارهٔ ماهیت آن می‌اندیشد. یا می‌خواهد منبع و ریشهٔ آن را پیدا کند، در واقع به فلسفه روی آورده است. این قاعده در مورد حقوق هم صادق است. گاه شما حقوق را سطحی می‌خوانید و فقط به عنوان اطاعت از امر قانونگذار می‌بینی می‌پردازید. گاهی هم به عنوان موجود متفکر در مقام تفسیر این قواعد در جستجوی آرمان‌های خود هستید. تفاوت حقوق‌دانانی که از فلسفهٔ حقوق صحبت می‌کنند با کسانی که از فلسفهٔ حقوق سخن نمی‌گویند و از مباحث آن بی‌اطلاع هستند، این است که آنها می‌دانند که چه کاری انجام می‌دهند؛ اما گروه ناکامانند دانند.

واقعیت این است که هیچ انسانی که از اندیشه و عقل برخوردار است، نمی‌تواند فلسفه ندانسته باشد یا به نحوی در مسائل فلسفی درنگ و تأمل نکند. انسان وقتی به حقوق می‌اندیشد، در واقع به یک امر فلسفی پرداخته است. وقتی کسی سبب پدیده‌ای را جست‌وجو می‌کند یا به پاسخ چراها می‌پردازد، در یک نوع فلسفه‌ورزی دست زده است. منتها این فلسفه، یعنی فلسفهٔ حقوق، از زمان مگل بود که مشهور شد. پیش از هگل، فلاسفه‌ای نظیر کانت هم این اصطلاح را به کار برده بودند. ولی این آثار او را هگل معروف و تفارکید. در فلسفهٔ حقوق یا jurisprudence در حال حاضر به عنوان یک بحث بنیادی و جدّی مطرح است و در تمام دانشکده‌های حقوق هم خوش‌شانس به آن تراز می‌شود.

فلسفه حقوق، قاعدتاً باید بشو legal philosophy...! legal philosophy را معنای فلسفه حقوق به کار می‌برند؛ اما ریشهٔ اصطلاحی که من به کار بردم، به زبان لاتین برمی‌گردد؛ jurisprudent که به معنای معرفت حقوقی است و به معنای مورد نظر ما همان فلسفه حقوق است. در اصل این اصطلاح را به‌طور گسترده به معنی هر نوع مطالعه و پژوهش نظری حقوق یا بحثی هر نوع مطالعه موضوعات حقوقی به صورت عام به کار می‌برند. برحی هم حقوق‌دانان و نظری به حقوقی را از هم جدا می‌کنند، اما در مجموع این‌ها هم در بحث‌های فلسفهٔ حقوق مطرح می‌شود.

البته دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد. دیدگاه فلسفه حقوقی تحلیلی، تاریخی و جامعه‌شناسانه، که هر یک مبانی و نظرگاه خاص خود را دارد. اما در نگاه فلسفی به حقوق، این نتیجه می‌رسیم که حقوق بدون آراء مردم نیست. یک آرمان غایی در حقوق وجود دارد که حالا اگر بخواهیم خیلی خاصه‌اش بکنیم، به آن می‌گوییم: «عدالت». این دیدگاه بیشتر حقوق طبیعی دارد؛ دیدگاهی که در بازماده کنونی از بلند پروازی‌ها می‌کتب است.

شما در کتاب سه جلدی «فلسفه حقوق» که در حال به فلسفه حقوق پرداخته‌اید؟

فلسفه حقوقی که من تألیف کرده‌ام، در واقع همهٔ اینها را به هم جمع کرده. حتی فقط به فلسفه هم اکتفا نکرده‌ام، به جامعه‌شناسی هم پرداخته‌ام و بررسی تاریخی و توجه به سیر وقایع و مسائل و هم از نظر دور نداشته‌ام. شاید در این کتاب مطالعه شده و مورد بحث درم باشد، اما وسط و تعدادی، پس اینهاست... بنابراین من هم به این موضوع توجه کرده‌ام، به هم به هم تاریخ حقوقی. در آخرین کتابی که به عنوان «شیوه تجربی تحقیق در حقوق» نوشتم، به‌طور خلاصه گفته‌ام که هم در پی نظم هستم و هم در پی عدالت. در پی نظم هستم از این جهت که هدفهای حق تعالی را فراموش نشود و استیجاب قوانین این بین نورد. قاضی آزاد باشد که هر طور خواست، رای بدهد، تابع قوانین باشد و هر چیز به جای شایسته قرار قرار گیرد، و در پی عدل هستم برای اینکه قاضی فقط ماشین اطاعت نباشد. از خودش هم مایه بگذارد و برای رسیدن به عدالت تلاش کند. در این کتاب مثالی زدم؛ چرا قاضی را در جستجوی عدالت با ابزارهای قانونی است؟ باید تلاش داشتند علوم حقوقی با پزشکی که برای رسیدن به یک هدف مجانی، مثلاً مردم را کزن یک بیماری، یا استفاده از یک قدرتی و ابزارهای نامردمانی کنند؛ شش می‌گردد، هیچ کدام نمی‌توانند به اصل موضوع‌ها و قوانین علمی تجاوز کنند؛ آنها باید نازدید بگردند. برای این مثال، یک پزشک‌دان تبار قوهٔ جانیه را انکار کند، مفسر و مجری قانون هم نمی‌تواند وجود قوانین و داده‌های حقوقی را انکار کند؛ هر دو بایدند یا منع از جستجوی هدفهای آنان نمی‌گردد.

در حقوق، قیاس‌هایی را که درباره کیفیت و چگونگی اجرای قانون تشکیل می‌دهیم، می‌توانیم به گونه‌ای مرتب کنیم که به این شکل‌دهیم که به آن آرمان مطلوب برسیم یا حداقل به آن نزدیک شویم. این ترکیب‌بندی ارمن عملاً در مقاله‌های پیوسته که نشان داده‌ام، جوهری‌ای اعمال قانون، می‌باید قانون را تکراری قیاس قرار داد؛ و در صغری‌ای قیاس که امروزه است که در دست بررسی قرار دارد. ما با اینها به نتیجه می‌رسیم و نتیجهٔ همان حکمی است که از سوی قاضی مطرح و صادر می‌شود. این قیاس‌ها ممکن است معنادار باشند یا نه؛ این‌ها طوری تربیت داد که به آن آرمانی که مدنظر ماست، یعنی عدالت برسیم. این کار، البته خیلی ظریف و دشوار است و ممکن است هیچ‌گاه به نتیجهٔ درستی نرسد؛ مثلاً دفعهٔ دومی به عدالت، ما با زاری می‌توانیم از امکان تفسیر و تبار قوانین و ابهامات و حتی تقاضای اجامی که در برخی قوانین وجود دارد، به نفع عدالت استفاده کنیم. این تلاش علمی را که آمیخته‌ای از آرمان حقوقی و فنون تفسیر است، می‌توان فلسفهٔ حقوق دانست. در یک بیان کلی، یا به بیان شام عابد باید بگویم که فلسفه حقوق مطالعه‌ای کنیم و می‌خواهیم ببینیم که چرا باید از قوانین اطاعت کنیم؟ هدف قاضی حقوقی چیست؟ آیا مسامدت

عید الفصح

نظریه‌های فلسفه‌ها

انسان است یا خوشبختی و سعادت جامعه؟ منابع حقوق کدام است؟ یعنی حقوق از چه سرچشمه‌هایی به وجود می‌آید یا از کدام نیازها متولد می‌شود؟ آیا تنها قانون است یا رویه قضایی، یا پیروی از عقاید و اندیشه‌های حقوقی، یا عرف و عادت هم در آن دخیل است؟ در هر مرحله بعد، منطق حقوق هم مطرح می‌شود. اینکه چه شیوه‌ای در پیش بگیریم که استدلال‌مان درست باشد و به نتیجه مطلوب و صحیحی برسیم. یعنی به کم‌ال مطلوب‌یمان نزدیک شویم و هم قانون را فراموش نکنیم.

این مسائل آیا قابل انطباق بر حقوق اسلامی یا فقه هم هست؟ یعنی انجام هم شمول دارد و می‌توان مثلاً برخی مباحث اصول فقه را در عداد این نوع مباحث در فلسفه حقوق یا مشابه آن قلمداد کرد؟

فقه هم یک نوع نظام حقوقی است و خود به خود این نوع مسائل در آن مطرح شده و می‌شود؛ اما به گونه‌ای محدودتر و همراه با احتیاط بیشتر و به‌طور پراکنده. طرح‌ها و تعاریفی و برنامه‌ای که برای فلسفه حقوق در نظر گرفتیم و کتابی که تدوین و تألیف کردم، آن گونه است که توصیف شد ولی چندی پیش پیشنهاد کردم (به جمعی از برنامه‌ریزان حوزه علمیه که قرار داده‌اند از دکتر کارمان قره‌گلی نیز که هم‌ال فلسفه و هم آشنای مسائل علم حقوق‌الد و در این گفتگو همراهی و همکاری داشته‌اند، سپاسگزارم.

آرمان‌های علم حقوق

		
مسائل فلسفه حقوق در گفتگو با دکتر ناصر کاتوزیان		سیدمسعود رضوی
		



دار کم می‌شود. علت این مسئله هم به همین تفاوت حقوق با برمی‌گردد. ما فقط باید یک تلاش فکری انجام بدهیم، اما آنها باید مسائل جزئی‌تر و ریزتری برخورداند و باید دو تلاش انجام بدهند.

آیا تصور نمی‌کنید که از بساطت و سادگی مسائل گذشته ساده شده و حالا ما با مسائل بسیار پیچیده‌ای روبرویم که باید متخصصان ویژه‌ای به صورت حرفه‌ای به آنها بپردازند؟

♦♦♦
♦ عدالت جوهر حقوق است و به قوانین شرافت می‌بخشد؛ اما می‌باید فرهنگ و شرایط مناسب برای حصول به عدالت ایجاد شود. اگر عدالت را از قانون بگیریم، پوسته خشکی باقی خواهد ماند که ارزش ندارد ♦♦♦

از یک جهت حرف شما درست است؛ اما این دو جریان یا دیدگاه دارند به هم نزدیک می‌شوند. ما اکنون در امریکا مقدار قوانینی که دادگاه‌ها دارند به آن استناد می‌کنند، شاید از قوانین کشور ما بیشتر باشد. برعکس، قضات این طرف هم حقوق‌شان را پشت سر می‌گذارند و کم‌کم دارند به مسائل و نیازهای جامعه و رو اینها را مؤثر می‌دانند. در کتابی که از «مسئله‌های حقوقی در فرانسه چاپ شده بود، خوداندم که رئیس دیوان عالی فرانسه در این مسیتر گفته بود: در اعتراض می‌کنم که هشتاد درصد آرای که دیوان عالی کشور فرانسه داده، مبنی بر عدالت است»

این درست نیست و این حال رئیس دیوان عالی کشور فرانسه بود. همین مسئله در اینجا هم مطرح شده و خود من شروع کنش‌نامم بودم پیشنهاد کردم که ما هم ببینیم همین کار را بکنیم. این جریان، به‌تدریج اثر خودش را بر دانش حقوقی ما هم گذاشته و بسیاری از رساله‌های دکتر در دانشکده‌های حقوق ما در همین زمینه‌ها نوشته می‌شود؛ درباره اینکه منطق حقوق و هدف چیست و چه باید کرد و این قضایا به حقوق یعنی عدالت برسیم و ضمناً انسجام قواعد حقوق هم حفظ شود. در حال حاضر من می‌بینم که از دادگاه‌ها رسوخ پیدا کرده و حتی نوشته‌هایی که از دادگستری می‌رسد و موضوع و مواد قانونی پاینده است و مثلاً برای توضیح جاذبه براساس قوانین فیزیکی سخن می‌گوید و براساس مثال مردم به مالکیت یا باید قاعده سخت پیشتر تفاهای صورت گیرد، فقط حقوق‌ها هم باید قاعده حقوقی را بدون توجه به عوامل و آثار آن در نظر بگیرد. تحت تأثیر اصول اخلاقی یا جنبه‌های اجتماعی و فلسفی، از علم و قواعد حقوقی خلاص عدول نکند.

به‌جز این مکتب تحلیلی، فلسفه حقوق تاریخی (historical jurisprudence) هم داریم، نظریه‌ای که فقط حقوقی است که تاریخ نقش مهمی در آن ایفا می‌کند و براساس آن نظام‌های حقوقی جزایب و ویژگی‌های خاص کشورها و تحت تأثیر تاریخ و حتی جغرافیا بر جامعه و فرهنگ آنها، تأثیر می‌یخ. زاده شدن حقوق از تاریخ موجب پذیرفتن دیدگاه‌های خاص می‌شود. همان‌طور که یک جاذبه‌طبیعی که محل گذر مردم است، به تدریج پاخورده می‌شود و یک جاده شوسه تبدیل می‌شود، قواعد حقوقی هم به همین ترتیب به تدریج پدید آمده‌است. در آغاز کسانی بر اثر نیازهای خود به نظامی می‌پرازدند و راه‌حلی را انتخاب می‌کنند. اما اگر زمانی به این نتیجه برسیم که علم حقوق نباید تنها به تحلیل و شناختن قواعد موجود قناعت کند و باید به کاوش در ریشه‌های آن قواعد نیز بپردازد تا به معیارهایی که در دست و نداشت از راه مردم زاده شده‌اند، در آن صورت، نمی‌توان مدعی شد که مسائل فلسفه حقوق، بیشتر در قلمرو علم حقوق قرار دارد و شاخه‌ای از علم اخلاق یا فلسفه محسوب نمی‌شود.

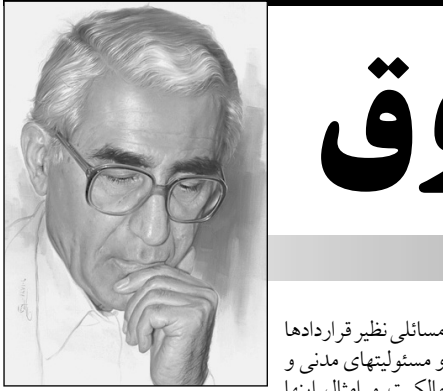
البته گروهی که آرمان عدالت و علاقه انسان به آن را ناشی از فطرت انسانها می‌دانند، معتقدند که فلسفه حقوق شاخه‌ای از فلسفه است. به عبارتی، گروهی که به حقوق تحقیقی می‌اندیشند و درباره ریشه‌های اجتماعی و نیرهای سازنده آن گفتگو می‌کنند، فلاسفه حقوق را شاخه‌ای از علم حقوق می‌دانند. من در کتاب فلسفه حقوق نوشته‌ام که: «با ملاحظه برنامه‌ای که برای فلسفه حقوق ارائه شده، به خودی این امر دریافت که این شبهه بیشتر به علم حقوق ارتباط دارد، بد به فلسفه یا فلسفه به عنوان مداکار و خدمتگزار استفاده می‌شود؛ ولی هیچ‌گاه نظام حقوقی فراموش نمی‌گردد. زیرافخن حقوق‌دان را حیالپردازی و

اینها هست به اضافه روش تحقیق؛ مثلاً یک قاضی امریکایی دستش باز از قلمرو فلسفه و متناظر راه را به جای قانون، در جایی که حکمی وجود ندارد، به کار برده و اعمال کند؛ قاضی به عنوان قرائنگذار مطرح است. در حالی که چنین چیزی در حقوق ما هم ممکن است. ما در حقوق‌مان کارهای بسیار داریم، باید تمام یافته‌های علمی مان را به قانون بکنیم و نسبت بدهیم و همین کار ما را دشوار می‌کند. از نظر منطقی هم یک تفاوت بین حقوق ما و حقوق امریکا وجود دارد و آن این

آرمان‌های درونی قانع نمی‌سازد. او می‌خواهد درباره حقوقی که وجود خارجی دارد، به بحث فلسفی بپردازد و پایه‌های کاوش خود را در زمینه راه حل برای مسائل زندگی استوار سازد. به همین جهت، اگر به‌طور قاطع نتوانیم ادعا کنیم فلسفه حقوق از شعبه‌های حقوق است، بی‌تربد می‌توان گفت که این کتاب در مرحله نخست رسالهای حقوقی است نه فلسفی.

شما از آرمان عدالت سخن می‌گویید و شاهد مثالی از رئیس دیوان عالی فرانسه آوردید که هشتاد درصد احکام دیوان عالی طی سیست و پنج سال، مبتنی بر عدالت بوده و نه قانون. اجرای عدالت، یک هدف و شمار کلی است. آیا فکر نمی‌کنید چنین گرایشی به هرج و مرج و تفاهات بینجامد و مثلاً وحدت رویه قضایی کشنده‌دار شود و با قوانین ملغیه شوند و اعتبارشان کاهش یابد؟

شما توجه داشته باشید و پیش از این هم یاد آور شدیم که ابزار اصلی حقوق‌دان، قضاوت و پیش از این پیشنهاد نظم و عدل را هم در نظر دارم. مطالعه قوانین و تمرین و ممارست در اجرای درست آن، یک ضرورت است. بدون قانون، علم حقوق معنا و امکان و جودی خود را از دست می‌دهد. حقوق‌دان همواره با



روبرو می‌شود و کار او این است که برایشان راه‌حل پیدا کند. در اینجا او یک منطق حقوقی احتیاج دارد که راهنمایی‌اش کند و به کارش جهت بدهد. جمیع کس در فایده تحلیل قواعد دست‌پنبدنی آنها و کشف اصول و پایه‌های قوانین و به‌طور خلاصه نظر به‌های کلی که از جمع و ارتباط قوانین استخراج می‌شود، تردیدی ندارد؛ زیرا دادرسان و وکلا ابراهای کار روزانه را بدین وسیله فراهم می‌سازند و آنها هیچ‌گاه نمی‌توانند و مجاز نیستند که به وسایل کار خود رو اعتنا بمانند. توجه به فلسفه حقوق را نباید مترادف کم‌توجهی یا بی‌توجهی به این مسائل قلمداد کرد. اما باید متوجه بود که امروز دیگر حقوق خود هدف نیستند، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است. هدف چیست؟ دستیابی به نظم و عدالت.

به همین دلیل اگر حقوق‌دانان به این مسائل بی‌توجه باشند، نه تنها تأثیرات منفی و اجرای عدالت نخواهند داشت، بلکه نتایج ناخوشایندتری خواهند گرفت. حقوق‌دان باید محیط ایجاد و پرورش حقوق را بشناسد و نظریه‌هایی را که از بیرون آن را اداره می‌کنند، بداند تا قادر باشد به نتایج مفید و مطلوبی برسد؛ بنابراین فلسفه حقوق نه تنها در این زمینه مشکلی ایجاد نمی‌کند، بلکه مکمل کار حقوق‌دان و راهنمای او در اجرای قانون و استدلال براساس قواعد است. من جایی یک مثال ذکر که حقوق‌دان بی‌توجه به حقوق و بی‌بهره از فلسفه حقوق، به کارگری می‌ماند که به تالاک از طرح کلی یک ساختمان، دیواری از آن را می‌سازد. در تریین و تراز کردن آن چرا مهارت دارد؛ ولی چون نمی‌داند به چه منظور کار می‌کند، با ساخته‌هایش چه سهمی در طرح اصلی دارد، نمی‌تواند نقشه را در انتظار دارد، در حقیقت بگیرد. صنعتگری ماهر است که انتظار رهبری و معماری از او نمی‌تواند داشته.

عنوان داشتی: چه با توجه به اختلاف نظر‌های زیادی که فلاسفه، حکمای اخلاق و حتی حقوق‌دان‌ها و مردم عادی درباره عدالت دارند، آیا اصلاً می‌توان یک تعریف مناسب از عدالت ارائه کرد؟

عدالت یک مفهوم اخلاقی است و برآمده از اعتقادات دینی، وضع اقتصادی و سیاسی در هر جامعه که براساس آن وضع حقوقی عدل و تقاضای حق می‌کنند. پس آرمان عدالت و مصداقهای آن ثابت نیست و بهتر است به جای مفهوم ذهنی و ابلی، از «عدالت زمانه» سخن بگوییم. تعاریف عدالتی می‌توان در کتاب فیلسوفان و نظریه پردازان علم اخلاق جستجو کرد؛ اما از نظر یکریزن می‌توان گفت که به‌فهم ما عدالت کمک می‌کند (پرابسی) است. اغلب نظریه‌ها از برابری را جوهر عدالت می‌دانند. نیاز به برابری در میان انسانها، همان نیاز به عدالت است؛ اما عدالت در عرف اخلاقی، اجتماعی، تعاریف متفاوتی می‌یابد. همه عواملی که در اخلاق هر جامعه مؤثر است، در تعریف آنها از عدالت اثر دارد. با این حال، در تشخیص عدالت، ما معیار را نباید دآوری عمومی قرار داد، بلکه می‌باید از مجموع عدالت علمی اجتماعی و شیوه‌های قضایی آنها در هر دوره، تعریف و حدودی را استخراج کرد.

♦♦♦
♦ به‌مکتب‌های مختلفی در فلسفه حقوق اشاره کردید؛ از جمله مکتب تحلیلی، تاریخی و جامعه‌شناسی. ممکن است درباره این گرایش‌ها با مکتب‌ها توضیح بیشتری بفرمایید؟
ماروکیر داده‌های مختلفی در فلسفه حقوق داریم و همان‌طور که گفتیم، من به تلفیقی از آنها در کتاب فلسفه حقوق دست زده‌ام. بعضی از حقوق‌دان‌ها با دید تحلیلی به فلسفه حقوق وارد می‌شوند که در انگلیسی به آن می‌گویند analytical jurisprudence. این دیدگاه دیدگاهی است که نسبت زاده‌افاده ادوات است و فلسفه ندارد. آن چیزی که هست، نظریات عمومی راجع به کلیات حقوق است که انسجام قوانین به‌گونه‌ها باشد، چه ارتباطی با آنها داشته باشند و از این لیدل، به همین جهت هانس کلسن (Kelsen) که مشهور اثرشبی، که یکی از طرفداران مکتب تحلیلی است، به تصفیه علم حقوق از سیاسی و جامعه‌شناسی و حتی علم اخلاق معتقد است، وقتی در مسئله فلسفه حقوق از او می‌پرسند، که از اصطلاحی حق تعالی که فلسفه مناسب است، می‌گوید: نظریه به عمومی حقوق یا نظریه کلی حقوق؛ چرا که فلسفه نیست و باید از درآمیختگی فلسفه با حقوق، مثل بقیه علوم حقوقی جلوتر کرد.

کسانی که این گونه می‌اندیشند، معتقدند که آنچه در علم حقوق موضوع بحث قرار می‌گیرد، صدور حکم و اعتبار علم حقوقی به اعتبار شرایط ایجاد چنین قواعدی است. از نظر اخلاقی و اجتماعی آن، شرط اعتبار هر حکم، تنها به اجرای اصل برتری که به صادر کننده حکم، صلاحیت صدور آن حکم و اعتبار آن دارد، باز می‌گردد. در هر حقیقت کس می‌گوید همان‌طور که فایده یک موضوع و مواد قانونی است بایدند است و مثلاً برای توضیح جاذبه براساس قوانین فیزیکی سخن می‌گوید و براساس مثال مردم به مالکیت یا باید قاعده سخت پیشتر تفاهای صورت گیرد، فقط حقوق‌ها هم باید قاعده حقوقی را بدون توجه به عوامل و آثار آن در نظر بگیرد. تحت تأثیر اصول اخلاقی یا جنبه‌های اجتماعی و فلسفی، از علم و قواعد حقوقی خلاص عدول نکند.

به‌جز این مکتب تحلیلی، فلسفه حقوق تاریخی (historical jurisprudence) هم داریم، نظریه‌ای که فقط حقوقی است که تاریخ نقش مهمی در آن ایفا می‌کند و براساس آن نظام‌های حقوقی جزایب و ویژگی‌های خاص کشورها و تحت تأثیر تاریخ و حتی جغرافیا بر جامعه و فرهنگ آنها، تأثیر می‌یخ. زاده شدن حقوق از تاریخ موجب پذیرفتن دیدگاه‌های خاص می‌شود. همان‌طور که یک جاذبه‌طبیعی که محل گذر مردم است، به تدریج پاخورده می‌شود و یک جاده شوسه تبدیل می‌شود، قواعد حقوقی هم به همین ترتیب به تدریج پدید آمده‌است. در آغاز کسانی بر اثر نیازهای خود به نظامی می‌پرازدند و راه‌حلی را انتخاب می‌کنند. اما اگر زمانی به این نتیجه برسیم که علم حقوق نباید تنها به تحلیل و شناختن قواعد موجود قناعت کند و باید به کاوش در ریشه‌های آن قواعد نیز بپردازد تا به معیارهایی که در دست و نداشت از راه مردم زاده شده‌اند، در آن صورت، نمی‌توان مدعی شد که مسائل فلسفه حقوق، بیشتر در قلمرو علم حقوق قرار دارد و شاخه‌ای از علم اخلاق یا فلسفه محسوب نمی‌شود.

به دیدگاه جامعه‌شناسی هم اشاره کردید و به نظر می‌رسد نزدیکترین دانش به حقوق، علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی باشند.

در فلسفه حقوق از آرمانها و ارزشها به طور نوعی بحث می‌شود و نوعی کاوش فکری و داوروی اخلاقی، بر تجربه و

روشای علمی غلبه دارد. درحالی که در جامعه‌شناسی حقوقی چنین نیست، اینها بر این باورند که حقوق زادهٔ تفاهای حقوقی است و از جامعه برمی‌خیزد؛ بنابراین تحقیقات این شبهه مدبر آزمایشگاهی است که نمونه‌های عینی را در اختیار دارد و مشاهده و مطالعه می‌کند. به نظر اهل حقوق یک پدیده زنده و همان چیزی است که اجرا می‌شود، نه آن چیزی که دولت می‌گوید. ارتباط حقوق را با دولت یا کهرنگ می‌کنند و یا قطع می‌کنند.

هرگاه مردم بر قاعده‌ای توافق کنند و آن را لازمه همبستگی اجتماعی بپایند و براساس ضرورت، عرف با قاعده‌ای به وجود آید و مردم بپذیرند و آن در میان خود اجرا کنند، همین مبای علم حقوق و خود علم حقوق است. خواه دولت بپذیرد یا رد کند. آنچه اینمطر می‌کنند، به‌طور کلی این است که حقوق از عقل و عواطف انسان و رسوم اجتماعی سرچشمه گرفته ♦♦♦

*** من هم در پی نظم هستم، هم در پی عدالت.**

در پی نظم هستم تا هدفهای قانونگذار فراموش نشود و انسجام قوانین از بین نرود؛ و در پی عدل هستم برای اینکه قاضی فقط ماشین اطاعت نباشد.

از خودش هم مایه بگذارد و برای رسیدن به عدالت تلاش کند ♦♦♦

و معلوم نیست اگر رابطه‌اش را بر سرچشمه قطع کند، باز هم بتواند وظیفه اصلی و ذاتی‌اش را انجام دهد. به همین جهت اگر حقوق‌دانی بخواهد فقط به اجرای قوانین موضوعه و مصوب دولت بپنبدند، و به این مسائل مهم توجه نداشته باشد، در کارش موفق نخواهد بود. مجموعه اینها برای ارزیابی قوانین معیارهایی در اختیار ما می‌گذارند.

به نظر می‌رسد در گذشته، غالب ایده‌ها و اصول اخلاقی، ماهیت حقوقی داشت و تصورات عمومی از امور اخلاقی و غیراخلاقی، نوعی بار حقوقی داشت؛ اما البته امروزه اینها دو مقوله و دانش متفاوت است که هر یک موضوع و مقدمات و پراهمین و نتایج خاص خود را دارد. با این حال همچنان رابطه نزدیک و بسیار مؤثر میان اخلاق و عدالت و اخلاق و حقوق هست.

همین‌طور است. رابط حقوق و اخلاق، در طول تاریخ دچار تحولاتی بوده است؛ ابتدا اساساً تفاوتی میان این دو قلمتلم نمی‌شدند؛ اما به مرور زمان و هرچه به دوران معاصر نزدیکتر می‌شویم، دانشمندان و روشنفکران سیاسی از آنها خوا، دربار قلمرو دخالت دولت بحثهایی کردند و این نظریه مطرح شد که حدود قدرت و نفوذ دولت باید محدود به اعمال بیرونی مردم باشد. به همین جهت مرزهای حقوق و قانون با اخلاق مشخص و تا حدودی تفکیک شد. اینها در میان جامعه‌ها و مباحث، موضوعات تازه‌ای را به میان آورد؛ در جمله اینکه آزادی کامل، خود قیدی برای آزادی خواهد بود، و زمینه‌ای بهره‌کشی را فراهم می‌آورد. برخی مسائل تاریخی هم در جریان مؤثر بود؛ مثلاً جنگ‌های بین‌الملل اول و دوم این نکته را اثبات کرد که هرچه بر منافع دیکراسی خواهی تأکید کنیم، باز هم نمی‌توانیم ریشه‌های تاریخی را به‌طور کامل خشک کنیم؛ مثلاً مفهیمی مثل حق و برابری و حق، ممکن است خود ستودایی برای ظلم و سوا استفاده شود.

بی‌توجهی نسبت به امور و اصول اخلاقی و تفکیک آن از حقوق و حیطهٔ عمل دولتها نتایج خوبی نداشت. علمای اخلاق قدیم و امروز جدایی مطلق اینها از هم نمی‌دانند. یکی از مهمترین آثار نزدیک شدن اخلاق و حقوق، ایجاد قواعد حقوقی است. دولت به عقیده من در برابر نیرهای اجتماعی، مضطر است و قانون نتیجه غلبه نیروی بر نیروهای دیگر است. به همین جهت دولتی که در پی اجرای کامل و مطلوب قوانین است، نمی‌تواند به قواعد اخلاقی پایبند نباشد. در حقیقت، دولتی که قواعد اخلاقی را زیر پا می‌گذارد، در اجرای قوانین حقوقی نیز به دشواری می‌افتد.

از دیگری که این مسئله دارد، تعدیل عدالت است. در کنار قواعد حقوقی دولت که الزام‌آور است، قواعد اخلاقی و مذهبی هم وجود دارد که به وسیلهٔ آنها قواعد حقوقی تعدیل می‌شود. مثال باز در این زمینه که من همیشه مطرح می‌کنم، آیه مربوط به قصاص در قرآن است. در آنجا می‌بینیم که یک قاتل، خود را برای آوایام دم مقول حق قصاص مطرح ندهد، است؛ بلکه از حقوق تفکیک کنیم و بکناییم، امور قواعد حقوقی ماهیت خشک و بی‌انعطافی خواهد داشت و به مشکلاتی بر می‌خوریم. علاوه بر این، اخلاق در عرف حقوقی نیز دخالت دارد، و نیز نیروهای اخلاقی در حق جامعه، مانع از تبدیل عرفهای ناهنجار و بد به قاعدهٔ حقوقی می‌شود و به همین جهت در روی قضایی معمولاً عرفی مدنظر قرار می‌گیرد که از اخلاق بهره داشته باشد.

گفتی می‌شود هدف قوانین حقوقی اجرای عدالت

اینجا همه به نام تو می نازند، مولا

همهٔ فرزندان تو نوند و مایهٔ غرور. اما تو آن درخشش آفتابی که می‌نوازی در سرمای زمستان و آتش می‌زنی در میانهٔ تابستان. و آنجا که تیرگی سایه می‌افکند بر همه چیز و زمین افسرده می‌گردد خاطرهٔ تو همچون برقی خیره‌کننده قهرنا را در می‌نوردد و در حال ساری می‌شود تا زمین و زمان را راست همچون قامت تو دوباره سر پا کند. اما دان تو و خاطرهٔ تو دیربست در رگها و در جانهای مردمان سرزمین عجب جاریست. مردمان این دیار از کودکی یادی می‌گیرند با نام تو و به مدد تو از جا برخیزند. آری با تو سخن می‌گویم ای شیر عرب. ساهلست که فرصتی می‌جویم تا با تو خلوت کنم. تا با تو نجوا کنم و عقدۀ دل بکنایم. اما هر بار که به یاد سینهٔ پر درد تو می‌انم و غمی که در میانهٔ گول و چه زیباست تصویر گرمی و نرمی دلی که پس سینه‌ای ستیر و اهتین می‌تپد. و این آرزوی مردمان این سرزمین است برای پسرای که می‌زایند و اینان هم از تولد در خاطر دارند که علی‌وار زندگی کنند. که تختی باشند با پوریای ولی. که در اوج توانمندی دستگیر شوند و با تو باشند. اینجا همه می‌دانند بازوی قوی بی‌قوت قلب و بزرگی تن بی‌بزرگی دل هیچ است و فانی. اینجا قهرمانی نه که پهلوانی شرط است. هم از این روست که زورمندان به گود زورخانه که داخل می‌شوند سر خم می‌کنند. و عاشق که می‌شوند شبگرد و همدم کوچه و کوچه پنهان بمانی که نکند ابروی بیه زنی به خطر بیفتد. شایبۀ تو با مام و چاهی که سر در آن فرو می‌بردی است. آتش دل به آب دیده فر و پشانی از عشق بوده تو عاشق بوده‌ای و یگانه در عشق. این همه در خاطر باد و کویر و نهادهای فرات و دجله مانده و سینه به سینه می‌چرخد و آتش می‌زند بر مچالهایی که حالا هزار و چهارصد سال است نام تو را چون رمز عبور از آسمان می‌آموزند. بر صفحهٔ دل حک می‌کند و آخر نیز در حسرت چون تو بودن مجنون می‌شوند. کسی مثل تو نبوده و نیست و من همچنان «تحریر چه نامم شبه ملک لاتی» افتد.

امدام بگویم که هر چه گشتم چون تویی ندیدم و وصف چون تویی نشنیدم. از هر زیان و هر مسلکی از تو به والایی و بالایی یادی می‌کنند. و تو خود آگاهتری به این که فخر یکی ملت نه که فخر خاندی. و خدا نیز از خلق تو فخر می‌فروشد. اما چه می‌گویم؟ گاه با خود می‌اندیشم بکنکد اسطوره‌باشی اما خوب کدر در تو می‌نگرم می‌بینم از اسطوره فراتری. هیچ اسطوره‌پرداز هرگز توان و زیان‌پردازش چنین پهلوانی را نداشته است. آری امروز به سخن آمده‌ام تا به ویژه از پهلوانی تو یاد کنم. اما علی‌انجام سه حرف بیشتر نیست اما به زبانم که می‌آید بی‌اختیار لرزه براندام می‌افکند. نه از ترس که از حیرت و از هیبت تو. و از زبای که با دو قطره اشک همراه می‌شود با یک چیزی از عشق در خود نهفته دارد. از آن چه پنهان کل سر سبد داستانهای این همه قرن که بر ما گذاشته. بر مردمان ایران زمین. داستان عشق به توسا! اینجا همه به نام تو می‌نایند و از آن با احترام می‌نویسند. اینجا سرزمین عیاران است، مردانی که ترا اول پهلوان

وقتی می‌روی تا «ما» شوی

گویا در روزی که به مناسبت روز ازدواج نامگذاری شده باید از وصل گفت و نه از فصل و در این یک روز به ذهنمان اجازه ندیم که به واژه طلاق حتی فکر کند اما واقعیت این است که شیرینی ازدواج در تداوم آن است و ماندگاری‌اش. اگر قرار باشد هر سال که می‌گذرد به این مناسبت تنها از خوبی‌های ازدواج بگویم و از شاهزاده سوار بر اسب برای دختران و پری دریایی برای پسران، تنها سربابی برای جوانان استعابم که با واقعیت‌های موجود چندان سازگاری ندارد.

زندگی رویا نیست. واقعیتی است که باید آن را واقعی دید و پذیرفت.

وقتی واژه «من» را به وادی فراموشی می‌سپاری و می‌روی تا «ما» شوی، وقتی با دنیای تجرد خداقافلی می‌کنی و به وادی تاهل قدم می‌گذاری، تغییر را در تمام سلول‌های بدنت حس می‌کنی. بعد از پایان جشن و سور و سات عروسی، تو می‌مانی و یک زندگی تازه. احساسات متفاوتی در وجودت نقش می‌بندد. صبح شادی، لذت، شغف و گاهی هم دلهره و نگرانی. نگرانی از آغاز وادی که تا به حال تجربه نکرده‌ای.

حالا باید یک نقش اضافه یافت. کنی نقش همسری و اگر برای ایفای این نقش آماده دیشی دوام زندگی به خطر می‌افتد. عشق هست اما باید بدانی که اگر با

با عنایت به اعلام سال جهاد اقتصادی توسط مقام معظم رهبری و ضرورت توسعه صنعت گردشگری که منجر به اشتغال‌زایی یا مدینه می‌شده تا خواب به چشم کودکان یتیمی که از گرستگی خویشان نمی‌پرده هدیه کند کیست. و حالا ما همه می‌دانیم مولا، تمام راز لبری تو این بوده: تصویر زیبای کوهی که با تمام بلندی و ستبری خم‌شده تا دستان کوچک کودکی را هم همچون شاخه‌های نهال جوانی، در فراق پدر بفشارد. و تنها نظاره‌گر این منظره تاریکی شب و کور سوی نور ماهی باشد که از لایلای شاخه‌های نخل می‌تابد تا مگر او تو را باز شناسد و باز تو مثل هر شب

کوفه پنهان بمانی که نکند ابروی بیه زنی به خطر بیفتد. شایبۀ تو با مام و چاهی که سر در آن فرو می‌بردی است. آتش دل به آب دیده فر و پشانی از عشق بوده تو عاشق بوده‌ای و یگانه در عشق. این همه در خاطر باد و کویر و نهادهای فرات و دجله مانده و سینه به سینه می‌چرخد و آتش می‌زند بر مچالهایی که حالا هزار و چهارصد سال است نام تو را چون رمز عبور از آسمان می‌آموزند. بر صفحهٔ دل حک می‌کند و آخر نیز در حسرت چون تو بودن مجنون می‌شوند. کسی مثل تو نبوده و نیست و من همچنان «تحریر چه نامم شبه ملک لاتی» افتد.

پیش‌بینی نویسنده ارجمند-فتح‌الله امّلی -در مقاله درمندانۀ گرامی اطلاعات مورخ ۲۹ شهریور ماه سال جاری، با تقریب اضافی تحقق پیدا کرد؛ زیرا که بنا به اظهارات رئیس سازمان حج و زیارت در جمع خبرنگاران در مدینه منوره، امّلیون و ۷۰۰ هزار نفر برای حج عمره همتا نویسی کرده‌اند.نویسنده محترم، ضمن برشمردن مسائل و مشکلات موجود حول محور حج تمتع، بر نقاط درد انگشت نهاده و تأکید و تشریح کرده بود که با این شیوه نیت‌نام، کسانی که به اصطلاح مستطیع و انجام حج تمتع به آنجا واجب شده، در شرایط کنونی قادر به انجام این فریضه نیستند. به همین دلیل بسیاری از این افراد، سالها در آرزو و حسرت این سفر بودند.به عمل آوردن،دله‌به‌دیار،عبودخوش داشتند و سفر آخرت بر پیش گرفته‌ند.انصافاً می‌توان گفت که نویسنده مقاله مورد بحث برای نخستین بار، نکات و دقیقاتی را مطرح کرده بود که مطمئن نظر من و مرد افتقاد و علاقه همهٔ از رومندان حج تمتع بوده و هست و از این رو، مصداق این کلام شاعرانه قرار می‌گیرد که: جانا سخن از زبان ما می‌گویی. بنابراین، ضروری به نظر می‌رسد که در اطراف موضوع، بیشتر فکر و تعمق شود که قطعاً پیشنهاد مطرح‌وجه ایشان در قسمت پایانی مقاله نیز بسیار حائز اهمیت بوده و واقعاً جا دارد به طور جدی مورد توجه مسئولان ذریبط قرار گیرد.ما نمی‌دانیم که چه تعداد از کسانی که در نوبت‌های گذشته برای حج تمتع نیت‌نام کرده‌اند، نیت باقی مانده‌اند و نیت نام گذشت به چه تاریخی صورت خواهد گرفت تا جایی که بنده اطلاع دارم، سازمان حج و



و مجلس غره‌رباعث‌شده که بخش خصوصی در این راستا احساس امنیت نکند هرچند که تازه به ساحتار و وضعیت موجود جهت بحث فنی آمادگی پیدا می‌کند که متأسفانه فدای بسیاری از تصمیمات زود و بدون کارشناسی می‌شوند. امروز صنعت گردشگری کشور نیازمند ثبات قانونی و ثبات مدیریتی است تا بتواند ضمن حفظ سرمایه‌های موجود و نیروی انسانی موجود و رشد زیربنای تأسیسات به وظایف خود در برنامه پنجم و چشم‌انداز آن دستیار پیدا کند.

تأسیسات موجود گردشگری کشور با عنوان بزرگترین سرمایه ملی و بین‌المللی کشور نیازمند آرامش زمان، بازگشت سرمایه اجرائی بین‌المللی در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی را به هیچ عنوان نمی‌تواند پوشش دهد جدای از آن سرمایه‌گذاران ساختار

نگذاریم صنعت گردشگری بیش از این آسیب‌بیند

وقتی کوچک می‌بینند میزان اعتمادشان برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.

از آنجایی که هدف کلیه برنامه‌ها راتقاء و آرزآوری برای کشور می‌شود و با توجه به در بعد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد عملاً توپچیات و مقدمات ارائه شده توسط نمایندگان محترم با کوچک نمودن شاهد توسط در صورت تصویب طرح، مغایرت آشکار دارد.

پیرو مذاکرات مجلس در خصوص لایحه تشکیل وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و ۵ سال سابقه کار کارشناسی در خصوص تشکیل سازمان میراث فرهنگی، گردشگری مطابق مقاد ماده ۲ برنامه سوم توسعه اجتماعی پیشنهاد می‌گردد با عنایت به حضور کارشناسان خبره و مقتدر و تشکل‌های تخصصی نهایت استفاده صورت پذیرد تا بتوانیم اجرای اصل ۴۴ را در حضور نمایندگان محترم محقق سازیم.

در خاتمه با توجه به اهمیت موضوع و لزوم توسعه گردشگری بخصوص در زمینه‌های تخصصی تقاضا دارد دستور فرمائید هرچه سریعتر کار گروهی متشکل از نمایندگان تشکل‌های بخش خصوصی که مسئولیت عملیاتی نمودن برنامه‌های گردشگری به عهده آنان می‌باشد با کمیسیون فرهنگی جهت کارشناسان بیشتر همکاری نماید و در صورت امکان یک فرصت ۶ ماهه جهت انجام کار کارشناسی مشترک تعیین گردد تا بعد از آن تصمیمی را که بیشترین صرفه و صلاح را برای کشور دارا باشد اتخاذ نمایند.

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

به امضای چند انجمن و اتحادیه صنفی

اخبار کوتاه ورزشی

اعزام جانبازان و معلولین خراسان رضوی به تابوان ورزشکاران جانباز و معلول تیس روی میز خراسان رضوی برای حضور در رقابت‌های تیس روی میز تای چونگ عازم تابوان می‌شوند.

مسابقات بین‌المللی تیس روی میز معلولین تای چونگ تا ۱۸ تا ۲۳ آبان در تابوان و با حضور ۱۸ کشور برگزار خواهد شد. تیم تیس روی میز خراسان رضوی به نمایندگی از کشورمان با هفت ورزشکار با نام‌های جواد فولادی طرقي، حسین جانفشان، حمیدرضا شیخ‌زاده، کیقباد کیومرثی، علی یزدی راوندی، فریدون کامرانی و عقیل علی مردانی در این رقابت‌ها شرکت می‌کند.

معرفی فرمانان ایروبیك و استپ مردان کشور

مسابقات ایروبیك و استپ قهرمانی مردان کشور که در شیراز جریان داشت با برتری تیم‌های قزوین و گیلان به پایان رسید.

در روز میز خراسان رضوی به نمایندگی از کشورمان با هفت ورزشکار با نام‌های جواد فولادی طرقي، حسین جانفشان، حمیدرضا شیخ‌زاده، کیقباد کیومرثی، علی یزدی راوندی، فریدون کامرانی و عقیل علی مردانی در این رقابت‌ها شرکت می‌کند.

نفرات برتر مسابقات ماراثن نیز به این شرح معرفی شدند:بوریا مشاطه‌گان از قزوین، بهزاد کشاورز از قزوین، عمام امام دادی از سیستان و بلوچستان، رضا حدادزاده از یزد، حسام طلوعی از گیلان و سلمان مختارپور از گیلان.

پایان هفته نهم لیگ بر تر فوتبال

هفته نهم لیگ بر تر فوتبال یادواره بابک معصومی با برگزاری چهار بازی در روز دوم به پایان رسید.
در این هفته دو تیم منصوری یک‌بارگی و ملی خفاری به مصاف هم رفتند که این دیدار با نتیجه ۳ بر ۵ به سود منصوری (مدافع عنوان قهرمانی) به پایان رسید.

گسترش فولاد تبریز میزبان فیروز صفه اصفهان شد که یک امتیاز ازשמند از آن حریفش گرفت. این بازی با نتیجه ۳ بر ۲ به پایان رسید.
علم و ادب سایپا میشد که از قعرنشین جدول پدیرایی می کرد، دبیری تبریز را ۳ بر ۱ شکست داد.
در آخرین بازی، صباي قم ۵ بر ۲ لیبیات ارژن فارس را از پیش رو برداشت.

لغو اعزام تیراندازان جانباز و معلول به استرالیا

مریی تیم تیراندازی جانبازان و معلولان بانوان از لغو اعزام ملی پوشان به رقابت‌های جهانی تیراندازی کسب سهمیه پارالمپیک در استرالیا، خبر داد. فاطمه حنیفی نیک درباره لغو اعزام تیم ملی تیراندازی جانبازان و معلولان بانوان به مسابقات جهانی استرالیا گفت: با توجه به شرایطی که کشور استرالیا برای حضور تیم‌ها در این رقابت‌ها داشت نتوانستیم در این مسابقات حضور یابیم.

وی افزود: با توجه به تحریم ایران، اجازه بردن سلاح به این مسابقات به ما داده نشده و بدون سلاح هم نمی‌توانستیم در این مسابقات شرکت کنیم و با وجود تلاش‌هایی که صورت گرفت این مشکل برطرف نشد و به این مسابقات اعزام سهمیه آخرین اردوی تیم ملی تیراندازی بانوان جانباز و معلول از ۲۶ آبان آغاز می‌شود.

اعزام تیم ملی پرورش اندام به رقابت‌های جهانی مازنی
رقابتی یادسازی و پرورش اندام قهرمانی جهان از ۱۷ تا ۲۴ آبان با حضور ورزشکاران مطرح آسیایی در شهر اندام کشور مازنی برگزار خواهد شد.

در این رقابتی تیم ملی پرورش اندام ایران با ۱۰ ورزشکار به نام‌های بابک اکبرتیا، عباس عاقلی، مهدی ساف کریمی، مهدی عیاری، مجرم پناهی، رضا پاشا زاده، ابوالفضل نویدی، هادی محمدی، حسن خسروی و رضا رضایی شرکت خواهد داشت.

هفتادودمین دیدار تیم‌های فوتبال پرسپولیس و استقلال با تساوی ۲ بر ۲ به پایان رسید تا پرسپولیس با چهار امتیاز قهرمان جام ولایت شود.

دیروز در آخرین دیدار جام ولایت، تیم‌های فوتبال پرسپولیس و استقلال در حالی به مصاف هم رفتند و تساوی دو موقعیت مسلم گلزنی را به ثمر رساندند. در این دیدار دو تیم با سه گل در خلافت فتنشکنی و هاشمیان از دست استقلال پسار کم هواداران مواجه شده

بقیه از صفحه ۳

از تلفن تماس مرا در ایتالیا گرفت و گفت پس از مدتی تلفتی پاسخ را از شما می‌پرسم؟ پس از پایان گفتار انس اندیشه اسلامی الجزائر، ما به ایتالیا برگشتیم، دوستان به ایران مراجعت کردند و من یکی دو هفته دیگر، برای استفاده از شخصی اسکانه، به ایران آمدم و یکی دو هفته نیز برای این مسئله را هم به عنوان سئوال شرعی یک برادر مسلمان مصری، مطرح کردم.
امم یکبار دیگر سئوال را از من پرسیدند؟ پس از توضیح بیشتر، پاسخ ایشان بطور دقیق این بود: «اگر جانیاملی و یا آن قایان زن شاه را مفسده می دانند، تقصیر بچه‌ها چیست؟ حقمان نهیشان کنید و بگوئید که به این کار دست نزنند.»

پس از مراجعت به ایتالیا، روزی «ابوالملا» با من تماس گرفت و احوالپرسی کرد و به تناسب و در وسط گفتگو پاسخ امم را که قرار بود با یک جمله «چوچز، یا لاچوچز» به ایشان منتقل کنم، بیان کردم و درضمن بیان امم را با عنوان کلی که اگر کسی گناهی مرتکب شده، تقصیر همراهان او چیست؟ «لاچوچز، مطلب را به او ابلاغ کردم.

... موضوع متنی شده بود که یک ماه بعد روزنامه‌های مصری خبر گشته‌شدن «ابوالملا» را در یکی از خیابان‌های قاهره منتشر کردند که توسط دو نفر مسلح ترور شده و کیف دستی او هم به سرقت رفته است! ولی بعد روزنامه‌های مصری نوشتند که در کیف او، علاوه بر اسناد، مبلغ ۱۲ هزار دلار نقد هم موجود بوده است و این کشف خبر، نشان داد که ترور او توسط مأمورین امنیتی مصر انجام شده است و گر نه اگر در زمانی به خاطر کیف پول او را ترور کرده بودند، خبر کشف پول نقد در کیف، در جرایم منتشر نمی‌گردید!... بدین ترتیب سئوزه اصلی از بین رفت و



سال ۱۳۳۲ - امام خمینی(ره) در منزل استاد سیدهای خسروشاهی، سمت راست: مرحوم آقا حاج سیدمهدی دروازانی تبریزی (از علما مبارز تبریز)

دوستان مصری هم این طرح را عملی نکردند. یکی دو ماه بعد، گروهی از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی به ایتالیا آمده بودند تا در آن کنفرانس شرکت کنند و طبق معمول مسافران رسمی، اعضاء مجلس هم یکی دو روز میهمان ما بودند، یک روز بر سر سر میز مهمان موضوع فعالیت‌های اعضای خاندان پهلوی و یکی صلدر در خارج مطرح شد و بعضی‌ها به شدت به این امر حمله می‌کردند

و افسوس می‌خورند که آنها فرار کردند و اعدام نشدند! من به تناسب موضوع بحث، نظری به امام را در هر دو مورد نقل کردم که مورد پسندی بعضی از دوستان انقلابی اواهل انقلاب!قرار نگرفت و حتی یکی از آنها به شدت اعتراض کرد که این مطلب را نباید از قول امام نقل کنم!!

به آن برادر محترم گفتم که من این مطلب را از شیخ امام و بدون واسطه می‌دانم و نقل آن در غرب، نشان خواهد داد که نظر به امام خمینی در این قبیل موارد چیست؟ و اتهامات مربوط به مسئله دخالت ایران در

تیم ملی فوتبال ایران ظهر دیروز

با حضور ۲۱ بازیکن و در غیاب جواد نکونام‌تیم‌رین‌شادیارا در کمپ تیم‌های ملی برگزار کرد و امروز باحضور کاپیتان اول خود(دانشمند) آخرین تمرین را پیش از سفر به منامه برگزار می‌کند.

سیدمهدی رحمتی، شهاب گردان،علیرضا حقیقی،هادی عقیلی، سیدجلال حسینی، مهرداد پولادی، حسین ماهینی، احسان حاج‌صفی، حسین کعبی، آندرانیک تیموریان، مجتبی جباری، محمدرضا رضایی، مازیار زارع، کریم انصاری‌فرد، محسن مسلمان،محمد قاضی، پژمان منتظری، محمد نوری، میلاد میداودی و جواد کاظمیان ومحمدرضا خلعتبری بازیکنان حاضر در این تمرین بودند.

پژمان نسوری و علی کریمی به دلیل مصدومیت زیر نظر پزشکی تیم ملی کار می‌کردند.
گرمی‌ی بعضا در کنار زمین حاضر می‌شد و نظاره‌گر

عملکرد ملی پوشان بود. جواد نکونام که ظهر دیروز با آسیاتپا به تهران آمد با نظر کی‌روش استراحت کرد و از امروز در تمرینات شرکت خواهد داشت.

ملی‌پوشان در تمرین دیروز که فضای ورزشگاهی داشت، پس از گرم کردن بدن‌هایشان با دویدن، حرکات کششی، استرات و حرکت از میان مانع و... با پاسکاری‌های چند نفره مستقیم و مهرداد پولادی، آندرانیک تیموریان، مسرور با کار کردند. در بخش دیگری آنها در قالب سه گروه مسابقه آوردن «گل‌مخ»های گاشته‌شده در قسمتی از زمین را دادند. پس از هر حرکت رفت و برگشت، یک بازیکن به هر گروه اضافه

نخستین دوره مسابقات

تیراندازی به اهداف ثابت جایزه بزرگ بین‌المللی ایران از امروز با تمرین رسمی تیراندازان خارجی و ایرانی در تهران آغاز خواهد شد. مسابقات تیراندازی به اهداف ثابت جایزه بزرگ بین‌المللی ایران از امروز با ۱۶ تیرانداز خارجی مبلغ ۲۰۰۰ تیرانداز ایرانی در تهران آغاز می‌شود. شرکت کنندگان در این رقابت‌ها امروز در تمرین رسمی شرکت کرده و از فردا به مدت دو روز به طور رسمی در مسابقات شرکت خواهند کرد.تیراندازان خارجی شرکت کننده در مسابقات جایزه

پرسپولیس، قهرمان جام ولایت شد

چقدر به پایان ۴۵ دقیقه نخست نزدیک‌تر شد؟ استقلال بیشتر روی دروازه سرخ‌ها حمله کرد و این ارش برهانی بود که از غفلت مدافعان بزرگوار استفاده کرد و با ضربه سر در دقیقه ۲۳ گل تساوی ای‌ها را به ثمر رساند. در نیمه دوم، دستان نیمه نخست تکرار شد. پرسپولیس خیلی زود و باز هم با ضربه هادی نوروزی

تجلی مفاهیم منشور بر اداری

ترورو،ای اثر خواهد شد. و اگر احتمال نقل حدیث غیر واقعی! می‌دهید، جناب آقای دعایع که همراه شما به ایران برمی‌گردد، می‌تواند از شخص امام مسئله را پرسد تا شک و تردید برادران برطرف شود... و نتیجه را به من هم اطلاع دهند.
یکی از آشنایان قدیمی و روحانی عضو هیأت هم گفت: ما در صحت نقل شما شک نمی‌کنیم ولی نقل آن را در شرایط انقلابی کنونی کشور و خیانت این افراد هم صحیح و صلاح نمی‌دانیم!...
من اضافه‌کردم که:همه‌ی دانیهم‌امام‌اینها کاری و مصلحت‌گرایی نیست، و اگر مطلبی را فرموده‌اند لابد با نقل آن هم مخالفتی نخواهند داشت!...

... جلسه ما ختم شد و دوستان برای شرکت در کنفرانس بین‌المجالس، رفتند ولی پس از مراجعت به ایران به متأسفانه خبری از پرسش موضوع از امام و پاسخ ایشان، به اینجانب ابلاغ نشد! ... چند ماه گذشت و من باز برای انجام کاری به ایران آمدم و به دیدار امام هم می‌رفتیم. اتفاقا در آن روز، ساعت ملاقات حقیر با ساعت دیدار آیت‌الله حاج سید موسی شبیری زنجانی (مفظةالله) –از مراجع عظام کنونی– یکی‌شده بودو او ایشان هم همراه فرزند فاضلشان برای ملاقات با امام به جماران آمده بودند، لذا در وقت معین شده همراه ایشان به اطاق ملاقات امام رفتم. پس از سخنانی که آیت‌الله شبیری بیان داشتند و معرفی فرزندشان که ظاهرا تازه «معمم» شده بود؟ نوبت به اینجانب رسید که گزارش خلاصه‌ای از مسائل حوزه مأموریت خود و کارهای فرهنگی را که انجام می‌دهیم، ارائه نمودم و سپس یک سئوال مطرح کردم و پرسیدم:

اگر خاطر شریف باشد در ملاقات چند ماه قبل درباره اقدام بعضی‌ها، در مورد همسر شاه، سئوال لنذین روزنامه مصری در مطرح کردم که فرمودید: گناه بچه‌ها چیست؟ من تا این جمله را گفتم، امام حرف مرا قطع کرد و فرمود: «من آن زن را هم حرام‌تر ندادم» و من بلافاصله همسر آن زن تکمیل کردم و گفتم بلی حضرت اجازه فرمودید: اگر از نظر شما آن زن مفسده باشد: تقصیر بچه‌ها چیست؟ امام فرمودند: بلی این درست است...

گفتم سئوال بنده اکنون این است که آیا من حق دارم این مطلب را از قول حضرتعالی در جلسه‌ای بیان کنم، و یا در جایی بنویسم، یا موضوع خصوصی است و فقط جهت اطلاع دوستان مربوطه بود؟ امام فرمودند: هم می‌توانید نقل کنید و هم می‌توانید بنویسید. و این بود که من پس از مراجعت به ایتالیا، در مصاحبه‌ای این مطلب را از قول امام نقل کردم و منتشر گردید و آقای فهمی هویدی نویسنده معروف مصری هم آن را در کتاب خود از قول من نقل کرد که موجب رفع بعضی از سوء تفاهات گردید ولی چون آن‌ایام مصادف با نشر اخبار رهبری تروریسم در اروپا توسط بنده بود– او جرأید وابسته به امیر یالیسم خبری بالاتفاق کشف کرده بودند که گویا رهبری «کامی‌کار»‌های اسلامی را در اروپا بنده به عهده دارم– شاهیان و یاران آقای بنی‌صدر و شاید خود وی هم بنده را به دلیل اینکه یک مسئله شرعی از امام پرسیده‌ام، به رهبری یا هواداری از تروریسم متهم کردند، در حالیکه من در واقع با اقدام خود، جلو «تروریسم» را گرفته بودم.

در اینجا ضروری است اشاره کنم که پس از شکایت من از روزنامه معروف انگلیسی «ساندی تایمز» و کشیده شدن مدیر آن: «مردوک» به دادگاه «به دادگاه عالی» لنذین روزنامه نامبره در دادگاه محکوم شد و ام‌وجبور شد که علاوه بر پرداخت هزینه وکیل و دادگاه و ۱۵ هزار پوند بعنوان خسارتی که بر من وارد شده بوددر همان صفحه از روزنامه خود، عذرخواهی رسمی بعمل آورد... و از همه مهمتر آنکه آقای امیر طاهر، ی نویسنده اصلی مقاله و جاعل و ناشر اتهام را از روزنامه «ساندی تایمز» اخراج کرد و آن را در تاریخ یک به بعد –و تاکنون– دیگر نتوانسته است که در آن روزنامه معروف و دمویلین تیرازی در روزهای یکشنبه، مقاله یا گزارشی بنویسد و منتشر سازد. در اینجاچیز مهمی‌ام‌دانه آن از زحمات کارداران وقت جمهوری اسلامی ایران در لندن، جناب آقای اسداتیان و سپس جناب آقای اخوندزاده، شکر و قدردانی کنم که در تمام مراحل جنبه دادگاه و انتخاب وکیل و پرداخت هزینه‌ها– که البته همه آن‌ها پس از محکوم شدن مردوک توسط وکیل از روزنامه‌ها پاپزس گردیدند –در کمال صداقت و مسئولیت‌پذیری ما را یاری کردند و بی تردید پاداش آن‌ان عبدالله محفوظ خواهد بود.

این‌بود خلاصه‌ای از خاطراتی درباره‌ی روش و منش امام خمینی (ره) در برخورد با مخالفین، که امیدوارم برای این خرد و مسئولان امور عدل و داد کشور سر شفتی باشد!

آخرین تمرین ملی پوشان فوتبال پیش از سفر به منامه



بودند. آنها در نیمه‌ای از زمین که شش رها نمی‌کردند. این تمرین موجب خنده کی‌روش استراحت کرد و از امروز در تمرینات شرکت خواهد داشت.

بازی‌سازی از دفاع به حمله

ملی‌پوشان سپس به دو گروه سبز و نارنجی تقسیم شدند. بازیکنان گروه نارنجی را که تقریبا باغرات اصلی تیم ملی بودند،هادی عقیلی، سیدجلال حسینی، مهرداد پولادی، آندرانیک تیموریان، مسرور با کار کردند. در بخش دیگری آنها در قالب سه گروه مسابقه آوردن «گل‌مخ»های گاشته‌شده در قسمتی از زمین را دادند. پس از هر حرکت رفت و برگشت، یک بازیکن به هر گروه سبز

آغاز رقابت‌های بین‌المللی تیراندازی جایزه بزرگ تهران

بزرگ بین‌المللی تهران از کشورهای ایتالیا،بلارستان،مغولستان،صربستان، مجارستان، سوند و هند هستند. در ۱۱ تانده اهداف ثابت در دو بخش تاندازه و تفنگ برگزار خواهد شد. پیش از این و در مهر، نخستین دوره هندوستان در بخش تانهاجه در پروازی جایزه بزرگ بین‌المللی تهران با حضور یک خارجی در تهران برگزار شد.

اردوی تدارکاتی قطر
تیم ملی تیراندازی به اهداف پروازی کشورمان برای حضور موفق در مسابقات قهرمانی آسیا –انتخابی المپیک لندن در پایان هفته جاری برای برپایی اردوی دو هفته‌ای راهی قطر خواهد شد.

سجاد بهروز، امروز با شرکت در پیکارهای دسته ۶۹ کیلوگرم، آغاز کننده رقابت تیم ملی وزنبردارانی ایران در مسابقات جهانی پارس‌است؛ آغازگری که اگر خوب کار کند، امیدبخش همه اعضای تیم ایران خواهد بود و همین مسأله کار او را بسیار دشوارتر از بقیه کرده‌است.

بهروز در سال ۲۰۰۵ که فقط ۱۵ سال‌سن داشت،ایوب‌لقبه‌عنوان‌سرمریی تیم ایران توانایی‌های او را در رقابت‌های پرسپولیس از پنجشنبه گذشته آغاز شد. روزنه‌بدن نیز ترتیب کار وی در این رشته آغاز شد. او هم وزن خودش را بالا برد و هم وزن رکوردهایش تا امروز به یکی از بهترین وزنبرداران ایران بدل شده است.
بهروز در وزن سوم، ۹ حریف واقعیت دارد. وقتی می‌گوید «اگر یک کیلوگرم کمتر وزن‌ه‌ام اعلام می‌شد، اکنون در گروه B باید وزن می‌زد» درمی‌یابیم که گروه بسیار سنگین و سختی دارد. دو وزنبردار چینی در این گروه رکوردبرودی ۳۲۴۵ کیلوگرم دارند و یکی‌وزنبردار ترک در تعقیب اینها فقط ۵ کیلوگرم کمتر است. سایر وزنبرداران هم در رگوردهای فوق‌وزن ۳۳۱ کیلوگرم تا ۳۳۷ کیلوگرم دارند. همه اینها نشان

جام ولایت با حضور سه تیم ناسیونال پاراگونه، استقلال و پرسپولیس از پنجشنبه گذشته آغاز شد.
روزنه‌بدن شدن این بخت‌های دوستان با بعد سعید قربان کاروان شادی به راه‌انداختن.

بازباشند در بچه‌های س‌دزاینده رود در شنبه، جریان آب همزمان با عیدسعید قربان بنس‌تر این رودخانه و نواحی شهر اصفهان را سیراب کرد و هم‌اینک‌شور و نشاط خاصی در شهر

سرویس شهرستانها، اصفهان‌ی‌ها با جاری شدن آب در بستر رودخانه رودزنده‌شدن این بخت‌های دوستان با بعد سعید قربان کاروان شادی به راه‌انداختن.
بازباشند در بچه‌های س‌دزاینده رود در شنبه، جریان آب همزمان با عیدسعید قربان بنس‌تر این رودخانه و نواحی شهر اصفهان را سیراب کرد و هم‌اینک‌شور و نشاط خاصی در شهر

سرویس شهرستانها، اصفهان‌ی‌ها با جاری شدن آب در بستر رودخانه رودزنده‌شدن این بخت‌های دوستان با بعد سعید قربان کاروان شادی به راه‌انداختن.
بازباشند در بچه‌های س‌دزاینده رود در شنبه، جریان آب همزمان با عیدسعید قربان بنس‌تر این رودخانه و نواحی شهر اصفهان را سیراب کرد و هم‌اینک‌شور و نشاط خاصی در شهر

سرویس شهرستانها، اصفهان‌ی‌ها با جاری شدن آب در بستر رودخانه رودزنده‌شدن این بخت‌های دوستان با بعد سعید قربان کاروان شادی به راه‌انداختن.
بازباشند در بچه‌های س‌دزاینده رود در شنبه، جریان آب همزمان با عیدسعید قربان بنس‌تر این رودخانه و نواحی شهر اصفهان را سیراب کرد و هم‌اینک‌شور و نشاط خاصی در شهر

سرویس شهرستانها، اصفهان‌ی‌ها با جاری شدن آب در بستر رودخانه رودزنده‌شدن این بخت‌های دوستان با بعد سعید قربان کاروان شادی به راه‌انداختن.
بازباشند در بچه‌های س‌دزاینده رود در شنبه، جریان آب همزمان با عیدسعید قربان بنس‌تر این رودخانه و نواحی شهر اصفهان را سیراب کرد و هم‌اینک‌شور و نشاط خاصی در شهر

سرویس شهرستانها، اصفهان‌ی‌ها با جاری شدن آب در بستر رودخانه رودزنده‌شدن این بخت‌های دوستان با بعد سعید قربان کاروان شادی به راه‌انداختن.
بازباشند در بچه‌های س‌دزاینده رود در شنبه، جریان آب همزمان با عیدسعید قربان بنس‌تر این رودخانه و نواحی شهر اصفهان را سیراب کرد و هم‌اینک‌شور و نشاط خاصی در شهر

سرویس شهرستانها، اصفهان‌ی‌ها با جاری شدن آب در بستر رودخانه رودزنده‌شدن این بخت‌های دوستان با بعد سعید قربان کاروان شادی به راه‌انداختن.
بازباشند در بچه‌های س‌دزاینده رود در شنبه، جریان آب همزمان با عیدسعید قربان بنس‌تر این رودخانه و نواحی شهر اصفهان را سیراب کرد و هم‌اینک‌شور و نشاط خاصی در شهر



بازیکان میانی رویکرد ابتدایی بازیکنان بود. سپس کی‌روش دستور شروع بازی و هله اول بایدسع حریف را کنترل کنیم تا به‌س‌اگل‌نژند و در ادامه با تمرکز بالا و فیلد مارا، به آنها تحمیل کنیم؛ کمتر کار را به دست بگیریم و گل بزنیم. در ادامه تمرین، بازیکنان گروه‌مندی خود را حفظ کردند و در همان فضا، ولی با استفاده دروازه‌های بزرگ مقابل هم بازی کردند. سیدمهدی رحمتی دو دروازه‌بان گروه سبز و دو دروازه‌بان دیگر به صورت مقطعی دروازه‌بان گروه نارنجی بودند. پاسکاری‌های سریع و تغییر جهت منطقه به بازی با همکاری



سجاد بهروز، امروز با شرکت در پیکارهای دسته ۶۹ کیلوگرم، آغاز کننده رقابت تیم ملی وزنبردارانی ایران در مسابقات جهانی پارس‌است؛ آغازگری که اگر خوب کار کند، امیدبخش همه اعضای تیم ایران خواهد بود و همین مسأله کار او را بسیار دشوارتر از بقیه کرده‌است.

بهروز در سال ۲۰۰۵ که فقط ۱۵ سال‌سن داشت،ایوب‌لقبه‌عنوان‌سرمریی تیم ایران توانایی‌های او را در رقابت‌های پرسپولیس از پنجشنبه گذشته آغاز شد. روزنه‌بدن نیز ترتیب کار وی در این رشته آغاز شد. او هم وزن خودش را بالا برد و هم وزن رکوردهایش تا امروز به یکی از بهترین وزنبرداران ایران بدل شده است.
بهروز در وزن سوم، ۹ حریف واقعیت دارد. وقتی می‌گوید «اگر یک کیلوگرم کمتر وزن‌ه‌ام اعلام می‌شد، اکنون در گروه B باید وزن می‌زد» درمی‌یابیم که گروه بسیار سنگین و سختی دارد. دو وزنبردار چینی در این گروه رکوردبرودی ۳۲۴۵ کیلوگرم دارند و یکی‌وزنبردار ترک در تعقیب اینها فقط ۵ کیلوگرم کمتر است. سایر وزنبرداران هم در رگوردهای فوق‌وزن ۳۳۱ کیلوگرم تا ۳۳۷ کیلوگرم دارند. همه اینها نشان

زاینده رود شادی را به اصفهان بازگرداند



اصفهان‌ی‌ی‌است. دیروز بسیاری از شهروندان اصفهان، به‌دلیل آب جاری‌شده در بستر این رودخانه در حرکت بودند و ایستند، تا وقت توقف نمی‌داد. برخی از جوانان اصفهانی نیز با برپایی کاروان‌های شادی، همراه با پل و پاخواجو نیز رسید. پلیس و نیروهای انتظامی شهر اصفهان نیز برای جلوگیری از ترافیک در خیابان‌های

آغاز عملیات بازگشت حجاج بیت‌الله الحرام از جمعه

رئیس سازمان حج و زیارت با بیان اینکه عملیات انتقال حجاج برای برگزاری مراسم ایام تشریق تاکنون به خوبی و با کمترین مشکل پیش رفته است، گفت: اولین گروه از حجاج ایرانی بیت‌الله الحرام صبح جمعه (۲۰ آبان‌ماه) همزمان از دو فرودگاه جدّه و مدینه به میهن اسلامی باز می‌گردند.

به گزارش خبرنگار اعزامی مهر به سرزمین وحی، علی لیلی در گفتگو با خبرنگاران با اشاره به اینکه قضاوت اصلی در ارائه خدمات برعهده زائران است، گفت: در ایام تشریق تا امروز کارها طبق برنامه پیش رفته و عملیات انتقال حجاج از مکه به عرفات و از عرفات به مزدلفه و منا براساس آنچه تنظیم‌شده بود، عملیاتی شد و در روز اول تمام حجاج موفق به انجام قربانی شدند و امروز زائران در منا اقامه خود را به طبق برنامه، فردا دوازدهم ذی‌الحجه به تقویم گرفتند، حجاج بعد از اقامه نماز ظهر و عصر در محل اقامت خود در مکه مکرمه بازمی‌گردند. لیلی بیان کرد: ۶۵۰ دستگاه اتوبوس طبق برنامه و تا ۱۵ تانده کامیون تا ساعت ۱۱ و به محض شنیدن اذان ظهر که مجوز شرعی خروج از مناسک، حجاج را به موقع به مکه میرسد تا بازگشت به ترافیک مکه به بر خورود کنند.

وی‌بیان‌این‌که‌همه‌کار‌ها بر‌اساس برنامه‌ریزی در‌بر‌خورد با‌مخالفین، که‌امیدوارم برای این‌خرد و مسئولان امور عدل و داد کشور سر شفتی باشد!

تیم‌های خاص

در ادامه تمرین، گروهی از بازیکنان همراه کی‌روش مقابل یکی از دروازه‌ها تمرین ارسال کرنر از جانح‌ران انجام دادند. آندرانیک تیموریان را پشت مازار زارع، کریم انصاری‌فرد، محسن مسلمان،محمد قاضی از چپ ساترر سیدمهدی رحمتی، شهاب گردان،علیرضا حقیقی،هادی عقیلی، سیدجلال حسینی، مهرداد پولادی، حسین ماهینی، احسان حاج‌صفی، حسین کعبی، آندرانیک تیموریان، مجتبی جباری، محمدرضا رضایی، مازیار زارع، کریم انصاری‌فرد، محسن مسلمان،محمد قاضی، پژمان منتظری، محمد نوری، میلاد میداودی و جواد کاظمیان، احسان حاج‌صفی و محسن مسلمان زیر نظر امید نمازی دستیار کی‌روش زدن ضربات ایستگاهی را کار کردند. حسین کعبی، حسین ماهینی و مهرداد پولادی هم در این فداقیاب با نظر سرمریی و پزشکی‌تیم بدن‌هایشان را سرد کردند. این سه بازیکن بخاطر گرفتگی عضلاتی جزئی‌تر تمرینات شوت‌زنی معاف بودند.کی‌روش در پایان تمرین به طور اختصاصی با ملی کریمی صحبت کرد. تیم ملی بخاطر شبیه‌سازی موقعیت احتمالی برای بازی در جاکارتا آلدونزی، پرپروز نیز بارش شدید باران تمرین کردند، ولی برنامه دیروز در هوای آفتابی و مطبوع کمک انجام شد. آخرین جلسه تمرینی ملی پوشان پیش از سفر به بحرین امروز برگزار می‌شود. با جایگزینی نژاد حسین پادامگی با پژمان نوری، کاروان تیم ایران چهارشنبه ساعت ۱۰ تهران را به مقصد منامه ترک خواهد کرد. تیم ایران جمعه ۲۰ آبان‌مقابل چین و ۲۴ آبان در جاکارتا مقابل آلدونزی بازی خواهد کرد.

این فداقیاب با نظر سرمریی و پزشکی‌تیم بدن‌هایشان را سرد کردند. این سه بازیکن بخاطر گرفتگی عضلاتی جزئی‌تر تمرینات شوت‌زنی معاف بودند.کی‌روش در پایان تمرین به طور اختصاصی با ملی کریمی صحبت کرد. تیم ملی بخاطر شبیه‌سازی موقعیت احتمالی برای بازی در جاکارتا آلدونزی، پرپروز نیز بارش شدید باران تمرین کردند، ولی برنامه دیروز در هوای آفتابی و مطبوع کمک انجام شد. آخرین جلسه تمرینی ملی پوشان پیش از سفر به بحرین امروز برگزار می‌شود. با جایگزینی نژاد حسین پادامگی با پژمان نوری، کاروان تیم ایران چهارشنبه ساعت ۱۰ تهران را به مقصد منامه ترک خواهد کرد. تیم ایران جمعه ۲۰ آبان‌مقابل چین و ۲۴ آبان در جاکارتا مقابل آلدونزی بازی خواهد کرد.

بلکه باید آرام باشید و با حفظ تمرکز در بهترن زمان مشت را وارد کنید. در دوم‌ترین بازی‌سازی از عقب‌پاس‌های کوتاه‌پی‌دی‌وی و سریع، حمله به سمت فیلد مارا، به آنها تحمیل کنیم؛ کمتر کار را به دست بگیریم و گل بزنیم. در ادامه تمرین، بازیکنان گروه‌مندی خود را حفظ کردند و در همان فضا، ولی با استفاده دروازه‌های بزرگ مقابل هم بازی کردند. سیدمهدی رحمتی دو دروازه‌بان گروه سبز و دو دروازه‌بان دیگر به صورت مقطعی دروازه‌بان گروه نارنجی بودند. پاسکاری‌های سریع و تغییر جهت منطقه به بازی با همکاری

بلکه باید آرام باشید و با حفظ تمرکز در بهترن زمان مشت را وارد کنید. در دوم‌ترین بازی‌سازی از عقب‌پاس‌های کوتاه‌پی‌دی‌وی و سریع، حمله به سمت فیلد مارا، به آنها تحمیل کنیم؛ کمتر کار را به دست بگیریم و گل بزنیم. در ادامه تمرین، بازیکنان گروه‌مندی خود را حفظ کردند و در همان فضا، ولی با استفاده دروازه‌های بزرگ مقابل هم بازی کردند. سیدمهدی رحمتی دو دروازه‌بان گروه سبز و دو دروازه‌بان دیگر به صورت مقطعی دروازه‌بان گروه نارنجی بودند. پاسکاری‌های سریع و تغییر جهت منطقه به بازی با همکاری

رقابت پولاد مردان ایران با حریفان جهانی در پاریس

می‌دهد، بهروزی کار سختی دارد، اما این سبک وزن ایرانی بیشتر امیدبخش حرکات و ضرب است.او درباره سطح مسابقات، می‌گوید: تمرینهای سنگینی انجام داده‌ام.واقعا کمک انجام‌شد. است. همین تمرینهای سخت حسابی ما را ساخته و وضع من خوب است، اما وقتی به رکوردها نگاه می‌کنم، می‌بینم که چه کار سختی پیش روی ما است. سطح مسابقه‌ها واقعا بالا است. ۱۵ نفر در این دسته رکوردهایی بالاتر از ۳۳۰ کیلوگرم دارند و رکورد هم در همین حدود است. با همه این اوصاف من آماده‌ام برای مدال. درست است که در سخت‌ترین مسابقه محرم شرکت کرده‌ام، اما هدف من مسابقه مدال است. بهروزی درباره رکوردهای واقعی می‌گوید: در تمرین‌ها در یک ضرب ۱۵۰ کیلوگرم زده‌ام و در دوزخ به رکوردهای ۱۸۰ تا ۱۸۵ کیلوگرم هم رسیده‌ام. فکر می‌کنم در مسابقه به رکوردی بهتر از این برسم. ۱۸۶ برسم.مدال تلاش می‌کنم تا در مجموع روی سکوا بناشم.

بهروزی درباره رکوردهای واقعی می‌گوید: در تمرین‌ها در یک ضرب ۱۵۰ کیلوگرم زده‌ام و در دوزخ به رکوردهای ۱۸۰ تا ۱۸۵ کیلوگرم هم رسیده‌ام. فکر می‌کنم در مسابقه به رکوردی بهتر از این برسم. ۱۸۶ برسم.مدال تلاش می‌کنم تا در مجموع روی سکوا بناشم.

بهروزی درباره رکوردهای واقعی می‌گوید: در تمرین‌ها در یک ضرب ۱۵۰ کیلوگرم زده‌ام و در دوزخ به رکوردهای ۱۸۰ تا ۱۸۵ کیلوگرم هم رسیده‌ام. فکر می‌کنم در مسابقه به رکوردی بهتر از این برسم. ۱۸۶ برسم.مدال تلاش می‌کنم تا در مجموع روی سکوا بناشم.

شهری اصفهان را دیدرگ‌ر شاهد حضور آذربسان و بردنگان آسی در این خطه خواهند بود. محمدعلی طرفه‌مدیرآب منطقه‌ای اصفهان، جریان یاقشن آب رودخانه زاینده‌رود را برای ۲۵روز اعلام کرده‌بودولی برخی اخبار حاکیست اگر بارش‌های جوی بهبود یابد، احتمال افزایش آب رود جواد رود.

حاشیه این رودخانه حضور فعالی داشتند و خودرودی‌های عبوری که پس‌اش مشاهده آب جاری‌شده در این رودخانه قصد داشتند از حرکت باز ایستند، تا وقت توقف نمی‌داد. برخی از جوانان اصفهانی نیز با برپایی کاروان‌های شادی، همراه با پل و پاخواجو نیز رسید. پلیس و نیروهای انتظامی شهر اصفهان نیز برای جلوگیری از ترافیک در خیابان‌های

۲۷ بوسکور از امروز در اردوی تیم ملی

پس از برگزاری مسابقه‌های بوکس قهرمانی کشور در آبادان، کمیته فنی فدراسیون و کادر فنی تیم ملی ۲۷ بوسکور را به دور جدید اردوهای تیم ملی دعوت کردند.

اردوی ملی پوشان مشتزنی ایران برای حضور قدرتمند در رقابت‌های کسب سهمیه المپیک از امروز در مجموعه ورزشی انقلاب برگزار می‌شود. ۴۹ کیلوگرم: جعفر ناصری از خوزستان، سجاد محمودی از تهران، ۵۲ کیلوگرم: ایمان طیبی از ادرس، فرهاد مددی از قم، ۵۶ کیلوگرم: روح الله روح‌بخشیان از خراسان‌رضوی، آرمن امدجیان از کردستان، احسان بهبهوندی از قزوین، ۶۰ کیلوگرم: فروتن گل‌ارا از قم، محمد مومیند از تهران، حسین علیجلانی از کرمان، بهروز غفاری از چهار محال و بختیاری، ۶۴ کیلوگرم: مهدی طلوتی از مازندران، محسن پورشیجانی از چهار محال و بختیاری، مهدی شیعی رحبت از تهران، ۶۹ کیلوگرم: امین قاسمی پور از گیلان، شهرز ترادیده از کرمانشاه، مبین کهزاده از سیستان و بلوچستان، ۷۵ کیلوگرم: محمد ستارپور از تهران، ۸۱ کیلوگرم: احسان روزبهانی از تهران، مجید حاج عباسی از قزوین، ۹۱ کیلوگرم: علی مظفری از کرمانشاه، محمد نوری از لرستان، سالار غلامی و رضا مرداحی از لرستان، به‌اضافه ۹۱ کیلوگرم: مجید سهیوندی از لرستان، علی سلمانی از گ

گاهرومیثاقه و رنگاهما

فلسطین در یونسکو

سیدمحی الدین ساجدی فقط ۱۴ دولت از ۱۹۳ عضو سازمان یونسکو، وابسته به ملت متحد، با عضویت کشور فلسطین در این نهاد فرهنگی بین المللی مخالفت کردند. آمریکا و اسرائیل و آلمان در رأس مخالفان قرار داشتند. در این سازمان، همچون مجمع عمومی، آمریکا نمی تواند از و تر استفاده کند. برای بازداشتن یونسکو از پذیرش فلسطین، تنها کاری که آمریکا توانست انجام بدهد قطع کمک مالی ۶۰ میلیون دلاری به این سازمان بود. این تهدید کارساز نشد و ۱۰۷ دولت به عضویت فلسطین رأی مثبت دادند. از میان ۴۹ دولتی که هم رأی مثبت دادند با در رأی گیری شرکت نکردند، بسیاری مانند گابن، تحت فشار آمریکا بودند و نمی خواستند که روابطشان با واشنگتن بر این موضوع خراب شود. اتحادیه اروپا در این قضیه چند دسته شد. سه حالی که فرانسه رأی مثبت داد، بریتانیا و ایتالیا بی طرف ماندند و آلمان در کنار اسرائیل قرار گرفت. جالب آنکه یوسنی هم در این ممیت داد، به این بهانه که این کشور را شورای ریاست جمهوری سه نفره یوستایی، صرب و کروات اداره می کنند و عضو صرب مخالف است؛ ولی صربستان رأی مثبت داد.

این یک رأی گیری آزمایشی برای عضویت کامل کشور فلسطین در سازمان ملل متحداست که در آنجام هم آمریکا به‌شدت با آن مخالفت است و سعی می کند اکثر دولت‌های عضو شورای امنیت را داند رأی منفی وارد و تا خود ناچار به وتوی قطعنامه شود. با این حال، اگر قضیه عضویت کشور فلسطین به مجمع عمومی محاله شود، احتمال تصویب آن تو توجه به تجربه یونسکو زیاد است.اینگ، فلسطینیان می‌خواهند عضویت در ۱۶ سازمان دیگر وابسته به ملل متحد در ژنو را هم بررسی کنند و به آنها ملحق شوند. اسرائیل واکنش عصبی از خود نشان داد. اول اعلام کرد که شهر کهای بیشتری در کرانه باختری می سازد. دوم اینکه درآمد گرمی کشیکات فلسطینی (امصادر و سوم محاصره اقتصادی فلسطینیان را تشدید کرد. اعلام ساخت شهر کهای جدید بلافاصله با واکنش منفی حتی متحدان آمریکایی و اروپایی اسرائیل روبرو شد. تلاش ناکام آمریکا برای جلوگیری از عضویت فلسطین در یونسکو قبل از هر چیز نقل جهانی واشنگتن و انزوی اسرائیل را به نمایش گذاشت. حتی بسیاری از دولت‌های اروپایی نیز از همراهی با آمریکا سراز زدند. رئیس جمهوری آمریکای دانه که در فضای مدیترانه انتخابات ریاست جمهوری، هر گونه کوتاه آمدن به نفع فلسطینیان و به ضرر اسرائیل به معنای خودزی در این انتخابات خواهد بود.

فلسطین و اسرائیل هر دو اینک به یونسکو عضویت دارند، ولی این موقعیت یکسان نیست. اسرائیل از این پس در تخریب نشانه‌های اسلامی و تاریخی فلسطین در قدس با کرانه باختری با دشواری‌های بیشتری در این سازمان روبرو می‌شود و همواره عضو دیگری در این سازمان هست که به‌شدت به این گونه اقدامات اعتراض کند و زمینه محکومیت جهانی آن را فراهم آورد.همتر آنکه در نزاع میان اسرائیل و فلسطین، نمی‌توان دو طرف برنده یا بازنده یا به‌اصطلاح بر-برد یا باخت ساخت و تصور کرد، حالتی جز بازنده در مقابل برنده وجود ندارد. اگر فلسطینیان موقعیتی در هر جا به دست آورند، به معنای این است که اسرائیل در همانجا موقعیتی را از دست داده است. به همین علت است که اسرائیل می‌گوید عضویت فلسطین در سازمان ملل متحد به همین علت تضعیف مشروعیت بین المللی اسرائیل است.

وظیفه دولت‌های اسلامی است که هر چه سریع تر، ۶۰ میلیون دلاری را که آمریکا برای مخالفت یونسکو قطع کرده است، متقبل شوند و آن را راجران کنند. این کار موجب می‌شود که آمریکا در اقداماتی مشابه، قیلا محاسبات نکند و یکسره بعد تصمیم بگیرد.

۹ کشته در حمله تروریستی به نمازگزاران عید قربان در «بغلان»

سرویس خارجی: مقام‌های افغانستان اعلام کردند که دو بمبگذار انتحاری در بغلان، نمازگزارانی را که در نماز عید قربان شرکت داشتند هدف قرار دادند که به کشته شدن هشت تن از آن جمله دو فرمانده جبهه ملی منجر شد.بدان یک بمب‌گذاران افرادی را که در حال خروج از مسجدی در شهر بغلان بودند، هدف قرار دادند.

یکی از بمب‌گذاران خود را نزدیک ترمینک نمازگزاران هدف کرد، مافردوم که کشف‌داشت خود را مفرجیر کند دستگیر شد و از اقدام خود بازماند. در این شرایط، وزیر امور خارجه آمریکا در گزارش خود به کنگره، با تأکید بر ادایا کمک‌های اقتصادی به کابل و اسلام‌آباد گفت: امنیت و ثبات افغانستان بزرگ‌ترین امید برای ثبات منطقه است.

۴ انفجار مرکز تجاری بغداد را لرزاند

سرویس خارجی: پلیس و منابع بیمارستانی عراق اعلام کردند بر یک انفجار ووقع چهار انفجار پیایی در یکی از بازارهای بغداد، ۱۰ نفر کشته و ۲۶ زخمی شدند.

دیگر زخمی شدند. «محمد حنترش» سخنگوی این چهار انفجار در منطقه تجاری «حی التوحه» روی داد.

شاهدان عینی اعلام کردند که در محل انفجارها ش و دو سیه‌ای دیده شد و آمبولانس‌ها و گشتی‌های پلیس در این مکان جمع کردند.

یک منبع آگاه در بیمارستان «الکندی» بمباد در این خصوص گفت: ۱۰ کشته و ۲۶ زخمی حادثه به این بیمارستان منتقل شدند.

گفتنی است، با وجود اینکه موج خشونت‌های قومی و قبیله‌ای از سال ۲۰۰۶ میلادی کم‌کم شروع به فروکش کرده است، اما انفجارها و قتل‌ها همچنان به صورت روزه در عراق روی می‌دهد.انفجارهای بغداد در حالی روی داد که مسلمانان این کشور نیز بام عید قربان را جشن گرفته بودند.

دربار امنیتی

در همین حال فرمانده پلیس راه استان کربلای معلی اعلام کرد طرح امنیت ژئان حسینی در روزهای عید

مافردوم منظور جلوتر گیری تظاهرات، وجود نامنی با مشارکت ۲۳ هزار نیروی پلیس و ارتش هم که هنوز در حال اجرا است.

سرلشکر «معمان‌الغلامی» فرمانده اداره پلیس استان کربلای معلی اعلام کرد: تدابیر امنیتی شدید به مناسبت عید قربان در این استان وضع شده است.

حمله تروریستی

از طرفی، سخنگوی استانداری

کناره‌گیری نخست وزیر یونان

افزایش بحران اقتصادی – سیاسی یونان و با هدف فراهم کردن شرایط لازم برای دریافت کمک‌های اتحادیه اروپا به این کشور صورت پذیرفت. در این حال، روزنامه یونان نوشت: «لوکاس پاپاموس معاون سابق بانک مرکزی اروپا، پیشاز تصدی پست نخست‌وزیری در این کشوراست. روزنامه‌های یونان نوشتند که محمل‌ترین گزینه برای رسیدن به مقام نخست‌وزیری در یونان پاپاموس است، اما تصمیم نهایی در این زمینه هنوز گرفته نشده است. پس از تشکیل دولت ائتلافی با «سماراس» رهبر مخالفان و برگزاری انتخابات زود هنگام، مو افت کرد. با افزایش فشارهای بین‌المللی بر دولت یونان و بحران اقتصادی – سیاسی این کشور، نخست وزیر – محافظه‌کار دموکرات و نماینده حزب محافظه‌کار مخالف دولت، برای تشکیل دولت ائتلافی و موقت – برگزاری انتخابات و دهنگام پارلمانی به توافق رسیدند.این توافق در پی

صاحب امتیاز: شرکت ارتباط ایتپا مؤسسه اطلاعات

مدیر مسئول: سید محمود دعائی

سر سبیسر: علیرضا خانی

نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی- ساختمان

اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۵۳۱۱ (تهران)

پست تصویری: تحریریه ۲۲۲۵۰۸۲۲

تلفن: ۲۹۹۹۹

نمابر آگهی ها ۲۲۲۵۰۸۱۹ و ۲۲۲۵۰۸۲۱

تلفن پذیرش آگهی ها ۲۲۲۵۰۸۱۴ و ۲۲۲۵۰۸۱۳

نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com

پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

◆ سال هشتاد و ششم ◆

تقویم اطلاعات

سه شنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۰

۱۱ ذی الحجه ۱۳۳۲ - ۸ نوامبر ۲۰۱۱

ظاهر شرعی	۴۸ و ۱۱ دقیقه
غروب آفتاب	۳ و ۱۷ دقیقه
دفعه مغرب	۲۲ و ۱۷ دقیقه
نیم شب شرعی (بابان وقت ادای نماز عشا)	۵ و ۲۳ دقیقه
اذان صبح (فرها)	۵ و ۸ دقیقه
طلوع آفتاب (فرها)	۳ و ۶ دقیقه

نماز عید قربان صحنه تظاهرات یمنی‌ها علیه رژیم صالح شد

مردم در روز «جمعه کرامت» دخالت داشته است.

«علی‌حسن صالح» فرمانده تیپ اول رزه‌ی ارتش یمن اعلام کرده‌اعلام حمایت گروهی از فرماندهان ارتش یمن از انقلاب، پس از آن صورت گرفت که دریافتند علی عبدالله صالح، رئیس نظام حاکم بر این کشور در طراحی و انجام جنایات روز جمعه کرامت، دخالت مستقیم داشته است.

✽ **بحرین**

نیروهای امنیتی بحرین به باغی‌ها که در میدان رژیم آل‌حسینی این کشور حمله در چندین روستای این کشور حمله کردند.

نیروهای امنیتی بحرین برای متفرق کردن تظاهرات کنندگان، مخالف رژیم آل‌خلیفه که در چند روستای اطراف نامه علیه رژیم شمعار سر می‌دادند، متوسل به خشونت شده و به آنان حمله کردند.

نیروهای امنیتی بحرین برای متفرق کردن تظاهرات کنندگان از گاز اشک‌آور و گلوله‌های پلاستیکی استفاده کردند.

نیروهای امنیتی آل‌خلیفه در تظاهرات، هنگامی که زنی را در پیش روی خود دیدند، به طور مستقیم به وی شلیک کرد.

اعتراضات ضد سرمایه‌داری در آمریکا

وانگلیس اوج گرفت

کشور، وارد لندن شدند.

به گزارش ایزان، این جوانان راهپیمایی خود را حدود یک ماه پیش، در منطقه «جائرو» واقع در نزدیکی شهر نیوکاسل در شمال شرق انگلیس آغاز کردند و پس از طی ۵۲۰ کیلومتر، وارد پایتخت شدند.

راهپیمایی که با پارک‌دهای متعددی در ادر افتاد از سیلاک‌دهای اقتصادی دولت با خود حمل می‌کردند از سوی صدها نفر از فعالان مدنی و اعضای اتحادیه‌های کارگری مورد استقبال قرار گرفتند.

بر اساس آمارهای رسمی در حال حاضر حدود یک میلیون نفر از جوانان ۱۶ تا ۲۲ سال این کشور بیکار هستند.

چند هزار نفر از مخالفان نظام سرمایه‌داری نیز از مقابل کیلیسای سنت پل در لندن به سمت میدان پارلمان راهپیمایی کردند، ولی پلیس منع از استقرار معترضان در مقابل پارلمان شد.

تظاهرات کنندگان پس از عبور از خیابان‌های مرکزی لندن در نزدیکی میدان پارلمان با حضور گستردهٔ مأموران پلیس مواجه شدند که خیابان‌های منتهی به میدان پارلمان را مسدود کرده بودند.

دو گریه‌های پرانگیزی نیز میان مأموران پلیس و تظاهرات‌کنندگان درگیری میان افراد پاران روی داد ولی در نهایت معترضان موافقت کردند این محل را ترک کنند.

در این حال «اد میلیند» رهبر حزب کارگر انگلیس تأکید کرد که تظاهرات اعتراض‌جست باید ادامه یابد و در این کشور، معترضان به اعتراضات جری شده در این سال از کارکنان کارکنان محلی و نقل عمومی ایثار از اعتراض به سیاست‌های اقتصادی دولت برلوسکونی، رفت و آمد شهروندان در م، میلان، ناپل و سایر شهرهای بزرگ این کشور را امتلک کرد.

ساعت‌ه خطوط اتوبوس‌رانی، مترو، قطارهای محلی و اتوبوس‌ها در استان ایتالیا به فراوانی دچار تاخیر شد و ترافیک‌های سنگین در پایتخت و دیگر شهرهای بزرگ شد.

کارکنان حمل و نقل عمومی ایتالیا در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی دولت برلوسکونی، رفت و آمد شهروندان در م، میلان، ناپل و سایر شهرهای بزرگ این کشور را امتلک کرد.

ساعت‌ه خطوط اتوبوس‌رانی، مترو، قطارهای محلی و اتوبوس‌ها در استان ایتالیا به فراوانی دچار تاخیر شد و ترافیک‌های سنگین در پایتخت و دیگر شهرهای بزرگ شد.

کارکنان حمل و نقل عمومی ایتالیا در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی دولت برلوسکونی و در پی آن بهبود شرایط کاری و افزایش حقوق و علیه احتمال افزایش شغل کاری از ۲۷ به ۲۹ ساعت در هفته اعلام کردند.

برای لباس سیاه پوشیده‌ایم. تجمع کنندگان مصری تأکید کردند که به هیچ‌جهان با حزب سیاسی خاصی وابسته نیستند و این تجمع می‌خواهند اعلام کنند که هرگز دفاکاری‌های شهیدان را در راه آزادی کشورشان فراموش نخواهند کرد.

به شهروندان و کمک به آنها در برخی سعات بر تردد روز به ایتالیا‌ها سرویس می‌دهد. اتحادیه‌های کاریگری دلیل برگزاری این اعتراض را اعتراض به برنامه ریاضت اقتصادی دولت برلوسکونی و در پی آن بهبود شرایط کاری و افزایش حقوق و علیه احتمال افزایش شغل کاری از ۲۷ به ۲۹ ساعت در هفته اعلام کردند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه،



عکس از خبرگزاری فرانسه

روپا، پیشنهاد داد طرح یا شده‌از سوی تیم «علیربه»، امضا شود و سپس معاون رئیس جمهوری، مکانیزم اجرایی آن را تصویب کند و رهبران مخالفان در عربستان با حضور نمایندگان از دبیرخانه شورای همکاری و اتحادیه اروپا و آمریکا آن را به امضا برسانند.

این منابع اعلام کردند هنوز معلوم

تظاهرات و اعتصاب سراسری اسرائیل را فلج کرد

صهیونیستی اعلام کرد: سازمان ملل نمی‌تواند به فلسطینی‌ها دولت یا کشور بدهد. شیمون پرز افزود: تمامی صهیونیستی به نوار غزه به زیست رسانده به جز بنجره فلسطین که هنوز به روی صلح باز است. امیدوار زیادی به تحقق صلح با فلسطینی‌ها داریم.

خبر دیگر این که گروهی از فعالان آمریکایی حامی فلسطینی با حمله به کنسولگری رژیم صهیونیستی در ایالت یوتا و با سر دادن شعارهایی به موافق جامعه رسید.

ادامه شهر کساری
شهرهای صهیونیستی قدس برای ساخت بیش از ۶۰ هزار واحد مسکونی برای صهیونیست‌ها در این شهر یک طرح راهبردی تدوین کرد، برپایه طرح مذکور، ظرف ۲۰ سال آینده ۶۰ هزار و ۷۸۸ واحد مسکن برای صهیونیست‌ها در قدس احداث خواهدشد که بیشتر آنها یعنی ۵۲ هزار و واحد در قدس شرقی احداث می‌شود.

در این حال، رئیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد: سازمان ملل نمی‌تواند به فلسطینی‌ها دولت یا کشور بدهد. شیمون پرز افزود: تمامی صهیونیستی به نوار غزه به زیست رسانده به جز بنجره فلسطین که هنوز به روی صلح باز است. امیدوار زیادی به تحقق صلح با فلسطینی‌ها داریم.

نشت اضطواری اتحادیه عرب برای بررسی بحران سوریه

قرار است کمیته پی‌گیری اوضاع سوریه وابسته به اتحادیه عرب که قطر ریاست آن را بر عهده دارد، تشکیل جلسه دهد.

در این حالی است که هم‌زمان با این‌های عید قربان، تظاهرات اعتراضی بسیاری از شهرها و روستاهای سوریه به در در گرفت. بر اساس گزارش‌ها روز یکشنبه دستکم ۲۳ تن از معترضان سوریه به وسیله ماسک‌های شیمیایی و گاز اشک‌آور و پرتابگرهای دستی به تظاهرات برخاستند.

در این حال، رئیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد: سازمان ملل نمی‌تواند به فلسطینی‌ها دولت یا کشور بدهد. شیمون پرز افزود: تمامی صهیونیستی به نوار غزه به زیست رسانده به جز بنجره فلسطین که هنوز به روی صلح باز است. امیدوار زیادی به تحقق صلح با فلسطینی‌ها داریم.

قرار است کمیته پی‌گیری اوضاع سوریه وابسته به اتحادیه عرب که قطر ریاست آن را بر عهده دارد، تشکیل جلسه دهد.

در این حالی است که هم‌زمان با این‌های عید قربان، تظاهرات اعتراضی بسیاری از شهرها و روستاهای سوریه به در در گرفت. بر اساس گزارش‌ها روز یکشنبه دستکم ۲۳ تن از معترضان سوریه به وسیله ماسک‌های شیمیایی و گاز اشک‌آور و پرتابگرهای دستی به تظاهرات برخاستند.

در این حال، رئیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد: سازمان ملل نمی‌تواند به فلسطینی‌ها دولت یا کشور بدهد. شیمون پرز افزود: تمامی صهیونیستی به نوار غزه به زیست رسانده به جز بنجره فلسطین که هنوز به روی صلح باز است. امیدوار زیادی به تحقق صلح با فلسطینی‌ها داریم.

قرار است کمیته پی‌گیری اوضاع سوریه وابسته به اتحادیه عرب که قطر ریاست آن را بر عهده دارد، تشکیل جلسه دهد.

در این حالی است که هم‌زمان با این‌های عید قربان، تظاهرات اعتراضی بسیاری از شهرها و روستاهای سوریه به در در گرفت. بر اساس گزارش‌ها روز یکشنبه دستکم ۲۳ تن از معترضان سوریه به وسیله ماسک‌های شیمیایی و گاز اشک‌آور و پرتابگرهای دستی به تظاهرات برخاستند.

در این حال، رئیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد: سازمان ملل نمی‌تواند به فلسطینی‌ها دولت یا کشور بدهد. شیمون پرز افزود: تمامی صهیونیستی به نوار غزه به زیست رسانده به جز بنجره فلسطین که هنوز به روی صلح باز است. امیدوار زیادی به تحقق صلح با فلسطینی‌ها داریم.

قرار است کمیته پی‌گیری اوضاع سوریه وابسته به اتحادیه عرب که قطر ریاست آن را بر عهده دارد، تشکیل جلسه دهد.



در این حال، ارتش حامی انقلاب یمن اعلام کرد که طرح ترور سرلشکر «علی محمد الاحمر» در زمان برگزاری نماز عید قربان، ناکام ماند.

ارتش حامی انقلاب اعلام کرد، گروه بازو با جداسوی منطقه شمال غربی و فرماندهی گردان یکم رزه‌ی توانست توطئه‌ای را که یمنی‌های کردند «عبدربه منصور هادی» معاون رئیس جمهوری در طرح پیشنهادی شورای همکاری عربستان را در ریاض امضا خواهد کرد.

«عبدالطیف الزیانی» دبیر کل

سرویس خارجی: منابع آگاه در سرزمین‌های اشغالی از تظاهرات و اعتصاب فراگیر در بخش‌های مختلف فلسطین، بیدارستان‌ها، فرودگاه‌ها و دیگر اتحادیه‌های کارگری خبر دادند.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روزنامه القدس العربی، این اعتصاب پس از آن صورت گرفت که اتحادیه‌های صنفی کارگری اسرائیل نتوانستند واز تردد در ایان این رژیم به توافق جامعه رسید.

در اثر این اعتصاب فرودگاه «بن گورین» تل آویز تعطیل شد و بانک‌ها، بورس، بندرگاه‌ها، راه‌آهن و دیگر مراکز فلج شده‌اند.

این اعتصاب در ادامه اعتراضات در سراسر زمین‌های اشغالی است که در چند ماه قبل به تبع تحولات و انقلاب‌ها در شمال افریقا و خاورمیانه آغاز شد و اکنون با توجه به تداوم بیداری اسلامی در منطقه و همچنین اعتراضات به نظام سرمایه‌داری در غرب تحرک بیشتری گرفته است.

نشت اضطواری اتحادیه عرب برای بررسی بحران سوریه

سرویس خارجی: اتحادیه عرب در بیانه‌ای با متهم کردن سوریه به اجرا نکردن توافق با این اتحادیه برای پایان دادن به بحران، امور خارجه کشورهای عضو برای نشست اضطراری در شنبه آینده به منظور بررسی اوضاع سوریه فراخواند.

شهرهای سوریه به در در گرفت. بر اساس گزارش‌ها روز یکشنبه دستکم ۲۳ تن از معترضان سوریه به وسیله

در این حال، رئیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد: سازمان ملل نمی‌تواند به فلسطینی‌ها دولت یا کشور بدهد. شیمون پرز افزود: تمامی صهیونیستی به نوار غزه به زیست رسانده به جز بنجره فلسطین که هنوز به روی صلح باز است. امیدوار زیادی به تحقق صلح با فلسطینی‌ها داریم.

در این حال، رئیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد: سازمان ملل نمی‌تواند به فلسطینی‌ها دولت یا کشور بدهد. شیمون پرز افزود: تمامی صهیونیستی به نوار غزه به زیست رسانده به جز بنجره فلسطین که هنوز به روی صلح باز است. امیدوار زیادی به تحقق صلح با فلسطینی‌ها داریم.

در این حال، رئیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد: سازمان ملل نمی‌تواند به فلسطینی‌ها دولت یا کشور بدهد. شیمون پرز افزود: تمامی صهیونیستی به نوار غزه به زیست رسانده به جز بنجره فلسطین که هنوز به روی صلح باز است. امیدوار زیادی به تحقق صلح با فلسطینی‌ها داریم.

در این حال، رئیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد: سازمان ملل نمی‌تواند به فلسطینی‌ها دولت یا کشور بدهد. شیمون پرز افزود: تمامی صهیونیستی به نوار غزه به زیست رسانده به جز بنجره فلسطین که هنوز به روی صلح باز است. امیدوار زیادی به تحقق صلح با فلسطینی‌ها داریم.

در این حال، رئیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد: سازمان ملل نمی‌تواند به فلسطینی‌ها دولت یا کشور بدهد. شیمون پرز افزود: تمامی صهیونیستی به نوار غزه به زیست رسانده به جز بنجره فلسطین که هنوز به روی صلح باز است. امیدوار زیادی به تحقق صلح با فلسطینی‌ها داریم.

در این حال، رئیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد: سازمان ملل نمی‌تواند به فلسطینی‌ها دولت یا کشور بدهد. شیمون پرز افزود: تمامی صهیونیستی به نوار غزه به زیست رسانده به جز بنجره فلسطین که هنوز به روی صلح باز است. امیدوار زیادی به تحقق صلح با فلسطینی‌ها داریم.

در این حال، رئیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد: سازمان ملل نمی‌تواند به فلسطینی‌ها دولت یا کشور بدهد. شیمون پرز افزود: تمامی صهیونیستی به نوار غزه به زیست رسانده به جز بنجره فلسطین که هنوز به روی صلح باز است. امیدوار زیادی به تحقق صلح با فلسطینی‌ها داریم.

در این حال، رئیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد: سازمان ملل نمی‌تواند به فلسطینی‌ها دولت یا کشور بدهد. شیمون پرز افزود: تمامی صهیونیستی به نوار غزه به زیست رسانده به جز بنجره فلسطین که هنوز به روی صلح باز است. امیدوار زیادی به تحقق صلح با فلسطینی‌ها داریم.

در این حال، رئیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد: سازمان ملل نمی‌تواند به فلسطینی‌ها دولت یا کشور بدهد. شیمون پرز افزود: تمامی صهیونیستی به نوار غزه به زیست رسانده به جز بنجره فلسطین که هنوز به روی صلح باز است. امیدوار زیادی به تحقق صلح با فلسطینی‌ها داریم.

در این حال، رئیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد: سازمان ملل نمی‌تواند به فلسطینی‌ها دولت یا کشور بدهد. شیمون پرز افزود: تمامی صهیونیستی به نوار غزه به زیست رسانده به جز بنجره فلسطین که هنوز به روی صلح باز است. امیدوار زیادی به تحقق صلح با فلسطینی‌ها داریم.

گفت‌واری از میر اسیم چچیان

پیروزی مجدد «اورنگا» در انتخابات ریاست جمهوری نیکاراگوئه

ایرنا: «انابل اورنگا» رئیس جمهوری پیشین نیکاراگوئه با کسب ۶۶ درصد آرا برای بار سوم در انتخابات پیروز شد.

هزاران تن از شهروندان نیکاراگوئه حتی قبل از اعلام نتایج برای برپایی جشن پیروزی اورنگا به خیابان‌های ماناگو ریختند. اورنگا از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۹ به عنوان رئیس جمهوری نیکاراگوئه بر سر قدرت بود.

«سلمان بن عبدالعزیز» وزیر جدید دفاع عربستان
ایسنا: پادشاه عربستان برادر ثانی خود را به عنوان وزیر دفاع جدید این کشور انتخاب کرد.

ملک عبدالله بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان امیر سلمان بن عبدالعزیز، برادر ثانی خود را به جای امیر سلطان بن عبدالعزیز، وزیر دفاع سابق این کشور به عنوان وزیر دفاع جدید عربستان انتخاب کرد.

پادشاه عربستان همچنین امیرخالد بن سلطان را به عنوان جانشین وزیر دفاع انتخاب کرد.

«عمر البشیر» سودان جنوبی را به پاسخ قاطع تهدید کرد

ایرنا: عمرالبشیر رئیس جمهوری سودان، به جنوب سودان به دلیل حمایت از شورشیان هشتاد و دو اعلام کرد که اگر «جوا» از گذشته درس بگیرد و به حمایت از شورشیان ادامه دهد، پاسخی قاطع و محکم به آن خواهد داد.

در همین حال دولت سودان به علت حمایت دولت سودان جنوبی از شورشیان در استان‌های مرزی از این کشور به شورای امنیت شکایت کرد.

اردوغان: سلاح‌ها را زمین نمی‌گذاریم

ایسنا: نخست‌وزیر ترکیه در اظهاراتی بعد از اقامه نماز عید قربان تأکید کرد: ده‌هج نیم نمی‌تواند از نیروهای ما انتظار داشته باشد که سلاحشان را کنار بگذارند.

رجب طیب اردوغان، بعد از اقامه نماز عید قربان در مسجد «سلطان احمد» در استانبول به خبرنگاران گفت: ترکیه از برخی مشکلات در شمال عراق و در جنگش علیه حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک.) رنج می‌برد. وی تصریح کرد: ترکیه از کشورهای منطقه در خصوص شمال عراق انتظار کمک و حمایت دارد.

برلوسکینی: کناره‌گیری نمی‌کنم

مهر: نخست‌وزیر ایتالیا با بیان این که هنوز بخش اعظم نمایندگان پارلمان طرف‌داری می‌هستند، درخواست مخالفت برای کناره‌گیری کرد و در گفت‌وگو با ریهان اپوزیسیون به دلیل ناکارآمدی برلوسکینی در حل بحران مالی ایتالیا از وی خواسته‌اند قدرت را واگذارند.

تبریکات اوج و مدوف به مناسبت عید سعید قربان

ایرنا: بارک اوباما رئیس جمهوری آمریکا و دیمیتری مدوف، رئیس جمهوری روسیه، به مسلمانان جهان به مناسبت عید قربان تبریک گفتند. مدوف اعلام کرد قربان متدینان را متوجه پایهای روحانی بین اسلام و زیمه را برای برخورد مترحانه‌تر جامع‌نسبت به ارزش‌های واقعی تمامی مذاهب ایجاد می‌کند.

انتقاد بان کل مون از حمله به نیروهای حافظ صلح «دارفور»

ایسنا: دبیر کل سازمان ملل حمله به یک کشت نیروهای این سازمان و اتحادیه آفریقا در دارفور را به شدت مورد انتقاد قرار داد.

بان کی مون در بیانه‌ای که توسط سخنگوی وی قرائت شد، حملات به یک کشت نیروهای سازمان ملل و اتحادیه آفریقا را که به کشته شدن بیش از ن این نیروها و زخمی شدن دو تن دیگر منجر شد، محکوم کرد.

نامزدی «شومان» در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه

ایرنا: ژان پی بر شومان وزیر کشور اسبق فرانسه در گفت و گو با شبکه ۲ تلویزیون فرانسه به طور رسمی نامزدی خود را برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲ اعلام کرد.

حضور این نامزد سوسیالیست پیشین که خارج از فهرست سوسیالیست‌ها به عرصه صدارت باسارگوژی کار نهاده، به ویژه اینکه در انتخابات ۲۰۰۲ تنها ۵ درصد آرای مردم را به دست آورده بود، نشانه دیگری از نود انسجام سستی در گرایش‌های سیاسی فرانسه از زمانی شده است.

«مولینا» رئیس جمهوری جدید گواتمالا

ایرنا: یک نمایان سابق ایتاا نتایج انتخابات ریاست جمهوری گواتمالا به عنوان رئیس جمهوری جدید این کشور انتخاب شد.

سرمایه‌داری نیز از مقابل کیلیسای سنت پل در لندن به سمت میدان پارلمان راهپیمایی کردند، ولی پلیس منع از استقرار معترضان در مقابل پارلمان شد.

امیر اتور ژاين به بیمارستان رفت

ایسنا: امپراتور ژاين به علت غلب و برنشت روانه بیمارستان شد.

دانشگاه توکیو انتقال یافت. براساس گزارش‌ها حال امپراتور ژاين از روز پنجشنبه مساعد نیست و به‌همین دلیل وی برای از ملاقات‌های رسمی خود از جمله دیدل با «پاویچ»، شاهزاده دامبارکی و همسرش را لغو کرد.

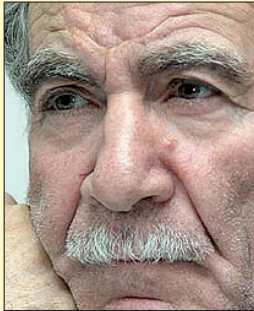
بستری شدن امپراتور ژاين در بیمارستان حدود پز و پس از آن صورت گرفت که «ایکونو» نویی در بیمارستان بستری شده بود.

اجلاس نخست وزیران سازمان شانگهای در روسیه

ایرنا: اجلاس نخست وزیران سازمان همکاری‌های «شانگهای» در شهر است پترزبورگ، روسیه آغاز بکار کرد و قرار است نمایندگان کشورهای ناظر نیز به این اجلاس شرکت کنند.

علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی از سازمان در این اجلاس شرکت کرد.

حمله انتحاری به نمازگزاران عید قرب



حافظ

از منظر دکتر دینانی

صفحه ۲

سه شنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۰
شماره ۲۵۱۷۲

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات
ویژه فرهنگ، هنر و ادبیات

۱۶۰



کژتابی‌های

ذهن و زبان

صفحه ۳

■ خشت اول

ریبلاس

اثر درام ویکتور هوگو



سید محمد صادق خرازی

«ریبلاس» (RUYBLAS) ماجرای زیبایی در درام‌های ادبی نابغهٔ ادب فرانسه و یکی از مهمترین درام پنج پرده اثر ویکتور هوگو است که به سال ۱۸۳۸ به نظم و شعر درآمده است.

ماجرای داستان این درام، واقعه‌ای است که در دربار اسپانیا از دید خالق اثر رخ داده است (در اوائل قرن هفدهم). «دن سالوست» (donsalluste) وزیر پر قدرت و معتبر دربار پادشاه اسپانیا که در یک ناکامی عشقی، مغضوب پادشاه و ملکه شده است و می‌خواهد از ملکه جوان اسپانیا «ماری دو نوبورگ» (nobourrgmarie de) انتقام بگیرد.

وزیر حيله‌گر او را مسئول بی‌آبرویی و رسوایی خود می‌پندارد. بدین منظور ابتداء می‌خواهد عموزاده خود «دن سزار دوبازان» (don cesardebazan) را وسیله این انتقام جویی قرار دهد. ولی چون وی از ایفای این نقش امتناع می‌ورزد، دن سالوست سرانجام تصمیم می‌گیرد تا خدمه و نوکر خود را که ریبلاس نام دارد، به جای دن سزار دوبازان معرفی کرده و از او برای نقشه شوم خویش سوء استفاده کند. به ویژه این که می‌داند نوکرش عاشق ملکه اسپانیاست.

دن سزار واقعی رانیز که عموزاده‌اش بعدا دستگیر و زندانی می‌کند. در یک چنین فرایندی ریبلاس به مقام نخست وزیری می‌رسد. او فردی آزاده، نجیب و درستکار است و به محض آن که به قدرت می‌رسد، وزیران فاسد و غفلت پیشه دربار را مورد استیضاح و نکوهش قرار می‌دهد.

ملکه اسپانیا که تحت تاثیر این همه پاکی و عظمت روحی ریبلاس قرار می‌گیرد و شوهرش نیز که از چندی پیش او را مورد بی‌مهری و بی‌اعتنایی قرار داده است، دل‌باخته ریبلاس گشته و حتی به او اظهار عشق می‌کند. باری، «دون سالوست» در این لحظات دوباره خودنمایی می‌کند و ملکه را بامکر و حيله به خانه شخصی خود می‌کشاند و هویت واقعی فردی را که مورد علاقه اوست، فاش می‌سازد. باز گشت نا منتظره و غیر متربقه «دن سزار»، حقیقی که شخصیتی پر سرو صدا و عجیب نامتعادل است، شرایط و احوال تازه‌ای را ایجاد می‌کند که بس جالب توجه است.

ریبلاس سرانجام ارباب خود «دن سالوست» را می‌کشد و پس از آن که مورد مهر و عفو ملکه اسپانیا قرار می‌گیرد، باز هر به زندگی خود خاتمه می‌دهد.

این درام رمانتیک در واقع شاهکار ویکتور هوگو به شمار می‌رود. شاعر و نویسنده نامدار و برجسته فرانسوی در این اثر خود، دربار رو به انحطاط اسپانیا را ماهرانه و با ظرافت تمام به بی‌اخلاقی توصیف می‌کند.

ویکتور هوگو، نابغهٔ ادبی فرانسه، بدینسان به مدح و تحسین و نبوغ فکری و پاکی و عظمت روحی مردمان سادهدل و عامی - که ریبلاس مظهر واسوه‌ای از ایشان است - پرداخته است. از دیدگاه ویکتور هوگو، این مردمان ساده و معمولی، بسیار بخشنده و پاکدامن اند و فضایل باطنی آنان اغلب ناشناخته مانده است.



بی ادبی و بی حرمتی بدی به من بود که تا امروز فراموش نکرده‌ام. «هوشنگ طیار» که هنوز خاطره تلخ آن سرقت ادبی - هنری را به یاد دارد، قسمت‌هایی از آن ترانه فولکلور تهرانی را برای مازیرلب زمزمه می‌کند و می‌گوید: این ترانه مال مردم است و صاحب همه ترانه‌های فولکلور مردم هستند و مانتهای وسیله سرودن آنها هستیم. و بعد قسمتی از آن را می‌خواند:

عطر شکوفه داری

مثل گل بهاری

وقتی که از راه میای

شادی و شور میاری

مهربونیت قشنگه

هم زبونیت قشنگه

وقتی با من قهر می‌کنی

پشیمونیت قشنگه

«هوشنگ طیار» که بعد از ۴۰ سال اکنون برای نخستین بار ادعای مالکیت این ترانه فولکلور را مطرح می‌کند؛ روز یکم خرداد ۱۳۱۳ در شهرستان اردبیل متولد شده است و تحصیلاتش را تا حد متوسطه در همان جا به پایان رسانید و سپس به عنوان کارمند وارد بانک بازرگانی آن روزگار شد و در آنجا بود که تحصیلات خود را در مؤسسه عالی حسابداری تا معادل لیسانس ادامه داد؛ اما چندان در آن بانک باقی نماند و وارد اداره پلیس و شهربانی آن روزگار شد و از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۶۸ به عنوان افسر در این ارگان انجام وظیفه کرد.

بقیه در صفحه ۲

دمی و دیداری با «هوشنگ طیار»

شاعر و شاگرد استاد شهریار

عطر شکوفه داری مثل گل بهاری

■ حسن فزامنند

شاید شما هم آن ترانه معروف «عطر شکوفه داری» را که در سال‌های قبل از انقلاب توسط خواننده‌ای به نام درویش مصطفی جاویدان خوانده شد، به یاد داشته باشید. (اگر چه بعد از آن نیز چند خواننده دیگر آن را اجرا کردند!). این ترانه، با همه سادگی اثر در ابتدای دهه ۵۰ به سرعت گل کرد و دهان به دهان گشت و به صورت ترانه فولکلور تهرانی اصیل در ردیف پر فروش ترین صفحات روز آن روزگار درآمد و البته نام «هوشنگ طیار» شاعر و ترانه سرای اصلی این ترانه روی آن صفحه پر فروش هرگز به ثبت نرسید و بعدها نیز این شاعر غزل سرا که از شاگردان استاد شهریار نیز بود، هیچ اعتراضی به این موضوع نکرد و اجازه داد که شعرش به نام همان «درویش جاویدان» در صفحه‌های گرامافون آن دوران بچرخد. اما کم نیستند کسانی که داستان چگونه سروده شدن آن ترانه را از زبان «هوشنگ طیار» شنیده‌اند و برای دیگران بازگو کرده‌اند.

«هوشنگ طیار» این شاعر غزل سرا ی کلاسیک زبان بی ادعای تانکنون دربارهٔ این ترانه‌اش با هیچ رسانه‌ای صحبت نکرده است و این برای نخستین بار است که برای درج در صفحه‌های ویژه هنر و ادب روزنامهٔ اطلاعات حکایت چگونگی ساخته شدن آن ترانه معروف فولکلور تهرانی را بازگو می‌کند و می‌گوید:

در سال‌های ۵۰ و ۵۱ من افسر کلانتری در بند در منطقه شمیران تهران بودم، درویش جاویدان نیز در نزدیکی کلانتری ما یک طبقه منزل مسکونی خود را تبدیل به یک کلبه برای گردهمایی اهل دل و هنرمندان کرده بود، که البته در این رابطه نیز من هم کم‌کم به جمع حلقه اهل دلان کلبه او پیوستم و یک روز که او برای انجام کاری و دیداری پایش به کلانتری در بند کشیده شده بود، با من سرگفت و گو را باز کرد و از آنجا که می‌دانست من دستی در سرودن شعر و ترانه دارم، یک ملودی و آهنگ کوچکی را زیر لب برایم زمزمه کرد و من هم همانجا در کلانتری روی زمزمه‌هایی که او می‌کرد، ترانه «عطر شکوفه داری» را گذاشتم و با هم جلورفتیم تا انتهای ترانه که ساخته و پرداخته شد.

او هم متن ترانه را یادداشت کرد و رفت و چندی بعد ناگهان این ترانه در میان کوچه و بازار گل کرد و در ردیف بهترین ترانه‌های فولکلور فارسی و تهرانی آن روز قرار گرفت و فروش زیادی هم کرد. وقتی که من صفحهٔ آن را خریدم، دیدم روی آن نوشته: «شعر و آهنگ و خواننده: جاویدان»! خیلی یکه خوردم و از این بی‌معرفی دلخور شدم؛ ولی واکنشی نشان ندادم و با خودم گفتم که دنیا رزش این حرف‌ها را ندارد، اما نکته جالب اینجاست که یک شب که او در یکی از اماکن عمومی آن روز تهران اجرای زنده داشت، من و مرحوم عماد خراسانی را دعوت کرد که به دیدن کنسرت او برویم و مهمان او باشیم. او در آنجا نیز وقتی این ترانه را در میان شور و استقبال علاقمندان اجرا کرده در کمال خونسردی و بی‌اعتنایی به حضور من در آنجا، باز هم گفت که شعر و آهنگ این اثر از خودش است. این کار او

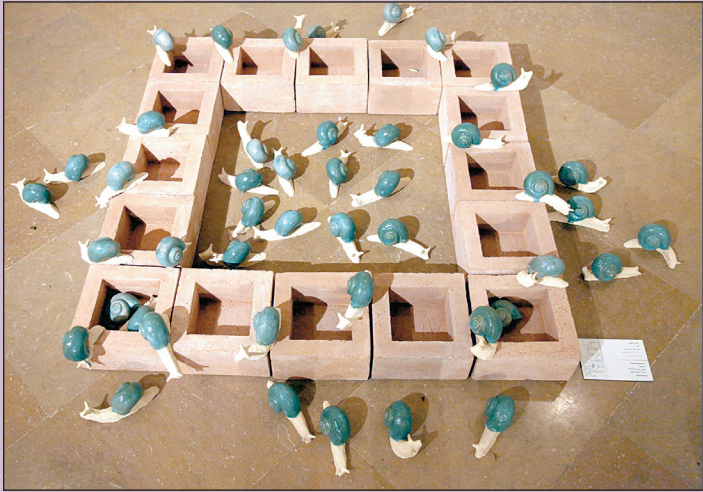
نگاهی به «دهمین دوسالانه سفال معاصر ایران» در موزه امام علی^۱

یک گام به پیش..

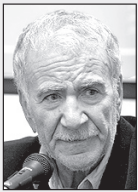
مجموعه هنرها در دوره معاصر، تعریفی نو از خود ارائه داده‌اند و این تعریف جدید با مخدوش شدن مرز میان هنرها به دست آمده است؛ به طوری که گاه حتی معنای تثبیت شده و شناخته شده این هنرها با تعریف جدید، تحت الشعاع قرار گرفته و معنایی تازه به برخی از آنها بخشیده است.

یکی از دلایل فرو رفتن هنرها در یکدیگر و از بین رفتن مرز میان آنها، نیاز هنرمند معاصر به فضای بیانی گسترده‌تر و شیوه بیانی جدیدتر است که جست‌وجوی مداوم او را در انواع هنرها به منظور فراهم ساختن بستری مناسب برای بیان ناگفته‌های درونی خویش به همراه دارد؛ چرا که در حال حاضر رجوع به یک هنر و استفاده از ابزار بیانی آن، به تنهایی کفاف و وسعت طلب و نیاز درونی هنرمند کنونی را نمی‌دهد. از سوی دیگر، هنرمند امروز در پی یافتن فضا و بستر بیانی خویش، به قلمرو هنرهای مختلف و گاه حتی متفاوت از هم دست می‌یازد تا شاید ابزار بیانی مناسب خود را در این میان بیابد و در این راستاست که امکان فراگیری همزمان چند هنر نیز برای هنرمند میسر می‌شود و هنرهای آموخته، در هنگام آموزش اثر از سوی همان هنرمند مجال بروز می‌یابند.

بقیه در صفحه ۴



حافظ مصطفی



دکتر غلامحسین دینانی

حافظ و چند مسأله بنیادی

گفت و گو از: کریم فیضی

۱۵ عرفان حافظ

*** به نظر شما، بروز شاعر و به طور کلی، شخصیتی همچون حافظ، در آن دوره تاریخی، چه توجیهی دارد؟**

توجیهش این است که گاهی، از اعماق بدترین دوره‌های تاریخی، گوه‌هایی خارج می‌شود و استخراج می‌پذیرد که مایه حیرت است. زمانه حافظ، زمانه بد و ناهمواری بوده است، ولی در همان زمانه بد، بزرگانی دیگر هم بوده‌اند و فضای فکری و فرهنگی، چندان خالی و بی‌ثمر نبوده است. به قول خود حافظ: عالم از زمزمه عشق مبادا خالی.

*** در اینجا، بحث‌های گوناگون و پراکنده‌ای قابل طرح است که شاید ارتباط مستقیمی با بحث‌های مانداشته باشد. موضوع این است که جایگاه حافظ را در عرفان و فلسفه و ادبیات بدانیم.**

به صورت روشن، می‌توان گفت که: عرفان حافظ چندان موضوع روشنی نیست. از نظر تاریخی، برای ما آشکار نیست که حافظ با چه کسانی از عرفا ارتباط داشته است. به این لحاظ، ابهامی در مورد او وجود دارد. شک نیست که حافظ بابرخی از عرفا مرتبط بوده است. او حتماً پیروی داشته و محضر عرفای بزرگی را هم درک کرده بوده. به اصطلاح، «اتصال» داشته است، اما نه خود این موضوع را گفته است، نه ما می‌دانیم.

به همین جهت، عده‌ای حافظ را از «ملامتیه» شمرده‌اند. می‌دانید که ملامتیه فرقه‌ای هستند که مسائل خودشان را بیان نمی‌کنند و روش‌شان این است که مسائلی را از خود ظاهر می‌کنند که مورد قبول مردم نیست و به همین جهت مورد ملامت قرار می‌گیرند.

*** البته نظر به ملامتیه بودن حافظ، تقریباً متاخر است و بعد از صفویه قوت گرفته است.**

اجمالاً موضوعی مشکوک است. به هر صورت، حافظ چه از ملامتیه باشد و چه نباشد، از مرشد خودش در طریقت، اسم نبرده و کسی را با این عنوان برای ما نشاناسانده است.

*** برخلاف مولانا که به صراحت از شمس تبریزی نام می‌برد.**

مولانا مشخصاً به شمس و طریقه او اتصال دارد. او اصولاً عاشق شمس است. شمس تبریزی مرشد مولانا است، همچنانکه که عرفای دیگر، مرشد عده‌ای دیگر هستند.

موضوع این است که مرشد بسیاری از عرفا معلوم است و طریقه اتصال‌شان هم تا حدودی روشن است، اما حافظ به این لحاظ مبهم است. ظاهراً حافظ تعمداً اتصال خودش را از ما پنهان می‌کند. من تاکنون برنخورده‌ام که کسی بتواند رد پای مرشد حافظ را شناسایی کند، ولی قطعاً می‌دانم که مرشدی داشته است.

*** چه دلیلی برای این ادعا دارید؟**

این توصیه خود حافظ است که:

قطع این مرحله بی‌همراهی خضر مکن

ظلمات است، بترس از خطر گمراهی! گردنه عرفان، از نظر حافظ مراحل صعب العبوری دارد که هر کسی نمی‌تواند خودسرانه و عبث عبث آن را طی کند و پشت سر بگذارد. وادی عرفان در روشن‌ترین بیان خارستان است. دریایی است با امواج بی‌کرانه و سهمناک. این دریاموجودات گوناگونی دارد، از افعی و مار و ازدها تا ماهی و گرگ و شیر. حافظ از روی آگاهی می‌گوید که: ظلمات است، بترس از خطر گمراهی. در نتیجه، خضر راهی باید باشد.

*** یعنی بدون داشتن یک راهنما و مرشد کار پیش نمی‌رود؟**

واقعاً باید خضر راهی باشد. این موضوع در عرفان و سلوک جزو ضروریات است. پیغمبری مانند حضرت موسی (ع) که پیامبر اولوالعزم است، بدون خضر راه نبوده. حضرت خضر موسی (ع) را هدایت می‌کرده است. موضوع از بینات قرآن است و اگر حضرت خضر (ع) نبود، معلوم نبود که حضرت موسی (ع) به مقامی که داشت، می‌رسید یا نه! تازه او نتوانست مقام معرفتی را که خضر (ع) داشت، تحمل کند.

ببینید! وقتی پیغمبری مانند موسی (ع) بدون خضر نباشد، هیچ عارف و ولی دیگری نمی‌تواند بدون هدایت یک مرشد کامل حرکت کند و به مقام معرفت برسد. در یک کلام، این کارشدنی نیست، چون به خود رفتنی نیست، بلکه نیازمند اتصال است، چون معارف و ظرایفی وجود دارد که برای رسیدن به آن، باید پای ولی کامل در میان باشد.

*** حرف شما متین است، اما موضوع استثنا هم دارد، مانند برخی فرق صوفیه و از جمله فرقه اوئیسیه.**

البته اوئیسی‌ها منکر پیرو راه نیستند. به هر حال، این امکان هم وجود دارد که پیرو را دور کسی را هدایت کند. این موضوع هم هست. البته موضوع اکثراً به صورت حضوری است. اهل معنی و سلوک پیروی را پیدا می‌کنند تا هدایت‌شان کند، ولی گاهی هم اتفاق افتاده است که پیرو را دور و در غایبانه هدایت می‌کرده است. اوئیسی‌ها نمونه‌ای از همین مسئله هستند.

ریشه موضوع هم از اینجا نشأت می‌گیرد که حضرت اوئیس قرنی، مرشد این گروه است. اوئیس در تمام عمرش پیغمبر اکرم (ص) را ندید. او برای دیدن حضرت رسول اکرم (ص) یکبار از یمن به مدینه آمد. قبل از آمدن، از مادرش اجازه گرفت و مادرش گفته بود که بیش از یک روز در سفر نباشد و زود برگردد. او هم این شرط را پذیرفت و به مدینه آمد. از قضای روزگار، وقتی به مدینه رسید، حضرت ختمی مرتبت (ص) در مدینه نبود و برای کاری، به بیرون از مدینه رفته بود. اوئیس آن روز به حسب قولی که به مادرش داده بود، به یمن برگشت. چند ساعت بعد که حضرت (ص) آمد، وقتی وارد مدینه شد، فرمود: من بوی برادرم اوئیس را استشمام می‌کنم.

ادامه دارد

ادبیات



روزمرگی، محصول فاصله گرفتن از آرمان‌ها

ظهور پدیده‌ای به نام «روزمرگی» در ادبیات، با فاصله گرفتن از آرمان‌ها و ارزش‌ها ارتباط تنگاتنگ دارد.

داشتن آرمان‌های انسانی و اهداف بزرگ، ما را از افتادن در دامچاله‌های «تکرار» و «یکنواختی» و خزیدن در پیله «عادت» حفظ می‌کند. البته همانطور که پیش‌تر اشاره شد، این آرمان‌گرایی باید منطبق بر «واقعیت» و «واقع‌نگری» باشد تا محصول و بدون داد آن، نیکبختی، بهرروزی و رستگاری انسان باشد.

تلفیق «آرمان‌گرایی» با «واقع‌نگری» رسیدن به نقطه اعتدال است و «اعتدال» ما را به «عدالت» و همون می‌شود. آرمان‌گرایی واقع‌نگرانه و عقل‌محور، قدرت تفکر، خلاقیت، ابتکار و نوآوری را در انسان تقویت می‌کند. از همین رو، شاعران آرمان‌گرا، شاعرانی خلاق، جسور و نوآورند و زندگی را «جور» دیگری می‌بینند.

امساروزمرگی، هبوط و فروافتادن در باتلاق عفن «تکرار» و «تقلید» است. همچنان که دوره «بازگشت ادبی» در تاریخ ادبیات ما، عصر رونویسی و گرته‌برداری از آثار شاعران بزرگ است.

شاعران این دوره، به نوعی کاریکاتور شاعران بزرگ قرن‌های پیشین‌اند، و بزرگترین و والاترین هنرشان «تقلید» است! در همین روز و روزگار است که بر مسند شاعری، شعبده‌بازان ادبی تکیه می‌زنند.

شعبده‌بازانی که با کلاف کلمات «معما»، «چیستان» و «ماده تاریخ» می‌بافند، و بزرگترین هنرشان ساختن قصیده‌های شاهانه و شاه‌پسند برای تصاحب «سیم و زر» است. قصیده‌هایی سرشار از مدح و تملق برای خوشامد «از ما بهتران» و تفریح و تفتن «سروران»!

از جمله این شاعران مهم‌گو «میرزا حسین مشرف اصفهانی» بود که از سرب‌ب‌دردی و شکم‌سیری، پنج مثنوی بر وزن خمسه نظامی به نظم در آورد که هیچ‌یک از ابیات آن معنی نداشت!

اگر عاقلی، بخیه بر مومن

به جز پنبه بر نعل آه‌مومن

سوی مطبخ افکن ره کوچه را

منه در بغل آتش آلوچه را

که نعل از تحمل مریاشود

به صبر آسیا، کهنه حلواشود

ز افسار زنبور و شلوار ببر

قفس می‌توان ساخت، اما به صبر

شعر اعتراض

در شعر انقلاب، بعد از پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸ و پایان یافتن جنگ تحمیلی، جریانی به نام «شعر اعتراض» شکل گرفت. نطفه بستن جریانی به نام «شعر اعتراض» در بطن ادبیات انقلاب اسلامی، واکنش طبیعی شاعران انقلاب به شرایط سیاسی-اجتماعی بعد از پذیرش قطعه‌نامه بود که رفته رفته به استحاله ارزش‌ها منجر شد.

شعرهایی که ذیل عنوان «شعر اعتراض» قرار می‌گیرند، عموماً شعرهایی با مضامین تند سیاسی-اجتماعی هستند که در آنها شاعر به تحلیل و ارزیابی خود از شرایط فرهنگی-سیاسی بعد از جنگ پرداخته است.

شعر شاعران این دوره، شعری است که در میدان جنگ «فقر و غنا» و در زمانه «استحاله ارزش‌ها» اعلام موجودیت می‌کند. شعری حسرت زده، معترض و پر خاشاکر. معترض به مرگ ارزش‌ها، معترض به تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، معترض به احیای فرهنگ سرمایه‌سالاری و اشرافیت، معترض به خاموشی و فراموشی مردان



۱۰ رضا اسماعیلی

جبهه و جنگ و باز ماندگان شهدا و ...

در واقع شاعرانی که بعد از جنگ با این رویکرد به سرودن شعر پرداختند، شاعران آرمان‌گرایی بودند که با شاخک‌های حساس خود، صدای بازگشت ابتدال و انحطاط را می‌شنیدند و با توسل به این شگرد می‌خواستند جامعه را از فروافتادن در باتلاق «روزمرگی» و «روزمرگی» برهاند و آن را همچنان در صراط مستقیم آرمان‌گرایی و رسالت‌مداری به پیش ببرند.

«قیصر امین‌پور» جزو نخستین گروه از شاعرانی بود که در دوره انفعال، از معبر «مقاومت مثبت» زبان به اعتراض گشود و زنگ خطر ظهور پدیده «روزمرگی» را زیر گوش فطرت خواب‌آلوده جامعه به صدا درآورد. قیصر، ما را دیگر بار به «خویششت خویش» ارجاع داد تا در فتنه خیز حوادث، و آوار ناگامی‌ها و نامرادی‌های اجتماعی، هویت انسانی خویش را از یاد نبریم؛ زندگی رالب طاقچه «عادت» به فراموشی نسپاریم و سرنوشت خود را به «هرچه بادا باد» پیوند زنیم، تا روزی در رهگذر لحظه‌های تکراری، نامان در ستون «تسلیت» ها برای آیندگان به یادگار بماند!

خسته‌ام از آرزوها، آرزوهای شعاری
شوق پرواز مجازی، بال‌های استعاری
لحظه‌های کاغذی را، روز و شب تکرار کردن
خاطرات بایگانی، زندگی‌های اداری
آفتاب زرد و غمگین، پله‌های رویه پایین
سقف‌های سرد و سنگین، آسمان‌های اجاری
با نگاهی سرشکسته، چشم‌هایی پینه بسته
خسته از درهای بسته، خسته از چشم‌انتظاری
صندلی‌های خمیده، میزهای صف کشیده
خنده‌های لب پریده، گریه‌های اختیاری
عصر جدول‌های خالی، پارک‌های این حوالی
پرسه‌های بی‌خیالی، نیمکت‌های خماری
رونوشت روزها را، روی هم سنجاق کردم
شنبه‌های بی‌پناهی، جمعه‌های بی‌قراری
عاقبت پرونده‌ام را با غبار آرزوها
خاک خواهد بست روزی، باد خواهد برد، باری
روی میز خالی من، صفحه‌باز حوادث
در ستون تسلیت‌ها، نامی از ما یادگاری!^(۱)
ادامه دارد

پی‌نوشت:

۱- قیصر امین‌پور، گل‌ها همه آفتابگردانند، مروارید، ص ۵۱

عطر شکوفه داری، مثل گل بهاری

یادگار شهریار

گفتی هنوز از دل و جان دوست داری‌ام

رفتی که باز بر سر حسرت گذاری‌ام

گردن به زیر منت گردون نمی‌نهم

گر دوستانه دست به گردن درآری‌ام

درانتظار دیدن رویت بیا، ببین

چون زلف بی‌قرار خودت، بی‌قراری‌ام

صدداغ هست بدلم، ای رخ که لاله نیست

یک داغ بوسه بر دلبت یادگاری‌ام

خاکم به باد می‌رود از آتش درون

ای آب دیده، گر نشستی به یاری‌ام

باشد ز چشم نرگس مست و سیاه تو

شام سیاه مستی و صبح خماری‌ام

اکنون که بسته‌ای در خوابم به روی چشم

باری بیا به محفل شب زنده‌داری‌ام

چشم سیاه و شعر سپید تو طعنه زد

بر این سپیدموی و سیه‌روزگاری‌ام

بی‌مایمی ای فرشته‌نیمایی‌ام، ولی

من با شما سرشته‌ام و شهریارِی‌ام

آری خدای قول و غزل بود «شهریار»

من هم از او نشانی‌ام و یادگاری‌ام

بقیه از صفحه اول

در همین حال او هر زمان تعطیلی و فراغت می‌یافت، به خدمت استاد شهریار می‌شتافت؛ به طوری که استاد شهریار نیز از او به عنوان یکی از دوستان صمیمی خود یاد می‌کرد و حتی در مثنوی معروف «مفاخر ادبی ایران» که از شهریار در جلد دوم مثنوی هایش به چاپ رسیده است، نام هوشنگ طیار در آن مثنوی به عنوان یکی از شاعران سخنور با ذوق آذری زبان و پارسی سر آمده است. آنجا که استاد شهریار سروده است:

به شهربانی کشور به شهرت «طیار»
سخنوری است به ذوق و قریحه سرشار
از این قبیل دگر «بیژن ترقی» ماست
که نور دیده خیام و خادم الشعر است
با این حال، هوشنگ طیار با ۷۷ بهاری که پشت سر گذاشته، می‌گوید: «هرچه این بهارها را پشت سر می‌گذارم، به خزان نمی‌رسم»

او این روزها به عنوان یکی از دبستان‌گان جلسات هفتگی «حلقه مهر» عصر هر پنج‌شنبه در انجمن شاعران ایران، واقع در خیابان شریعتی، خیابان شهید کلاهدوز (دولت سابق) حضور می‌یابد و تازه‌ترین غزل‌های کلاسیک خود را که هنوز تحت تأثیر زبان و سبک استاد شهریار است، برای علاقه‌مندان ادبیات کلاسیک می‌خواند.

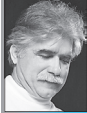
در اینجا یکی از تازه‌ترین غزل‌های «هوشنگ طیار» را

می‌خوانید:

دهه هفتاد یک برون فکنی اندیشه و تجربه بود. یک عروسی باشکوه برای شعر امروز. جشنی پریاهو که دعوت شد گانش جوانان پرشور و شر بودند. هر چند بزرگان به این جشن دعوت نبودند و شاید هم از هیاهو خوششان نمی آمد که نیامدند و این جشن تا آخر دهه هفتاد ناتمام پایان یافت.

در بین شاعران جوان، عده‌ای انگشت شمار، شعر اندیشمندی را به گوش هارساندند و عده‌ای غرق در تنوری کارگاه‌های غیرانتفاعی شعر، ادای دریدا، لیو تار، رولان بارت و...امثال ایشان را در آوردند و عده‌ای دیگر زدواج کردند و کارمند شدند و شعر را کنار گذاشتند! مجموعه شعرهای خوبی چاپ شد که در هیاهو گم شد. «ایرج ضیایی» شاعر شمالی، با حرکت

معرفی مجموعه شعر «آنها از مرگ ترسیده بودند»/ علی الفتی/ نشر داستان/ ۸۹



اکبر اکبری

از ریاضیات بین‌النهرین شعر

به بازی‌های زبانی و چشم‌پندی در سطور پرداخت. آنچه از نظر من در مورد شعر دو ستان شاعر فهیم و اندیشمند قابل ذکر است، این است که نمی‌دانم بر چه اساسی وقتی به زبان ملموس و مخاطب‌پذیر می‌رسند، این موفقیت را ندیده می‌گیرند و در مجموعه‌های بعدی به نام ارتقای کیفیت پارشد زبانی، شعرشان را پیچیده می‌کنند.

رسیدن به فرم و زبان مستقل در شعر، خواه در قالب کهن، خواه در شعر آزاد، کاری طاقت‌فرسا و سخت است. این عوض کردن لحن و روال در شعر، آسیب جدی تلقی می‌شود و انصاف نیست که در هر مجموعه‌ای زبان شعر مان پیچیده‌تر شود.

عصر، عصر سادگی زبان و کوتاهی قامت شعر است در زیر شولای ایجاز. شاعر امروز اگر برای انسان امروز می‌نویسد، بایستی موقعیت او را درک کند و او را از کار و زندگی نیندازد.

تازه‌ترین مجموعه شعر علی الفتی پیچیده در شولای سرخ و طرح جلد بهرام مقدادی و ممیز ببخشید مزدک شکری کبابی عزیز از سوی نشر داستان به شعرهای کوتاه

این شاعر نجیب و فروتن کرمانشاهی اختصاص دارد، با نام: «آنها از مرگ ترسیده بودند». الفتی حرف آخر را اول زده است: من در تاریکی راه می‌روم اگر نوری همراهم بود آن وقت متوجه می‌شدم که اطرافم را چه فضای عجیب و وحشتناکی گرفته است و چون نمی‌دانم بدون هیچ خطری زندگی می‌کنم. بعضی وقت‌ها توان حمل جسمم را ندارم همچون سنگ پشتی باید تا هزاران سال این لاک سنگین را حمل کنم...

علی الفتی به روال مجموعه راخ، مقدمه‌ای ساده و ملموس نوشته است که خواندنش امیدوارمان می‌کند: مرا دنیا/ برای مادرم آورد/ مادم از دنیا رفت /اکنون روی دست دنیا مانده‌ام.

علی الفتی، شاعری درون‌گراست که به شعر اجتماعی رونق خاص بخشیده است. او جامعهٔ خودش را می‌بیند و سوژه‌هایش را شکار می‌کند و اگر به زبان مردم حرف بزند، صمیمیت شعرها را دو چندان می‌سازد:

آنهایی که برای پوست من /از ریاضیات بین‌النهرین بهره برده بودند /واقعیت را پذیرفته بودند/ اما ای تو /ای شبیه به یک دوست /برای تصویر من /برای زخم‌های من / موسیقی انتخاب کن.

شعر امروز اگر و جاهتی دارد و در ایسن اندک زمان، خود را به سبد مطالعه مردم رسانده است؛ مدیون زبان ساده شاعران جوان ماست.

شاعرانی که به میانسالی تجربه رسیده‌اند و در حال تکمیل و تثبیت هستند، لازم است که به حر است این زبان بکوشند و دست از روشنفکر بازی‌های محفلی بردارند و یقین بدانند که روشنفکر واقعی آن است که با مردم به زبان خودش حرف بزند و خود را از مردم جدانینند. به شعور و اعتقادات آنها احترام بگذارد و ترانه‌سرای آرزوهای آنها باشد.

نادان مطلق/ دانسته‌های تو را بلخند می‌زنم /از این دانایی لذت می‌برم /از این احتیاط به خود می‌بالم.

منتظریم علی الفتی با شعرهای دانایی خود، توانایی شعر امروز را عیان کند. خود را نبازد و همچنان فروتن شعر بماند و شعر را همان قطرات خونی بداند که در مقدمه از انگشت کوچک دخترش جهیده است! چرا که شاعران از تبار خونی گلهاپند و الفتی قصه‌پرداز غیرت فرهادهای بیستون شعر امروز و هماره سرزنده و شاداب:

همه از آن خانه رفته‌ایم /تسبیح که پاره شد /هر کدام گوشه‌ای افتادیم /ماد یگر نمی‌خندیم /ما حرف نمی‌زنیم /کسی که آلبوم را می‌گشود /می‌گفت ما مرده‌ایم. خدا نکند علی جان!

شعر مبتدل چگونه است؟



اسماعیل امینی

و مشمئزکننده است. در یکی از جشنواره‌های شعر، جوانی برای بیان شدت عواطفش نسبت به مادر بزرگ این جملات را به عنوان شعر قرائت کرد:

مادر بزرگ

اگر بیایی تمام سوسک‌های قبرستان را لبس می‌زنم.[۱]

از این شگفت‌تر و نفرت‌آورتر بسیار شنیده‌ام و شنیده‌اید که نیازی به یادآوری آنها نیست.

اما پلیدی این شیوه جلب توجه دیگران به شعر، وقتی بیشتر است که موضوع اصلی شعر از مفاهیم ارزشمند و متعالی باشد؛ مثلاً در شعر عاشورایی یا شعر انتظار یا سخن گفتن از حماسه‌های ملی و دینی و شهدایان و اساطیر، وقتی که چنته اندیشه و ذوق شاعر خالی است و اشتیاق فراوان به دیده شدن و احیاناً کسب تیه و جایزه دارد؛ از این ابزار ناپسند برای ایجاد جاذبه در شعر بهره می‌گیرد و شعر را به پرنگاه ابتذل می‌کشانند.

در این سالیان، گونه‌ای از شعر رواج یافته است که گویا تمامی تجربه‌های پیشین را در مبتذل ساختن شعر برای جلب‌نظر دیگران فراهم آورده است تا هیاهویی به پا کند و گرد و غباری برانگیزد و در این معر که متاع ناچیز و نامرغوب خود را به عنوان شعر پیششاز و فراتر از زمان به نمایش بگذارد و به رخ بکشد.

این شیوه البته همواره با جلب نظر عوام مواجه خواهد شد، زیرا:

هر که جنس، ارزان فروشد

مشتی بر وی بجوشد

اما پس از خاموش شدن غوغای عوامانه و فرونشستن گرد و غبار، تهی دستی این شعبده‌بازان عیان خواهد شد.

مشکی! یعنی درون پوست‌های خالی گرد و قیر می‌ریختند و

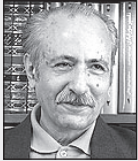
دست و پاهای آن ملوس دزد را در آن قرار می‌دادند.

مجازات گربه، عملی می‌شد و آن بیچاره دیگر نمی‌توانست راه برود، چون سُرمی خورد و سر و صدای دست و پاهایش هم مانع دزدی‌اش می‌شد. گربه به تدریج از شکار می‌ماند و به مرور بر اثر گرسنگی تلف می‌شد. این مجازات غیر انسانی، اگر چه تلخ و مشمئزکننده بود، ولی بچه‌های دلبسته به ملوس را به این فکر فرو می‌برد که دزدی عمل بسیار بد و زشتی است.

این مجازات به مرور حالت مُثل پیدا کرد و وارد حوزهٔ انسان‌ها شد و در تعاملات اجتماعی رواج پیدا کرد.

بعدها هر کس که در کار و عملی خلف وعده می‌کرد و طرف مقابل خود را در تنگنا و فشارهای مالی و عصبی و ... قرار می‌داد، شخص شاکی می‌گفت: دیدی فلانی دست ما را در پوست گردو گذاشت؟!

بنابراین یادمان باشد که دست دیگران را از هر جنس و قماش که باشند، در پوست گردو نگذاریم، که خلف وعده و آزار دیگران خوب و شایسته و اصلاً انسانی نیست.



استاد بهاء‌الدّین خرّمشاهی

کژتابی‌های

ذهن و زبان

۵

۱۳- او نامردم آمیز است.

(الف) با نامردمان معاشرت می‌کند.

(ب) او مردم آمیز-معاشرتی -نیست.

(۱۳/۱- او ناحق شناس است.

(الف) او حق ناشناس یا حق شناس است.

۱۴- همهٔ مردم و طیفهٔ شناس نیستند.

(الف) فقط بعضی‌ها و طیفه‌شناس نیستند.

(ب) تمامی مردم و طیفه‌شناس‌اند.

۱۵- در آفریقا انسان‌ها از کودکی به پیری می‌رسند.

(الف) سطح زندگی شان خوب است و عمر کافی می‌کنند،

لذا از کودکی به جوانی و سپس به میانسالی و پیری می‌رسند.

(ب) برعکس، چنان زندگیشان سخت است که یک‌راست

از کودکی به پیری زودرس می‌رسند.

۱۶- خداوند جهان را از عدم آفرید.

(الف) از «حالتی» که وجود نداشت (در مرحلهٔ عدم بود) به حالت موجود در آورد.

(ب) جهان را از جنس «چیزی» که همان عدم باشد آفرید.

(۱۶/۱- انسان از نادانی به سوی دانایی می‌رود.

(الف) از مبدء نادانی که حالت اولیه و طبیعی اوست، سیر

استکمالی می‌کند و به دانایی می‌رسد.

(ب) به علت نادانی است که انسان به دنبال علم می‌رود.

۱۷- او از ولگردی به جیب‌بری پرداخت.

(الف) (شغل شغالش را که ولگردی بود را کرد و به شغل شریف جیب‌بری پرداخت.

(ب) از فشار بیکاری و ولگردی، ناچار شد که به جیب‌بری بپردازد.

(۱۸) یکی از زنان مدیر مدرسه، از شغل خود استعفا داد.

(الف) یکی از خانمهایی که شغالش مدیریت مدرسه بود، از شغالش استعفا کرد.

(ب) یکی از زنان- یعنی یکی از همسران مردی که مدیر مدرسه بود و طبعاً چند زن داشت -استعفا داد.

معروف است که بعضی از محققان روس در یکی از ملاقات‌های خود از مرحوم دکتر معین پرسیده بودند که «خانم دکتر معین» همسر ایشان است، یادختر شان؟!

۱۹- من از راهنمایی شما پشیمانم.

(الف) از راهنمایی کردن من شمارا...

(ب) از راهنمایی کردن شما مرا...

۲۰- جان دان مورخ فلسفهٔ یهودی است.

(الف) جان دان مورخ «فلسفهٔ یهودی» است، و از نظر دینی هم شاید فرضاً مسیحی باشد.

(ب) جان دان مورخ فلسفهٔ عمومی است، ولی از نظر نژاد و مذهب یهودی است.

(۲۰/۱- جان دان مورخ فلسفهٔ یهودی بی روحی است.

(الف) جان دان مورخ ... بی روحی است.

(ب) فلسفهٔ یهودی، یا فلسفهٔ یهودی‌ای که او مورخ آن است، بی روح است؟

۲۱- او شحنه شناس است.

(الف) شحنه او را می‌شناسد.

(ب) او شحنه را می‌شناسد.

۲۲- از شدت آرزو جوان گردد پیر

(الف) از شدت آرزو، مرد یازن جوان پیر می‌گردد.

(ب) از شدت آرزو، مرد یازن پیر جوان می‌گردد.

(۲۲/۱- از رهگذر حادثهٔ قارون شود گدا

(الف) قارون تبدیل به گدا می‌شود.

(ب) گدا تبدیل به قارون می‌گردد.

مطابق این الگو مثالهای نظراً نامحدودی می‌توان ساخت.

۲۳- برای این کتاب -یا فسلان عتیقه- نمی‌توان قیمتی قائل شد. این نوع چیزها قیمت ندارد.

(الف) خیلی ارزشمند است.

(ب) بی‌ارزش است.

۲۴- او برای بازدیدی پنج روزه از تهران وارد فرودگاه مهرآباد شد.

به محل ویرگول در این نمونه‌ها دقت کنید:

(الف) او برای بازدیدی [،] پنج روزه از تهران وارد فرودگاه مهرآباد شد.

(ب) او برای بازدیدی پنج روزه [،] از تهران وارد فرودگاه مهرآباد شد.

(پ) او برای بازدیدی پنج روزه از تهران [،] وارد فرودگاه مهرآباد شد.

این مثال واقعی است و از رادیو شنیده شده است. و اگر مکت و تکیه را جانشین ویرگول بدانیم، قرائت این خبر- از رادیو، مطابق با شکل «پ» که شکل درست است، نبوده است.

۲۵- منتقد یا نمونه خوان پنج غلط از مقالهٔ او گرفت که اتفاقاً همه در ست بود.

(الف) غلط‌ها واقعاً غلط بود، یعنی ایرادها وارد بود.

(ب) به طریقه‌ای نادرست و نابجا غلط یا ایراد گرفته بود، و غلط‌گیری یا ایرادگیری‌های او نابجا و نادرست بود.

۲۶- جواد با جعفر بیجانگانه (کودکانه) رفتار می‌کرد.

(الف) جعفر بچه بود، لذا رفتار جواد با او مناسب بود.

(ب) جعفر و جواد هر دو بزرگسال بودند، ولی رفتار جواد با جعفر خام و کودکانه بود.

ادامه دارد



دست و پای کسی رادر

پوست گردو گذاشتن!



* محمد رضا سهرابی‌نژاد



هومن ظریف

خون آشام‌های باختر و ادبیات خاور

۱۹

اگر در طول چندین دهه از حضور خون آشام‌ها در سینما، یعنی از دههٔ ۳۰ میلادی تاکنون، یک منحنی رشد رسم کنیم، خواهیم دید که اقبال عمومی خون آشام‌ها پس از رشد ابتدایی به مدد فیلمسازی بزرگ به نام «کاپولا» رشد مجددی پیدا کرد، ولی پس از مدتی با نویسنده‌گی خانم استفنی مدیر که یک مسیحی کاتولیک‌تر از پاپ و مورمون است، بخش‌های مذهب‌ستیزی خون آشامی از مجموعه خصال و رفتار در اکولا جدا شده است و ما با خون آشامی بی گناه و گیاهخوار مبادی آداب به نام «ادوارد کولن» مواجه می‌شویم که حتی در ارتباط با معشوق خود، می‌گوید: «من باید ابتدا در برابر یدرت زانو بزنم و پس از این که تقاضای از دواجم را پذیرفت...».



به هر تقدیر، پاستوریزاسیون استفنی مه‌یر، باعث شد که این روزها، خون آشامان جوان و سر به زیر و مبادی ادبی را شاهد باشیم که حتی فیلم‌های ساخته شده و اقتباسی آن به شاعرانگی خاستگاه ادبیات خون آشامی - یعنی سرزمین شرق و به ویژه ایران - نزدیک‌تر است تا تخیلات شیطانی نویسندگان آن.

نگردد عشق خون آشام، غافل از دل پر خون
که در هر ساغری ساقی خبر می‌گیرد از مینا

«صائب تبریزی»
تا اینجا از خاستگاه خون آشام‌ها سخن گفتیم و از آنجا شروع کردیم که «اوسن فلدز» شاعر آلمانی در اواخر قرن هجدهم میلادی، نخستین بار واژهٔ خون آشام را وارد «شعر» خود کرد.

گفتیم که چه او و چه گوته و چه لردبایرون، همگی از شیفتگان شعر و نظم فارسی بودند و استقبال از هنر ایران یا وام گرفتن از ادبیات کشوری که پیشانی و هویت فرهنگی اش شعر است، قابل تأمل و منطقی است.

امادرا ابتدای قرن بیستم، اگرچه «مینا» معشوقهٔ «دراکولا»، خون آشام مشهور برام استوکر، همچنان در کانون ادبیات و داستان نویسی بود؛ اما قضیه خون آشامی شاخ و برگ‌های تازه‌ای در جریان داستان نویسی پیدا کرد.

در اینجا ذکر نکته‌ای خالی از لطف نیست و آن کشف دستنوشته‌های برام استوکر در شیروانی خانه‌ای در ایرلند است که همین ۲ ماه پیش اتفاق افتاد.

آنچه این کشف را برای نگارنده مهم می‌کند، این است که پژو و هشگران با واقعیتی مواجه می‌شوند که پیش از این کمتر به آن بها داده بودند.

برام استوکر نیز ذوق شاعرانگی اش پیش از نویسندگی بوده است؛ یعنی پیش از اینکه او را نویسنده دراکولا بدانیم باید او را شاعر دانست.

در واقع اگر امکانات و دسترسی به آرشیو وی وجود داشت و پژو و هشگرانی باز او به دید ادبیات تطبیقی به این اشعار دسترسی داشته باشند، خواهند دید که او همانگونه که سال‌ها در ادبیات عثمانی و شرق غور می‌کرده و تحقیق مبتنی بر زندگی در اکولای واقعی داشته است؛ دست‌کم با شعر مولانا نیز آشنا که هیچ، مأنوس بوده است.

کمیتهٔ دستاورد پیدا شدن شعرهای برام استوکر این است که بپذیریم خون آشام خاستگاه شعر داشته است و این خود مؤید شاعرانگی و خیال‌افزایی شعر مستشرقان و ایران دوستان خواهد بود.

چون زمین و چون چنین خونخوارام

تا که عاشق گشته‌ام این کاره‌ام

«مولانا»

راستی جالب نیست که مضامین عشق و جاودانگی با خونخواری در همه داستان‌های خون آشامی از «اوسن فلدز» گرفته تا «گوته» و از «لرد بایرون» گرفته تا «برام استوکر»؛ آشکارا نقش مهم و پویایی دارند؟

ادامه دارد

بقیه از صفحه اول

امروزه کمتر هنرمندی را می‌توان یافت که تنها به یک هنر بسنده کرده باشد و آثار هنری نیز به دلیل امتزاج هنرها با یکدیگر، روز به روز بر وسعت بیانی شان افزوده می‌شود.

با این مقدمه، به جرأت می‌توان گفت که عمده‌ترین ویژگی آثار «دهمین دوسالانه سفال معاصر ایران» که از ۲۲ مهر تا پایان آبان در موزه امام علی (ع) تهران و فرهنگسرای کومش سمنان در حال برگزاری است، همان ویژگی طرح شده است و نمایشی از امتزاج چند هنر تجسمی را در قالب آثار ارائه شده دربردارد.

وجود همین ویژگی سبب شده تا آثار دهمین دوسالانه سفال معاصر ایران به راستی رنگ و بویی معاصر به خود گیرد و از هیأت دوسالانه‌ای که عمدتاً به نمایش کاسه و کوزه و بشقاب‌های سفالین با نقوش تکراری دوره اسلامی یا پیش از اسلام هنر ایران با کمترین اعمال خلاقیت می‌پردازد، بیرون آید و مسیر نمایش و معرفی ایده‌های نو، فکرهای بکر و تکنیک‌های تازه هنرمندان جسور را در پیش گیرد. هنرمندانی که همواره با حفظ ارزش‌های فرهنگی خویش، سعی در همپایی هنر شان با هنر دنیا دارند.

«بهزاد اژدری»، دبیر دهمین دوسالانه سفال معاصر ایران نیز پیش از این با اشاره به رشد کمی و کیفی آثار در این دوره دوسالانه، درباره کیفیت آثار گفته بود که عمده آثار با ایده‌های نو، به کارگیری فنون و مواد جدید، همراه با تنوع آثار و توجه هنرمندان به هویت بومی ارائه شده است. اژدری و وجود این ویژگی را در آثار این دوره دوسالانه، حاصل برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی در طی دو سال اخیر در حوزه سفال دانسته است.

در دهمین دوسالانه سفال معاصر، آثار از تنوع چشمگیری به لحاظ نوع ارائه و همچنین در تکنیک‌های به کار رفته برخوردارند. تصویر رومیایی

با آثاری از این دست را از همان بدو ورود به موزه امام علی (ع) و دیدن اولین اثر در محوطه باز آن می‌توان حدس زد. این اثر حجیمی با عنوان «گذار» از «رجحانه حسینی»، نمونه کوچکی از طاق در معماری اسلامی ماست که به اندازه عبور یک نفر از زیر آن همچون محل گذری کوچک ساخته شده و تنها ارتباط آن با دوسالانه سفال، نقوش دو سوی دیواره طاقی است که در یک سو با نقوش سفالین اسلامی و سنتی و قطعات موزائیک و در دیگر سو با

نقوش معاصر سفالی تزیین شده است. این اثر در فضای باز موزه در جایی قرار داده شده که دیدار کنندگان نمایشگاه برای قرار گرفتن در مسیر منتهی به فضای داخلی نمایشگاه باید از آن گذر کنند. ورود به فضای داخلی موزه امام علی و دیدن بخش عمده‌ای از آثار دهمین دوسالانه سفال معاصر ایران در سه طبقه موزه، ما را به جزئیات آثار این نمایشگاه و دسته‌بندی آنها متوجه می‌کند. آثار این نمایشگاه، گاه به صورت تابلوهایی سفالین ارائه شده‌اند. این تابلوها یا از سطوح یکپارچه سفالی با نقوش برجسته اغلب انتزاعی و بعضاً فرم‌گرایانه تشکیل شده‌اند و یا از ترکیب انتزاعی قطعات سفالی و موزائیک به دست آمده‌اند. گاه نیز سفال فقط به عنوان بستر و زمینه‌ای برای پیاده کردن یک اثر نقاشی یا رنگ‌های لعابی مورد استفاده قرار گرفته است.

نگاه و بینش هنرمندارانه و زیباشناسانه در انتخاب آثار، بر این نمایشگاه سایه افکنده و به جنبه کاربردی این آثار غالب شده است؛ چون بیشتر آثار از وجوه نمایشی، زیبایی‌شناسی و تزئینی برخوردارند و آثاری با ویژگی‌های کاربردی در این میان کمتر به چشم می‌خورد. این در حالی است که پدیده پیدایش و ساخت سفال و روند تحول آن با نیاز گذشتگان ما به ظروف کاربردی رابطه تنگاتنگ دارد.

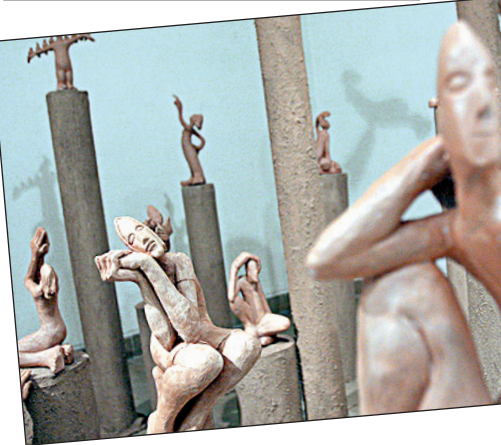
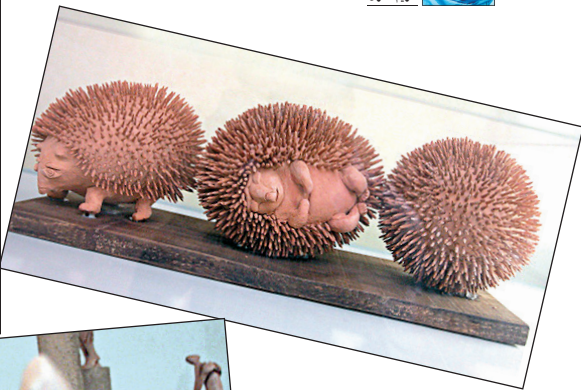
در میان آثار این نمایشگاه، علاوه بر آثار سفالین تک، آثار چیدمان و همچنین آثار هنر مفهومی به وفور دیده می‌شود. برخی از آثار چیدمان به قصد بیان معنا و مفهومی غیر مستقیم چیده شده‌اند و از این‌رو در زمره هنرهای مفهومی قرار می‌گیرند؛ اما برخی چیدمان‌ها خود به تنهایی حاوی انتقال احساس مورد نظر هنرمند هستند؛ پس فقط چیدمانند.

در آثار هنر مفهومی نمایشگاه و شاید در برخی آثار



مریم فارد

یک گام به پیش..



چیدمان، لزوماً تمامی عناصر به کار گرفته، از جنس سفال و سرامیک نیستند و عناصر دیگری هم در آنها به کار رفته است.

حضور این دست از آثار چیدمان و هنر مفهومی در نمایشگاه، تنها به واسطه همان تعداد محدود سفال در آثار است و چه بسا این آثار اگر در نمایشگاه‌های دیگری چون دوسالانه مجسمه یا هنرهای مفهومی هم شرکت می‌کردند؛ بار دیگر هم پذیرفته می‌شدند. این همان معضلی است که مخدوش شدن مرزهای میان هنرها در عصر جدید به وجود می‌آورد.

همین وضعیت را می‌توان در نقاشی‌های سفالین و همچنین در آثار مجسمه این نمایشگاه هم جست‌وجو کرد و آنها را دارای قابلیت‌های پذیرش در دوسالانه‌های نقاشی و مجسمه نیز یافت.

در این مرحله است که این پرسش برای آدمی به وجود می‌آید که با مخدوش شدن مرز میان هنرها در دنیای معاصر، اصلاً چه نیازی به برگزاری دوسالانه‌ها و جشنواره‌های مختلف است؟!

چون با برگزاری یک جشنواره بزرگ هنرهای تجسمی، حضور یک اثر هنری در چند دوسالانه مختلف و گنج شدن مخاطبان این دوسالانه‌ها به عنوان دیدار کننده



و دیدن یکسری آثار تکراری در این نمایشگاه‌ها منتفی خواهد شد.

در این نمایشگاه به آثار مجسمه‌های سفالین هم بسیار بر می‌خوریم. این آثار شامل سردیس، فرم‌های بر گرفته از نقوش و حجم‌های سنتی تا به فرم‌های مدرن، حتی فرم‌های اغراق شده و گاه فانتزی می‌شوند.

به نظر می‌رسد که بیشترین توجه هیأت انتخاب در گزینش آثار این دوره دوسالانه سفال، به آثار انتزاعی بوده

نگاهی به «دهمین دوسالانه سفال معاصر ایران» در موزه امام علی (ع)

و آنان بیشتر به چگونگی ترکیب قطعات، فرم‌ها و نقوش‌ها با تأکید بر عنصر زیبایی‌شناسی، آثار نمایشگاه را برگزیده‌اند.

موضوعات انتخاب شده از سوی هنرمندان این دوسالانه، همچون نحوه ارائه و ساخت آثار، از تنوع چشمگیری برخوردار است. این موضوعات یا از شعر و ادبیات ملهم شده‌اند یا با استفاده از نقوش و فرم‌های سنتی ماحشک گرفته‌اند یا این که ایده‌های نو و امروزی و زائیده ذهن هنرمند را دربر دارند.

البته برخی آثار هم به نظر می‌رسد از هنر و ایده‌های غربی تأثیر پذیرفته‌اند و تعدادی آثار هم می‌توان یافت که با نگاه به بافت سنتی یا روستایی مابه وجود آمده باشند. در بعضی آثار هم اغراق‌های آگاهانه، آنها را یا به طنزی کاریکاتوروار و یا به هجوی کوبنده و له‌کننده تبدیل کرده و یا به سویی فرم‌های فانتزی و انیمیشن گونه سوق داده است. گاه نیز آثار این نمایشگاه بدون هیچ موضوع مشخصی صرفاً برای نمایش زیبایی آفریده شده است.

برخی آثار نیز ظروف سفالینی را تشکیل می‌دهند که گاه با نقوش مدرن و گاه با نقوش سنتی و کهن تزیین شده‌اند.

بعضی از آثار این نمایشگاه شباهت‌های بسیاری با یکدیگر دارند. با دقت در نام هنرمندان آنها می‌توان پی برد که برخی از آنها توسط یک هنرمند ساخته شده‌اند، اما برخی دیگر ساخته دست هنرمندان مختلف‌اند.

دیدن آثار مشابه هم بدون مشاهده حتی اندکی خلاقیت اضافه در یکی از آنها به یقین برازنده نمایشگاه آثار یک دوسالانه نیست و چه بسا بهتر بود که هیأت انتخاب از میان آثار یک هنرمند یا از میان آثار شبیه به هم از چند هنرمند، یکی از برترین‌ها را برای نمایشگاه برمی‌گزید تا با این تدبیر بر کیفیت خوب نمایشگاه دوسالانه افزوده‌تر می‌شد. از سویی دیگر، در میان آثار با کیفیت، قدرتمند و چشمگیر نمایشگاه نیز گاه به آثاری ضعیف، خام دستانه، تجربی و دانشجویی بر می‌خوریم و آدمی در حیرت می‌ماند که چگونه چنین اثر آشکارا خام دستانه از زیر دقت نظر هیأت انتخاب به سوی آثار گزینش شده راه یافته است؟!

در دوسالانه دهم سفال، حضور هنرمندان شهرستانی با آثاری اغلب به همان قوت دست و با همان کیفیت آثار به نمایش درآمده از هنرمندان تهرانی، تحسین برانگیز و قابل تقدیر است و توجه و تأمل بیشتر به وضعیت هنر و هنرمندان شهرستانی را می‌طلبد. چون جوانان با استعداد و دارای ذهنی زیبا که با امکانات کم شهرستان‌ها این چنین خوش درخشیده‌اند، در صورت توجه بیشتر، چه آثاری که نیافرینند.

اما به‌طور کلی می‌توان گفت که دهمین دوسالانه سفال ایران با نگاهی تخصصی‌تر، ایده‌هایی بکرتر، ارائه آثاری هوشمندانه‌تر، تنوع بیشتر در آثار، نمایش آثاری شگفت‌آورتر و همگام‌تر با هنر معاصر جهان، به نسبت دوره‌های پیش، یک گام به جلو نهاده است.

پنجاه و ششمین شکر خند ــ استثنائاً سومین شنبه ماه، شانزدهم مهر ماه ــ در حالی شروع شد که رضا رفیع به عنوان سکاندار آن، قصد داشت خیلی زود جلسه را ترک کند تا به مراسم دیگری برسد.

اولین شکر خندی که بی حضور او قرار بود به سلامت اجرا شود! او در توضیح دلیل یک ساعت تأخیر در آغاز شب شعر گفت: بار خورده بود به فرهنگسرا و یک برنامه دیگری پیش پای شما داشت در اینجا برگزار می شد که در آن همشیره‌هایی مشغول دف نوازی بودند. به خاطر همین جلسه ما به تعویق افتاد. من هم باید تا دقایقی دیگر شمارا ترک کنم...

خانم نسیم رفیعی که این جلسه نقش مجری همراه را داشت، با اشاره به کت و شلوار پلو خوری رفیع گفت: خیر باشد. قیافه تان شبیه کسانی است که به خواستگاری می روند! رضا رفیع جواب داد: نه، به هموالیتی های خراسانی ام قول داده ام در جلسه گردهمایی سالانه شان (جامعه الرضا) که هر سال به مناسبت شب ولادت باسعادت امام هشتم ــ علیه السلام ــ برگزار می شود، به عنوان مجری برنامه، شرکت کنم. خانم رفیعی همچنان مشکوک پرسید: پس لابد عروس خانم مشاهدی هستند؟!

رضا رفیع برای پیچاندن قضیه، دستش را به سمت جمعیت دراز کرد و در روز جهانی کودک را تیریک گفت. سپس به جهت توجیه حرکت دستش گفت: «بخشید... باید دستم را پایین می گرفتم. اصولاً آدم باید همیشه بداند که دستش را کجا بگذارد! البته چندان هم بیراه نیست که بشود روز کودک را به همه شما به خاطر کودک درونتان تیریک گفت.»

او خاطره‌ای هم از دورانی که جمعی از دوستانش در ستاد انتخاباتی یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری فعال بودند ــ که البته رأی هم نیاورد ــ تعریف کرد و گفت: «دوستان رفته بودند پیش یکی از نزدیکان کاندیدای مورد نظر. ایشان برای تهیه مکان ستاد در حضور آنها به کسی زنگ زده و به او گفته بود که الان در خدمت مشتی از هنرمندان هستیم!...» در این موقع یک نفر از میان جمعیت شروع کرد به کف زدن بی موقع، که رضا رفیع گفت: «ظاهراً یک دستی اتصالی کرده!»

«رحیم رسولی»، آغازگر شکر خند مهرماه، سالگرد فقدان عمران صلاحی را تسلیت گفت و از آنجا که رضا رفیع کم کم قصد رفتن داشت، با استفاده از مصونیت فضایی ناشی از حضور او (!) شعر هایش را خواند:

تاقصه گوش است و در و دروازه است

فریاد و سکوت هر دو یک اندازه است

فریاد زن، صدا بزن دنیا را

فریاد که بی صدا شود، خمیازه است!

وارد پارک شدیم

تو به من پاشیدی

من به تو پاشیدم

و نمی دانستیم

آبپاشی جرم است

و عبور از نُرم است!...

همین که می گذاری پا به دنبای خبر، شک کن! چطور می ناگهان پیدات شد این دور و بر، شک کن بگیر از هر نظر، زیر نظر، بالا و پایین را

زیاد امانرو بالا، کمی پایین تر شک کن!... رضا رفیع، بخش «عکس و مکث» این نوبت را هم زودتر از همیشه برگزار کرد تا بعدش بتواند جلسه را ترک کند. در میان عکس ها تصویری از یک تابلوی بزرگ بود که ظاهر ادر یک استخر زنانه نصب شده بود و البته فقط عکس همین تابلو بود و بس: «خواهرم هنگام شنا استخر را با چادرت معطر کن!»

عکسی دیگر، منوی یک کافی شاپ بود که در آن می شد این گزینه را هم در میان سایر گزینه ها مشاهده و انتخاب کرد: «به چیز خوشمزه..... ۵۰۰۰ تومان»! (که شاید منظور همان چیز برگر بوده؛ منتهی کمی چیز برگر تر!)

یکی از عکس ها نیز سنگ قبری را نشان می داد که فرزندان مرحوم بیچاره، با بی دقتی تمام، در بیت ناقص الوزن نوشته بودند: « پدر جان با گویم غم هجران تو را

که از این پس ندارم تکیه گهی همچو تو را» که البته علاوه بر درستی یا نادرستی و زنش در باب درستی قافیه اش هم بین ادبا اختلاف است (!) کلمات حساسی از بیت را به شکلی اشتباه بر روی سنگ خدا بیامرز حکاکی کرده بودند که خنده دار شده بود! (مثل کلمه تکیه که «تکه» شده بود و قطعاً با این کار، تن مرده بینو ا را توی گور خود روی و بیره گذاشته اند!)

نگاهی گذرا به پنجاه و ششمین محفل ادبی شب شعر طنز شکر خند ــ مهر ۱۳۹۰

فریاد که بی صدا شود خمیازه است!



ارمان زمان فثی

یکی از عکس ها که به پیشنهاد رضا رفیع، از شعرای شکر خند خودمان در سفر شان به شهرستان تربت حیدریه تهیه شده بود، دو تن از آنها را در حالی نشان می داد و طوری نشسته و ایستاده بودند که ریش پر پشت یکی، سر کچل دیگری را پوشش داده بود؛ یعنی محاسن یکی، معایب دیگری را پوشانده بود!

رضا رفیع پس از آن، از شکر خند بیرون رفت و اداره جلسه را به خانم رفیعی سپرد که ایشان نیز به عنوان اولین نفر، «مهدی استاد احمد» را برای شعر خوانی فراخواند. شاید چون هر دو در رادیو جوان حضور دارند! استاد احمد مثل دفعه قبل، کارش را با دوبیت پیش غذا شروع کرد:

باقوه، خیال کیک هم می چسبد

بوییدن میلک شیک هم می چسبد

در کشور ما روابط زن با مرد

در حد سلام علیک هم می چسبد! او همچنین، در مورد ممیزی داستان خسرو و شیرین در ارشاد، آن هم قرن ها پس از نگاشته شدن آن، گفت: «واقعاً که نظامی را چه به شعر؟ تا کی باید شاهد حضور نظامی ها در عرصه فرهنگ باشیم؟!»

خانم «طلوعی» شاعر بعدی بود که روی سن رفت: آنگاه که خارج شدم از محدوده

رفتم به در میکه خواب آلوده

افسوس که اسم شب فراموشم شد

دادند به جای می به من فالوده!



مانند تو کاش دست و پا داشت می

مجموعه خندق بلا داشت می

با این همه اقساط عقب افتاده

یک بانک به نام آریا داشت می! بعد از آن که «مصطفی مشایخی» شعر جالبی خواند و متأسفانه نسخه‌ای از آن به دست من نرسید، «علی زراندوز»، سردبیر سابق مجله سابق «پچه‌گل آقا» پشت تریبون رفت و به مناسبت روز جهانی کودک، خاطره‌ای به نقل از شاعر کودکان، آقای جعفر ابراهیمی (شاهد)، تعریف کرد که گویا ایشان میهمان

مدرسه‌ای بودند و در پایان، مدیر مدرسه از بچه ها خواسته تا برای ایشان آرزو کنند که ان شاء الله یک روز آن قدر کارشان خوب بشود که بتوانند برای بزرگترها هم شعر بگویند! «همایون حسینیان» در توضیح مطلب طنزی که می خواست بخواند گفت: «وقتی آقای بذریاش، رئیس سایپا، به ریاست سازمان ملی جوانان منصوب شد، با ذهنیت خودرویی، به این نتیجه رسید که برای دخترها و پسرها گواهی نامه ازدواج صادر کنند. من در عالم تخیل پیش بینی کردم که مثلاً از این به بعد از این سازمان چنین نامه هایی به ادارات فرستاده شود:

مدیران محترم ادارات، سازمان ها، نهادها و...

باسلام

احتراماً با توجه به لزوم داشتن نگاهی متفاوت به جوانان و ازدواجشان و عدم آگاهی صحیح جوانان نسبت به انتخاب همسر، خواهشمند است طبق دستورالعمل این سازمان در جهت بهینه سازی مصرف عشق و محبت، از پرسنل ذکور خود ــ با شرایط ذیل ــ معاینه فنی گرفته و نتیجه را به این مرکز گزارش دهید.

۱- بازدید بدنه: بازدید دقیق مطمئن شوید که فرد دارای بدنه سالم، چهار شانه، با ابروها و سبیل هایی پر پشت (به عنوان سپر دفاعی مردانه) باشد.

۲- عدم روغن سوزی: شخص را در مسافت حداقل دو کیلومتری به سه طور متوالی بدوانید و مطمئن شوید که فرد به فرت فرت نمی افتد.

۳- عدم خلأفی: با استعلام از مراجع ذیربط انتظامی مطمئن شوید که شخص هیچ گونه سوء سابقه، حتی خط خوردگی، ساییدگی، و... ندارد.

۴- کمک فتر سالم: شخص را با آهنگی مناسب وادار به حرکات موزون نموده تا یقین کنید که کمر عینهو ششاه فتر کار می کند.

۵- عدم آلودگی صوتی: با آزمایش از شخص مورد نظر مطمئن شوید که در هنگام نشستن، راه رفتن، خندیدن، عطسه کردن، و کارهای دیگر محرک، آرام و بی سرو صدا کاری می کند یا نه؟

۶- کمربند ایمنی: باید مورد دارای کمربند محکم بوده و یقین شود که به راحتی باز نمی شود.

۷- دوگانه سوز باشد: یعنی علاوه بر غذا در موارد ضروری با اکسیژن هم قادر به حیات باشد. CNG داشته و HIV نداشته باشد.

۸- ترمز ABS سالم: مطمئن شوید که در مواقع دیدار با دیگران ترمز درست عمل نموده و خدای ناکرده تصادفی نشود که تا پلیس نیاید، نتوان جمعش کرد!

۹- بازدید شماره: باید شماره ملی، شناسنامه، کد پستی و از این جور شماره ها چک شود و ترجیحاً در نقطه‌ای از بدن شخص شماره حک گردد؛ به طوری که نتوان آن شماره را دستکوب کرد.

لازم به ذکر است که در صورت عدم حائز بودن شرایط فوق، ضروری است که شخص خاطی را ــ تا به دست آوردن نتیجه مطلوب ــ همانجا در پارکینگ بخوابانید!

با سپاس: (سمج) سازمان ملی جوانان (!)

نوبت به «میلاد سلطانی» رسید تا شعر بخواند:

این نام که در جهان طنین انداز است

دیروز هزار بار جل الخالق

فرمود به من که در ب خود رو باز است!

الهی زایمان بی دردسری

سلامت هم برای ما مهم است

ولیکن بچه تر جیجاً پسر بی!



یک خانه و یک لیسانس ای تی دارم

هر جا که طلب کنید پارتی دارم

من را به غلامی بپذیرید شما

من تا دوسه سال هم گارانتی دارم!

«نادر ختایی» در توجیه شعری با مطلع:

السلام ای جناب قذافی

می رسد هی خبر که علافی! گفت: «به رضا رفیع گفتم می خواهم شعری درباره قذافی بخوانم. او پرسید: در ذم قذافی است؟ گفتم: پَه نَه، در مدحش!... تغییر جنسیت داده ام بینم من را بین محافظانم می پذیرد یا نه!» در این نوبت شکر خند، اغلب شعر اقبل از شعر خوانی شان، دست به توجیه آنچه سروده بودند می زدند: حتی استاد «حسامی محولاتی»!... ایشان وقتی که پشت تریبون قرار گرفت، گفت: «در مجله توفیق که بودیم، هر بار سر به سر هوید [نخست وزیر وقت] می گذاشتیم. طوری شده بود که اگر دو هفته چیزی نمی گفتیم، از دفترش زنگ می زدند ببینند چی شده!» ایشان سپس یک شعری از همان دوران، یعنی زمان شاه خواندند:

دیشب به خوابم آمد آن دلبر خیالی

گفتا که در کنارم جای تو مانده خالی

گفتم که شام هجران کی می رسد به پایان؟

گفتا که این تصور، امری است احتمالی

آخر چنین که بینی، اوضاع ما به هم خورد

از بس که خلق حالا گشتند لاابالی

از پول نفت ما شد آباد نصف دنیا

اما به ما ندانند یک دانه یک ریالی!

ما رانمی گذارند با حال خویش یک دم

دیوانه جنوبی، بیگانه شمالی

زان گوشه و کنایه، دیشب رئیس بند

گفتا که کیست مقصود؟ گفتم جنابعالی!

«محمدرضا ستوده» تعدادی آگهی تبلیغاتی خواند که بعضی هایشان خیلی خوشمزه بودند:

* فوری: به یک کارگر ساده جهت ریاست فدراسیون فوتبال نیازمندیم!

* آموزش زبان علی آبادی باخذ آزمون نهایی در اجلاس اوپکا!

* به تعدادی مظلوم جهت ظلم کردن به آنها نیازمندیم!

* انواع جراحی ساکشن و لیپوساکشن و غیره، علی الخصوص و غیره!...

* خانه قدیمی شما را خراب می کنیم. (سازمان گردشگری و میراث فرهنگی!)

از آنجا که رضا رفیع در جلسه نبود، کسی هم نبود که به دوستان تکه ببندازد و لا به لای شعر خوانی ها بداهه پردازی کند. بنابراین شاعرها، بلا تشبیه مثل یک بچه خوب، یکی یکی می آمدند

شعرشان را می خواندند، سرشان را پایین می انداختند می رفتند سر جایشان می نشستند. از اینرو چون دست ما از حیث انعکاس حاضر جوابی های رفیع خالی است، در اینجا فقط خشک و خالی به تعدادی از شعرهای طنز خوانده شده، اشاره می کنیم و بس!... می خواستید نگذارید رضا رفیع از مجلس برود!

* خلیل جواد:

باید دل من بسوزد و دل بشود

تا اینس که مقابل تو قابل بشود

من شعر سروده ام فقط، شرمند

در وصف تو باید آیه نازل بشود!

* رضا احسان پور:

پرسید شبی ز حال من دلدارم

گفتم که ز رنگ و بوی تو بیزارم

گفتا نکند دو تا شده شلوارت؟

گفتم پ نه پ، فقط تو را من دارم!

* عباس صادقی:

باسعی به حج رفت، صفارایخرد

بیچاره کجارت کجاریخرد

بنگاه معاملات میسکن داشت

می خواست که خانه خدا را بخرد!

ما تازه در این جلسه فهمیدیم که خواهران پاکروان، یک برادر شاعر هم دارند که اسمش «علیرضا» است:

سوء استفاده می کنم

سوء استفاده می کنی

همه سوء استفاده می کنند

لیوان لیوان!

* مرتضی لطفی:

این قدر که گیج می زنی بعد از تو

خود را به خلیج می زنی بعد از تو

تو جام شراب می زنی بعد از من

من آب هویج می زنی بعد از تو!

در این لحظه آقای آمد کیف لپ تاپش را کنار صندلی ما گذاشت و رفت. ما هم به گمان این که بایک بمب گذاری سستی مواجهیم (!) ترسیدیم. اما خوشبختانه جلسه به آخر رسیده بود و می توانستیم فرهنگسرای ارسباران را ترک کنیم. تا شکر خندی دیگر بدرود.



پا هاشاقران المروزی



«اصغر معاذی» از غزل سرایان جوان و شناخته شدهٔ ساکن شهر ری است. او دبیر ادبیات است و نخستین مجموعهٔ غزل هایش را با عنوان «بادبادک‌های دیار مادری» در سال ۸۸ توسط انتشارات سوره مهر به علاقه‌مندان شعر عرضه کرد. هر چند معاذی شاعری عاشقانه‌سر است، اما دغدغه‌های اجتماعی نیز بن‌مایهٔ برخی از غزل هایش را تشکیل می‌دهد. شعرهای آیینی معاذی نیز از نمونه‌های موفق اشعار آیینی شاعران جوان به‌شمار می‌رود. موفقیتی فزون‌تر را برای این غزلسرا آرزو مندیم.

شاعر

خوابش نمی‌گرفت، خودش را به خواب زد

آتش‌گرفته بود، نمی‌شد به آب زد

حال و هوای کودکی‌اش را نفس کشید

برخاست پای چوبهٔ دارش...طناب زد!

از خانه‌های مه‌زده‌لی‌لی‌کنان گذشت

از شاخه‌های سوخته آویخت، تاب زد
باطوقه‌ای شکسته و یک کوچه اشتیاق

غم‌های پابرهنگی‌اش را رکاب زد

خندید در کلافه‌ترین لحظه‌های درد

بر جای مشت خوردهٔ دیوار، قاب زد

بغضش گرفته بود و شکستن نشد نداشت

چشمش به جوش آمد و بغضش حباب زد

شب‌های بی‌ترانگی‌اش را غزل غزل

وقتی سرود، صبح دمید، آفتاب زد

گلدان خالی لب ایوان، بهار داد!

شاعر تمام خستگی‌اش را به خواب زد...

نارنج‌زاران

کجاها را به دنبالت بگردم شهر خالی را!...؟

دلم انکار باور کرده‌آن عشق خیالی‌را

نسیمی نیست... ابری نیست... یعنی: نیستی در شهر

تو در شهری اگر باران بگیرد این حوالی‌را

مرا در حسرت نارنج‌زارانت رها کردی

چراغان کن شبِ این عصرهای پر تقالی‌را

اناری از لبِ دیوار باغت سرخ می‌خندد

بگیر از من بگیر این دست‌های لاابالی‌را

نسیمی هست... ابری هست...!مانیستی در شهر

دلم بیهوده می‌گردد خیابان‌های خالی را!...

مادیان ترکمن

تمام شب را در بادها وزیده تنم

هوای بوی تو را کرده بود پیرهنم

چقدر پیرهنم غرق بادبادک بود

برای دکمه‌ای از دست خود رها شدنم

کنار تو پرم از موج و کوه و دشت و درخت

ولی بدون تو حس می‌کنم چقدر منم

در امتداد رگ و ریشه ام عطش جاری است

نفس بریدهٔ صحرایی از شن و گوَرم

نسیم موی تو آشفته دشت خوابم را

تو باز آمده‌ای مادیان ترکمنم

نگاه سرکش تو شبیه می‌کشید از من

که در جواب تو خوابت پرید...از دهنم

که تو گریختی و بادها به دنبالت

و من نشستم و باران گرفت روی تنم...

قابل توجه دوستان!

صفحهٔ «سبزینه» در انتظار آثار خوب شماست. اما تنها با ارسال اشعار، مقالات، ترجمه‌ها و یادداشت‌های خود به نشانی ایمیل زیر می‌توانید شاهد انعکاس آنها باشید. آثار رسیده، به‌دقت بررسی و در این صفحه درج خواهد شد.
پست الکترونیکی سبزینه برای دریافت آثار و اشعار دوستان
saberkakaei@gmail.com



نگاهی به «گذرنامهٔ موقت ماهی آزاد»، سرودهٔ پژمان الماسی‌نیا

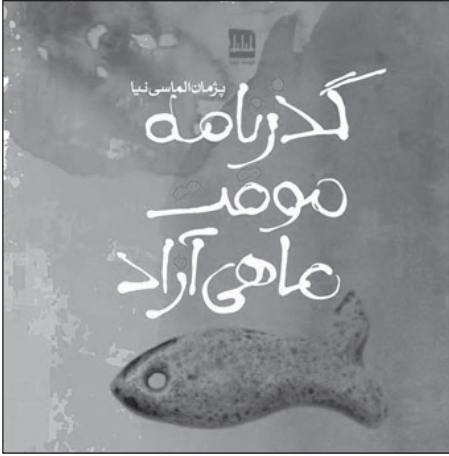
یکی بود، یکی نبود

دوستت دارم تا همیشه همین زندگی /هیچگاه فراموشت نخواهم کرد...» (ص ۱۷)

اما شعرهای کوتاه مجموعه که عمدتاً سرودهٔ سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ هستند، باز هم ایجازهای خوبی را دارند. حضور ترکیبات نو و بدیع، حذف برخی کلمات و کم‌رنگ شدن حضور جزء به جزء در شعر، از خصوصیات اشعار سال ۱۳۸۸ در مجموعهٔ «گذرنامهٔ موقت ماهی آزاد» است.

در کل مجموعه –چه اشعار بلند و چه کوتاه –با تصویرهای تازه و خیال‌های زیبایی مواجه هستیم. بکر بودن برخی تصاویر هم لذت خواندن اشعار را بیشتر می‌کند:

دریا/آمیختهٔ شیر و شکر و ابریشم، ابی نیست /گاهی نگاهم می‌کنی /می‌خندی .../دورتر که رفتی، لکه‌ای سفید



شدی /آن‌قدر سفید که دیگر نتوانستم ببینمت. (ص ۲۰)

آفتاب زده /سفر کردم به اقلیم خواب /خواب همیشه رانندگی در جاده‌های برفی /خواب سقوط ماهی‌های گلی به دشت برف گرفته... (ص ۸۳)

مادر این مجموعه باز هم با تصاویر امروزی در کنار طبیعت مواجه هستیم. همچنین بعدها ی عینی و ذهنی در کنار هم توانسته مخاطب را با شعر همراه کند. عناصر خیالی اشعار، امروزی و برای مخاطب امروز قابل لمس و درک است. اگرچه به‌خاطر احساس نوستالژی شاعر بافضای دیروزی وی هم همراه هستیم. آشنایی با عناصر موجود در شعرها یکی از دلایل درک بیشتر اشعار است:

امن‌ترین جای جهان /خیابان و لیعصر است /دره‌های عصر پنج‌شنبه /در مسافتی کوتاه، /شانه به شانه /هم مسیر شدن با تو. (ص ۸۱)

مسافر اتوبوس‌های صبح /چه دور باشی و نزدیک /عطر خوشایند ریحان /از ردیف‌های پشت سر، /می‌وزد به باقیماندهٔ عمر مـ /نوروز می‌شود /در بامداد اردیبهشت ابی. (ص ۶۰)
تشبیه، استعاره، کنایه و گاه مجاز، جایگاه‌های خوبی در اشعار دارند و با کمک همین صورت‌ها، فضاسازی‌های هم عاشقانه و هم گاه اجتماعی به‌خوبی نشان داده شده است:
نه شب بود و نه روز که باران گرفت /از زمین به آسمان می‌بارید /بوی خزه می‌داد بارانی سفیدت – (ص ۵۵)

یادهای زمستانی، چنارهای هنوز از باران خیس، چشم‌هایت سبز زلال بود، اقلیم خواب، چشم‌های شیشه‌ای‌اش، بیلاق چشمان زن، خون شقایق‌های تازه سر بریده، گم‌شدهٔ دیرپایم، گل‌های سیب که به گیسوانت آویخته بود، و موارد بسیار دیگر... که ترکیبات و مفاهیم زیبایی را در شعر ایجاد کرده‌اند.

در این مجموعه، احساسات گوناگونی مثل مرگ، تنهایی، دوری، امید و... در ابعاد مختلف بیان شده است. عاطفه و اندیشه، توسعه یافته است؛ خصوصاً عواطف فردی. اگرچه در شمار اندکی از اشعار آغازین مجموعه، بیشتر عنصر عاطفه وجود دارد و اندیشه در مرحلهٔ کم‌رنگ‌تری قرار گرفته است، در «گذرنامهٔ موقت ماهی آزاد» با احساس‌های یکنواخت مواجه نیستیم. در جایی، شاعر از مرگ خود و خودکشی حرف می‌زند و در شعری دیگر، از امید و شادی و آینده سخن می‌گوید و نیز عواطف و اندیشه‌های اجتماعی هم لا‌به‌لای اشعار مجموعه حضوری موفق دارند:

باران /از آسمان می‌بارد /در خیابان مردی آتش گرفته /زبان می‌کشد در سکوت... /هیچ کس /«همه‌چیز» را نگفته است. (۸۰)

نرم‌نرم /دارد پامی گیرد برف /حالا ست که گرگ‌ها دسته‌دسته /پای کوبان /راهی پهن دشتِ سرد شوند... (ص ۶۶)

و عده کردیم /همگی زیر غبار خیس باران /رنگ چشم‌ها را حدس بزنیم /از شناسنامه و کارت‌های شناسایی هم چیزی دستگیرمان نمی‌شود /حتّاً... /که سالیانِ سال /تورا راکشته‌اند. (ص ۷۸)

در شعر «کانال ماهی» از صفحهٔ ۲۹، فضای تلخ مرگ را می‌بینیم. مرگی که با تصویرسازی خون‌آغشتگی و نامه‌هایی که به مقصد نمی‌رسند، نشان داده می‌شود:

تا آن‌همه پاکت سفید /به لکهٔ سرخ درشت تن پوشت آغشته شوند /تا آن‌همه پاکت سفید /هیچگاه به مقصد نرسند .../

در برخی موارد، به حس آمیزی‌های قابل قبول و قابل درکی

ادب‌وهنر



شیوا افرانمند

می‌رسیم که الماسی نیا توانسته است پیوند‌های زیبایی در آنها ایجاد کند، بدون آن‌که دلزدگی یابی معنایی ایجاد شود:

دلهره‌های مضاعف را می‌چشم هر روز...؛ شاید باران بود که به بی‌یلاق چشمان زن دوید و دوید...؛ باد صدایمان را می‌کشد؛ چشم‌مانم محو چشمانت، چیزی نمی‌شنوند که!؛ که سپیدی چشم‌هایت عطر سفر گرفت؛ بنفش شیرینم!؛ و نمونه‌های دیگر... که در جای خود بدیع و بکر هستند.

نحوهٔ بیان این عناصر و ارکان شعری هم مهم است. دستور زبان و قوانین زبانی هم تا جایی قابل شکستن و تغییر هستند که ارتباط با مخاطب قطع نشود و منظور شاعر از بیان حس و خیال و تصویرهایش قابل درک باشد. زبان مجموعه شعر «گذرنامهٔ موقت ماهی آزاد» تابع زمان شاعر است. علاوه بر تصاویر

امروزی که بیشتر گفتیم، استفاده از قوانین امروزی زبان و نیز واژگان امروزی هم در این مجموعه به‌صورت موفق انجام گرفته است. نوگرایی در تصویر باید با نوگرایی در زبان هم همراه باشد تا بتواند شعری ملموس ارائه شود. واژه‌های اشعار «گذرنامه...» می‌توانست گسترده‌تر از این باشد که هست. گاه تکرار برخی واژه‌ها در بیشتر اشعار، اندکی قوت مجموعه را گرفته است. اگرچه در خود شعرها به‌تنهایی احساس نمی‌شود، اما حضور مداوم در مجموعه زیاد مناسب نیست؛ مثلاً: بنفش /آبی /برف /نام فصل‌ها /نام ماه‌ها /افرا /چای /دریا /مه و موارد دیگر... در مجموعه بسامد بالایی دارند و امیدوارم الماسی‌نیا در مجموعهٔ بعدی خود این نکته را مدنظر قرار بدهد. در چند نمونه، مثل ها و کنایاتی هم می‌توان دید که به شکل دیگری آورده شده و به‌نوعی صنعت تمثیل در آن ایجاد شده است: «هیچ کس /«همه‌چیز» را نگفته است.» که اشاره دارد به مثل «همه چیز را همگان دانند» یا: «هیچ کس همه چیز را نمی‌داند.» یا: «دیر است برای پاهایم /روی زمین که نیستند»، در شعر «همیشه برف» از صفحهٔ ۳۷ که اشاره دارد به این جمله که: «روی پاهایش بند نیست» و البته می‌تواند معنایی نیستی را هم بدهد. ابهام این جمله زیباست. یا تعبیر از زمین به آسمان باریدن که در شعر «آبان» در صفحهٔ ۵۵ بیان شده است.

ریتم در اشعار مجموعه، خوب اتفاق افتاده است. چینش کلمات و ساختار نحوی به‌گونه‌ای است که موسیقی درونی ایجاد کرده و خوانش را دلنشین‌تر کرده است. ترکیبات خوب و استفاده از جمله‌های معترضهٔ بجا و برخی قرینه‌سازی‌ها هم به قوت اشعار کمک کرده‌اند:

کنار تو در پناه درختان کنار /-دور از جهان بی‌رحم و مردمش /-امنیت داشتم (ص ۴۴)

افرای خدا حافظی! /پاییز در راه است /و بادهای زمستانی /و من هرگز «بزرگ» نشدم. (ص ۶۴)

در شعر «بادبده» از صفحهٔ ۶۲ و شعر «روزی روزگاری» از صفحهٔ ۴۲ و چند شعر دیگر نیز متعرضه‌ها و ترکیبات بجایی را می‌خوانیم.

تأثیرپذیری الماسی نیا از طبیعت در بیشتر اشعار واضح و مبرهن است و در اندک مواردی، طبیعت را با همان ساختار و حقیقت و جودی خودش آورده، بدون آن‌که در خدمت شعر گرفته باشد. اما در اکثر موارد، طبیعت در نقش‌های تشبیهی و استعاره و کنایه قرار گرفته‌اند و به خدمت معنا و مفهوم کلی شعر درآمده‌اند و به خلق تصاویر تازه کمک کرده‌اند. مخصوصاً در اشعار کوتاه مجموعه که از نظر زمانی هم جزو اشعار سال ۱۳۸۸ محسوب می‌شوند.

شتاب نمی‌کنم اما پایان دریا نزدیک است انگار... / (ص ۵۷)
در شعر «یکی بود، یکی نبود» از صفحهٔ ۷۴، تصویر زیبایی از غروب ارائه شده است: پیش از غرق شدن آفتاب در آب دریا که «تشخیص» صورت گرفته برای آفتاب، نمونه‌ای خوب از به‌کارگیری صور خیال است. یا ترکیب «تیه‌های شبنم‌پوش» هم همین صورت را دارد و پرندۀ فلزی اول شعر که در این طبیعت پرواز می‌کند.

در خیابانی که به خانه می‌رفت //شهر هنوز بیدار نشده //از خیابان کاری ساخته نیست// که چه‌قدر هوا دل‌تنگ است// و چند نمونهٔ موفق دیگر برای «تشخیص»، که نشان می‌دهد مشخصه‌های موجود در شعر، تنها حضوری ظاهری ندارند.
دَم گرگ /چیزی که بهمین بود و بهمین نبود /بی‌هوا از سقف آشپزخانه پایین ریخت... (ص ۷۲)

در شعر «صبح کاذب» البته پارادوکس زیبایی هم وجود دارد که شاید بتوان آن را جزو فضاهای غمگین نیز دانست: «با موهای بلوطی قشنگ از ته ترا شنیده»؛ توصیف موهایی که نیستند اما هنوز دیده می‌شوند و زیبایی خاصی در شعر ایجاد کرده است. یا حضور چیزی که برف هست و برف نیست که تأکید بر «برف» نشانهٔ غم و سمرای موجود است. الماسی نیا شاعری است که میل به نوشتن و یادگیری دارد و مجموعه‌های او هم نشان داده است که اشتیاق ذهنی شعری در ابعاد زندگی‌اش نمایان است. به فکر هنجار شکنی‌های نامعقول در شعر نیست و اجازه می‌دهد که شعر در سیالیت خود به‌باور و اندیشه‌اش برسد و بر احساسش جاری شود. بنابراین تأمل و درنگ در آنچه که می‌نویسد هم لازم است و شاعر جوان، این مسأله را تا حدود زیادی درک کرده و در تلاش برای غنی‌سازی فکری و شعری خود است. الماسی نیا تصویرگری در شعر را می‌شناسد و در انتقال احساس خویش تا حدود زیادی موفق عمل می‌کند. اگرچه پذیرش تصاویر معمولاً با سلاقی مخاطبان همراه است. دقت در گزینش کلمات هم از شاخصه‌های دیگر اشعار الماسی نیاست. «گذرنامهٔ موقت ماهی آزاد» در ۸۸ صفحه و تاوسط نشر فرهنگ ایلیا در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده و شامل شعرهای تابستان ۱۳۸۱ تا پاییز ۱۳۸۸ شاعر است. برای الماسی نیا آرزوی توفیق بیش از پیش دارم.



افشین امیری ججین

ماهواره‌ای روستا رو بگیرین که شب و روز دارن همین جور دروغ و استون می بافن. آخر سرم انگار نه انگار!

(۱۰)

از چوپان دروغگو پرسیدند: تو که این همه سر و صدرا راه انداختی و همه رو علاف خودت کردی، حالا مدرکی چیزی داری؟ چوپان جواب داد: چرا ندارم؟ همین چند ماه قبل، رسالهٔ دکترممو در رشتهٔ «پای راست بره» تو دانشگاه زیاد بریج دفاع کردم، چطور خبر ندارین؟ گفتند: آخه بندهٔ خدا، اونجا که اصلا رشتهٔ پای راست بره رو نداره! گفت می دونم؛ مال منم افتخار یه!

(۱۱)

چوپان دروغگو هر روز داد می زد: «گرگ آمد... گرگ آمد». مردم جمع می شدند صبحرا و وقتی می دیدند گرگی در کار نیست، به چوپان می گفتند: آخه چرا الکی داد می زنی و همه رو گذاشتی سرکار؟ مگه مریضی؟... اما چوپان مدام می گفت: من کجا داد زدم؟ من فقط زم زمه می کنم. اونم واسه دل خودم. روزگار به همین منوال می گذشت و از مردم اعتراض و از چوپان انکار.... تا این که روزی ادیو یستی از آنچارد می شد، حکایت را که دید، با دیو متر اسکرینر پر تابلش آزمایشی از گوش های چوپان گرفت. کاشف په عمل آمد که چوپان دچار SNHL (کم شنوایی حسی - عصبی) دوطرفه است و اصلا متوجه نبوده که برای بهتر شنیدن صدای خودش، بی اختیار مجبور است صدایش را بلند کند و فریاد بزند! آگاهی وقت هانا آگاهی از بعضی مسائل، سوء تفاهم های زیادی ایجاد می کند!

(۱۲)

چوپان دروغگو یک شب داد زد: «گرگ آمد... گرگ آمد». مردم گفتند: بابا چته؟ روزا که از دستت آسایش نداشتیم، حالا شبم داد می زنی؟! چوپان جواب داد: خب از شبکه های ماهواره ای یاد گرفتم. این شب تکرار بر نامه روزمه. بالاخره باید به جوری وقت شمارو پر کنم یا نه؟!...

(۱۳)

چوپان دروغگو هر چی دازد: «گرگ... گرگ... گرگ آمد»؛ خبری از مردم روستا نشد. عصایش را برداشت و کشان کشان خودش را به روستا رساند و از اهالی پرسید: «آخه چرا دیگه بسه من تو جهی نمی کنین؟ مگه چه هیزم تری بهتون فرو ختم؟» یکی از اهالی ده با صدای رنجور گفت: ای بابا، کجای کاری؟ همه جو نامون که رفتن شهر. مام که تو روستا موندم، علاوه بر اعضای دیگه بدنمون که از کار افتادن؛ گوشامونم دچار



پیرگوشی (Senile) - Presbycusis شده. دیگه گذشت اون زمونی که صداتو از ۳-۴ فرسخی می شنیدیم. تو خودتو نگاه نکن، بیزنیم به تخته، تون دروغ بهت ساخته و سر حال موندی!

(۱۴)

چوپان دروغگو از صبح علی الطلوع تا غروب داد زد: «گرگ آمد... گرگ آمد»؛ اما خبری نشد و هیچ کس نیامد. توی راه برگشت به روستا، یکی از اهالی را دید و گفت: مرد حسابی، این همه داد می زنی «گرگ آمد... گرگ آمد»، چرا نمایین کمکم؟... طرف د زیر خنده و گفت: «ما همه تحصیل کرده ایم. بیست سال پیش داستان تو رو تو کتابا خوندم، همه رو از حفظیم. تو هنوز دست از این کارات برنداشتی؟!»

(۱۵)

چوپان دروغگو بعد مدت های یکاری، یک آگهی استخدام در یک روزنامه دید: «به یک چوپان نیاز مندیم». آدرس را خواند و سریع حرکت کرد. وقتی رسید، تا ته ده آدم صف کشیده بود. بالاخره بعد از یک عالمه آزمون شفاهی و کتبی، ارائه سابقه کاری و کلی پارتی بازی قبول شد. چند روز بعد صدای «گرگ آمد، گرگ آمد» چوپان دروغگو به گوش مردم ده رسید. همه ریختند و گرگ را کشتند. چوپان دروغگو دیگر دروغ نمی گفت. آخه، این روزها پیدا کردن کار خیلی سخت شده!

چوپان دروغگو مدل جدید!

به چوپان دروغگو گفتند: چرا دیگه داد نمی زنی «گرگ آمد... گرگ آمد»؟ گفت: از وقتی تردد نوی روستا زیاد شده، این زبون بسته ها رو هم زوج و فرد کردند. روزای زوج گرگا، روزای فرد گوسفند... اینا میان، اونانیستن؛ اونامیان، اینانیستن. این وسط من موندم و بیکاری و بی صدایی!

(۲)

چوپان دروغگو هر روز داد می زد: «گرگ آمد... گرگ آمد» و مردم رومی کشاند به صحرا... سال ها به همین منوال گذشت تا این که یک روز چوپان دروغگو افتاد و مرد. حالا همهٔ مردم هر روز صبح منتظر بودند صدای «گرگ آمد... گرگ آمد» چوپان را بشنوند. انگار جای یک چیزی در زندگیشان خالی بود. پس نشستند و تصمیم گرفتند که از پینو کیو دعوت به همکاری کنند! از آن تاریخ، راه چوپان دروغگو هنوز هم در جهان ادامه دارد.



(۳)

چوپان دروغگو از وقتی آمده بود شهر، هر روز می آمد سر خیابان و داد می زد: «اتوبوس آمد... اتوبوس آمد». وقتی مردم بیچاره حمله می کردند سمت ایستگاه، می زد زیر خنده و می گفت: «خوشم میاد که همه تونو سرکار گذاشتم... اتوبوس کجا بود آخه؟... تا شب همین جا ول معطلین!»

(۴)

به چوپان دروغگو گفتند: این همه داد می زنی «گرگ آمد... گرگ آمد»، یک وقت سر طان حنجره می گیری، می میری ها!... چوپان دروغگو بادی به غیغ انداخت و گفت: اصلا نگران نباشید. فکر اونچاشم کردم. صدامو ضبط کردم ریختم رو DVD. تا پنج ساعت راحت پخش می کنه... بالاخره یکی باید از این تکنولوژی استفاده مفید بکنه یا نه؟

(۵)

به چوپان دروغگو گفتند: چه عجب، خوبه دیگه الکی داد نمی زنی «گرگ آمد... گرگ آمد»؟ چوپان گفت: بابا، کجای کارین؟ آقا گرگه به پارتی کلقت تو دامداری کل پیدا کرده و خودشو چپونده اونجا. الانم هر روز بدون این که کسی بویی بیره، یه بره می زنه تورگ و سر ماهم چند تا گو سفند حقوق می گیره... خلاصه بار خودشو خوب بسته. بالاخره این روزا پارتی داشتتم خوب چیز یه!

(۶)

از چوپان دروغگو پرسیدند: آقا بر نامه ات بعد از «گرگ آمد... گرگ آمد» چیه؟ گفت: فعلا که بر نامه خاصی مد نظر من نیست؛ ولی با توجه به این که جو نای ده ول معطلن و خیلی دوست دارن به کارایی بکنن؛ شاید کار خونه های آفتابه سازی رو رونقی بدم تا این مردم روستامون راحت و بدون تحمل کو چکترین فشار جسمی و روانی؛ هر جای ده که خواستن بی دغدغه کارشونو بکنند!

(۷)

یه روز چوپان دروغگو داد زد: ای خدا، قبول کن این گوشت قربونی رو.... مردم پرسیدند: چیه، چه خبر ته؟ نکنه گرگ شدی و گوسفندات رو شقه شقه می کنی؟ عید قربونه؟ چوپان دروغگو آهی از ته دل کشید و گفت: نه بابا، شما هم دلتون خوشه ها. قربون کجا بود: دارم از اتوبوسای BRT پیاده میشم!

(۸)

از چوپان دروغگو پرسیدند: خسته نمی شی این همه داد می زنی: «گرگ آمد... گرگ آمد». عجب حوصله ای داری آ. گفت: پس چی کار کنم؟ آخه در حال حاضر ازون ترین سرگرمی ممکن - اعم از تفریحات سالم و ناسالم - همین سرکار گذاشتن مرده!

(۹)

یک روز مردم ده آمدند پیش چوپان دروغگو و با عصبانیت گفتند: خودتو مسخره کردی یا مارو؟ چرا هر روز هر روز صبح علی الطلوع داد می زنی «گرگ آمد... گرگ آمد»؟ چوپان گفت: چرا گیر دادین به من فلک زده؟ آگه مردین برین یقه این تلویزیونایی

دودکش

اصلاح طلبان!



رضا رفیع

در مثل مناقشه نیست. حرف ما هم نیست، قدیمی های نو اندیش گفتند: نه دگر اندیش!... این که آقای محمدرضا خباز به عنوان یک نماینده اصلاح طلب - و نه اصلاح طلبکار! - در مجلس، همچنین دوست داشته باشند که همه اصلاح طلبان در انتخابات آینده مجلس شرکت کنند و لیست بدهند؛ یک چیز خیلی خوب علیحده است و ما نیز همین عشق و آرزو را داریم.

ارزوی فرا جناحی:

«دست در دست هم نهیم به مهر

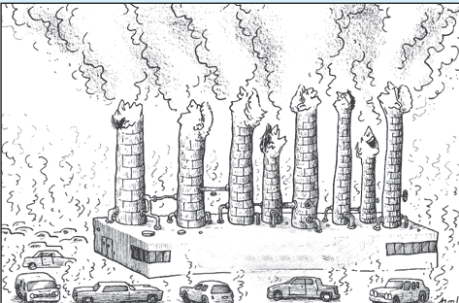
میهن خویش را کنیم آباد»

چه اصولی، چه اهل اصلاحات

همه از بسند اختلاف آزاد

همه احزاب خوب می باشند

بدا اگر هست، هست حزب باد!



بله، داشتیم مثل آدم به زبان نثر چیزهایی عرض می کردیم که زبان شعر مان بی نظمی کرد. اشکالی ندارد. ما حرف خودمان را بی می گیریم. نماینده شهر کشمش آور کاشمر، در ادامه عرایض و حدت گرایانه خود افاضه ی اضافه داشتند که اگر هم بنا به هر دلیلی اصلاح طلبان لیست ندادند، سایر اصلاح طلبان می توانند به صورت انفرادی کاندیدا شوند. ایشان سپس نگاهی به اطراف و اکناف خود انداخته و افزودند: «من به حضور اصلاح طلبان خوش بین هستم، ما هنوز دود سفیدی از این دودکش بیرون نیامده است.»

بسته پیشنهادی: از آنجا که بنده - و امثال بنده شرمندۀ نیز مخالف نظر آقای خباز و نانی که برای اصلاح طلبان پخته اند، نمی باشیم؛ به سبک و سیاق معمول و مألوف خودمان که خلق الله هم دیگر به آن عادت کرده اند و علاقه مند شده اند، یک بسته ناقابل را تقدیم حضور می نماییم:

۱- سباز بینی دودکش: بهتر است که دودکش اصلاح طلبان از نزدیک مورد بازبینی قرار گیرد. مبادا که خدای نکرده دچار گرفتگی خاصی باشد که به چشم نمی آید. حتی در مورد دودکش های معمولی ساختمان ها نیز هر ساله در هنگام «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» این عمل توصیه می شود و چیز عجیبی نیست.

۲- بی خیال رنگ دود: خیلی سخت نگیریم که حتماً دود سفیدی از دودکش اصلاح طلبان بلند شود. ای بسا دود بی رنگی صادر شود که به چشم نیاید و فلذا بد نیست از کارشناسانی با گرایش دودشناسی استفاده شود که به محض خروج دود، اعلام خبر کنند. این البته به معنای به رسمیت شناختن «حزب دوده» نیست. حزبی فاقد تابلو اما بیش از حد، تابلو!

۳- کنده یا دودکش: حالا گفته می شود که دود از دودکش بلند می شود؛ حال آن که در سوابق ایام، طوری که شنیدیم - و از ناحیه رسانه های بیگانه هم نبوده است - همیشه دود از کنده بلند می شده است. بنابر این، احتیاطاً به عوض دودکش اصلاح طلبان - یا لا اقل همزمان با آن - به کنده بخاری اصلاح طلبان نیز نگاه شود. یک نظر اشکالی ندارد و بی ضرر است.

۴- دود مخفی: این احتمال را هم نباید نادیده گرفت که شاید عدم مشاهدۀ دود از دودکش اصلاح طلبان بدین خاطر باشد که خیلی دوست ندارند این کارشان ریایی شود. شاید که به جای دودکش، از محل دیگری دود را بیرون دادند. مدت هاست که استعمال دودکش در ترکیب ساختمان ها خیلی قدیمی شده. سوای این که با خطر گاز گرفتگی نیز همراه است. محض اطمینان از آنهایی که تا به حال گاز گرفته شان، سؤال کنید. یا هم که از بازماندگان آن عزیزان سفر کرده!

(شاهد از غیب رسید!... رئیس مرکز تحقیقات پزشکی قانونی هم اکنون اعلام کرد که در ۶ ماه نخست امسال حدود ۲۸۷ نفر بر اثر گاز گرفتگی، جان خود را از دست دادند که نسبت به مدت مشابه سال قبل، ۵۹/۴ درصد رشد داشته است. بفرمایید تحویل بگیریم... ما که الکی حرف مفت نمی زنیم!)

عباس گودرزی



* متولد ۱۳۵۷ - بروجرد
* فارغ التحصیل کارشناسی نقاشی و هنرهای تجسمی
* شروع کاریکاتور از سال ۷۸ و از خانه کاریکاتور کرمان
* تدریس طراحی و کاریکاتور در کانون هنر ارشاد کرمان
* همکاری با روزنامه های محلی کرمان در زمینه کاریکاتور و تصویر سازی



